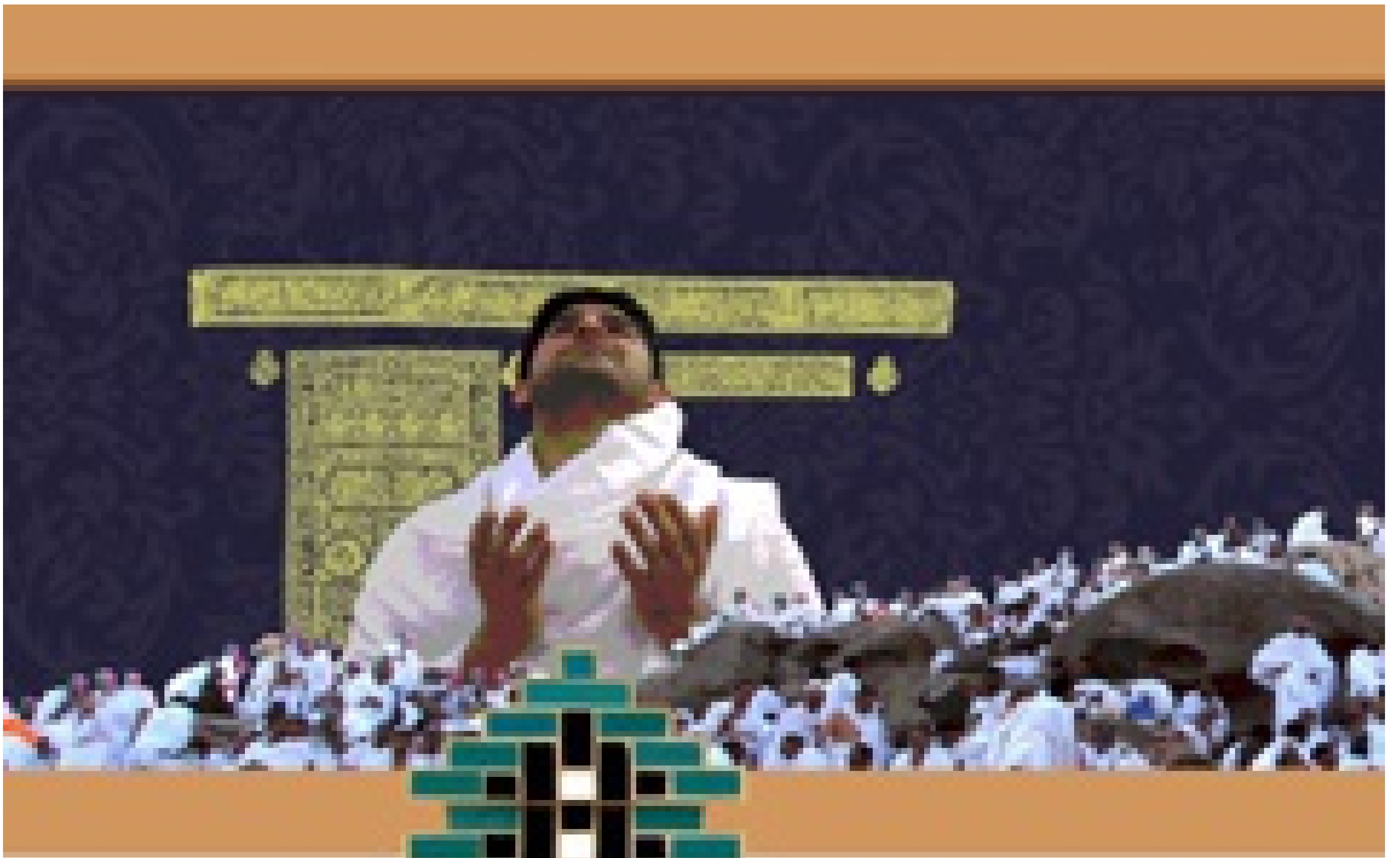


داستان‌های جوانان

در سرزمین قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

دانستنیهای جوانان

نویسنده:

محمدعلی قاسمی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دانستنیهای جوانان

مشخصات کتاب

سرشناسه : قاسمی، محمدعلی، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : دانستنی‌های جوانان در سرزمین قرآن/ محمدعلی قاسمی؛ [برای] حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۲۱۵ ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۵-۷ ؛ ۲۲۵۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم : ۱۳۹۰.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۰۹ - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حج

موضوع : حج -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع : حج عمره

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ق۱۷۷د۲ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۲۸۷۳۸

ص:۱

دیباچه

حج دریای عظیم معارف دینی است و سفر حج، انسان را در فضای جدیدی قرار می‌دهد که به دلیل مسائل خاص فرهنگی و تحولات تاریخی، زمینه پرسش‌های زیادی را در ذهن زائران فراهم می‌کند. به ویژه که مکه و مدینه سرزمین پیدایش اسلام است و با خود خاطرات و تاریخی کهن از حوادث و رویدادهای اسلام را به همراه دارد.

علاوه بر این نکات، عظمت و عمق سفر معنوی حج، زائران بیت الله را در دریای عظیمی از اسرار و معارف دینی قرار می‌دهد که با سایر مناسک و معارف دینی تفاوتی آشکار دارد.

مجموعه این ویژگی‌ها، پرسش‌های زیادی را در ذهن زائران ایجاد می‌کند و رسالتی سنگین بر عمده روحانیان کاروان‌ها می‌گذارد تا با استفاده از آمادگی ذهنی و انگیزه زائران با پاسخ به پرسش‌ها از زمینه مناسبی که برای انتقال معارف دینی فراهم گردیده استفاده نمایند.

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص: ۱۴

اثر حاضر حاصل زحمات جناب آقای محمدعلی قاسمی است که خود تجربه همراهی با کاروانیان سفر حج را داشته است و آنچه مربوط به این سفر معنوی و پرسش‌های زائران بوده است را به رشته تحریر درآورده است. ضمن تقدیر و تشکر از ایشان، امید است این اثر زمینه آشنایی هر چه بیشتر مشتاقان این سفر معنوی را با راز و رمزهای آن فراهم کند.

انه ولی التوفیق

گروه کلام و عقاید

مرکز تحقیقات حج

ص:۱۵

مقدمه

سفر حج و عمره سفری است که هر مسلمانی آرزوی رفتن به آن را دارد. زیرا سبب پالایش روح از آلودگی‌ها می‌گردد و مسیر زندگی انسان را روشن می‌کند و در انتخاب و بهبود مسیر آینده زندگی انسان نقش بسزایی دارد. در این سفر، نه تنها حج و عمره انجام می‌شود، بلکه عبادت‌های دیگری چون زیارت قبور امامان معصوم (علیهم السلام)، پیامبر (ص) و شهدا، تعظیم شعائر، شناخت تاریخ اسلام و ... نیز انسان را به سوی وصل به معبود رهنمون می‌شود.

خدا به بنده توفیق داد تا در یک عمره به عنوان روحانی کاروان دانش‌آموزان، عازم این سفر معنوی شوم. خاطره‌های زیبای این سفر هیچ‌گاه از یادم نمی‌رود. جلسه‌های معنوی، دعا و گریه‌های جوانان پاک این سرزمین، مرا بر آن داشت تا سعی کنم معنویت بیشتری را جست‌وجو کنم.

در این سفر، بیشرین وقت من صرف پاسخ به پرسش‌های فراوان کاروانیان عشق، می‌شد. سؤال‌هایی درباره عقاید شیعیان،

ص: ۱۶

سبب رفتار اهل سنت، با زائران شیعه تفاوت آنان، عملکرد وهابیون، معارف عمره، فلسفه و اسرار این عبادت همه و همه مرا بر آن داشت تا کتابی در این زمینه بنویسم.

امیدوارم این تلاش، بتواند به همه مسافران حج و عمره، به ویژه جوانان آگاهی و بصیرت بخشد و آنان را در برابر تبلیغات مسموم دشمنان مصون نماید.

از همه خوانندگان محترم، می‌خواهم تا نارسایی‌ها و کمبودهای این نوشتار را با قلم لطف خویش همراه سازند و برای نویسنده ارسال فرمایند تا در پاداش معنوی آن سهیم گردند.

ص: ۱۷

فصل اول: آداب سفر و سیری در اعمال حج و عمره

اشاره

ص:۱۸

ص: ۱۹

از نظر اسلام، سفر به ویژه سفر حج و عمره دارای آدابی است؟ که به مهم‌ترین آنها متناسب با سفر مکه و مدینه اشاره می‌شود:

آداب قبل از سفر

۱. انتخاب دوست

یکی از آداب سفر این است که رفیق راه داشته باشید.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الرَّفِیقُ ثُمَّ الطَّرِیقُ»(۱) ؛ «ابتدا دوست پیدا کنید، سپس به مسافرت بروید».

سفر مکه و مدینه، زمینه خوبی برای دوست‌یابی و آشنا شدن با انسان‌های با صفا است.

۲. پرداخت بدهکاری و امانت‌های مردم

برگرداندن بدهی و امانت مردم، از واجباتی است که مناسب است، قبل از سفر انجام شود. رسول گرامی اسلام (ص) هنگام

۱- مستدرک سفینهٔ البحار، ج ۴، ص ۱۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۹۰.

ص: ۲۰

مهاجرت از مکه به مدینه، علی (ع) را سفارش کرد تا امانت‌ها و بدهکاری‌های مردم را بپردازد و سپس در مسیر به ایشان ملحق شود.

۳. وصیت

از کارهایی که در اسلام به آن سفارش شده، وصیت کردن است. اما انجام توصیه‌های لازم (برای جوانان و دیگران) قبل از این سفر معنوی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در روایت آمده: «کسی که بدون وصیت بمیرد گویا در دوران جاهلیت مرده است».(۱)

۴. پرداخت حقوق شرعی (خمس و زکات)

پرداخت خمس و زکات یکی از واجبات مسلّم الهی است. در پاره‌ای از موارد، نپرداختن خمس بر اساس فتوای بعضی از فقها باعث باطل شدن اعمال حج و عمره می‌گردد. (۲) از این رو مناسب است اگر کسی تاکنون دارایی‌های خود را مورد حسابرسی قرار نداده است اکنون که عازم به سفری معنوی و مهمانی الهی است، خمس اموال خود را بپردازد و خودش را مدیون نکند.

۱- حسن بن یوسف حلی علامه حلی، نهایهٔ الاحکام، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲- مناسک حج، صص ۶۱۷- ۶۱۸.

ص: ۲۱

۵. خداحافظی با دوستان و خویشان

یکی از آداب سفر خداحافظی با دوستان و آشنایان و حلالیت طلبیدن از آنان است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:
حَقٌّ عَلَى الْمُسلِمِ إذا أرادَ سَفَراً انْ يُعْلِمَ إخْوانَهُ وَ حَقٌّ عَلى إخْوانِهِ إذا قَدمَ انْ يَأتُوه. (۱) بر هر مسلمانی لازم است هنگامی که تصمیم به مسافرت می گیرد به برادرانش خبر دهد و بر برادران دینی است که هنگام بازگشت به دیدار او بروند.

۶. صدقه دادن

۷. تهیه نیازمندی‌های ضروری

اگر کسی از دارو یا وسیله‌ای استفاده می کند، آن را همراه خود بردارد؛ لقمان حکیم به فرزندش می‌فرماید:
وَ تَزَوَّدْ مَعَکَ مِنَ الادْوِيَةِ ما تَنْتَفِعُ بِهِ انْتَ وَ مَنْ مَعَکَ. (۲)
داروهایی که خود و همراهانت در سفر از آنها استفاده می کنید، همراه بردار.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴۸؛ العروهٔ الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۳؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴.
۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۲؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۵.

ص: ۲۲

آمادگی معنوی

اشاره

سفر عمره و حج دربردارنده عبادت‌های فراوانی است که با تلاش زیاد انجام می گیرند.
مرحوم نراقی برای آمادگی هر چه بیشتر در این زمینه اموری را یادآور شده است:

۱. نیت خالص

طوری نیت خود را برای خدا خالص نماید که هیچ هدفی جز رسیدن به جایگاه بندگی او نداشته باشد. در زوایای دل خویش بنگرد تا در آن قصد دیگری نداشته باشد. زیرا با تحمل این همه سختی اگر هدفی جز رضایت الهی و سعادت ابدی داشته باشد، در زیانی فراوان گرفتار آمده است.

۲. توبه از گناهان

گفتیم امانت‌ها و بدهی مردم را بپردازد و خود را از حق مردم رها سازد. باید تصور کند که به سفری می‌رود که دیگر بر نمی گردد.
از این‌رو از همه گناهان توبه حقیقی نماید و خویش را برای دریافت رحمت و مغفرت هر چه بیشتر پروردگار آماده سازد.

ص: ۲۳

۳. توجه به اهمیت این سفر

باید بدانیم که در مدینه مهمان رسول خدا (ص)، امامان معصوم (علیهم السلام) و حضرت زهرا (س) هستیم. و در مکه خدای متعال میزبـان مـاست بنـابر این برای حضور در مهم‌ترین ضـیافت عـالم بایـد از آلودگی‌ها پاك شویم. با آگاهی از اینکه به زیارت مالك هستی می‌رویم و دعوت منـادی او را اجـابت می‌کنیم بایـد از همه علاـیق و دوستی‌هـای دیگر بگـذریم تا دل به ملاقات خانه دولت آرام یابد.

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند

که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی

۴. تهیه توشه حلال

لازم است زائر خانه خـدا سـعی کند، توشه سـفر و خرجی راه را از اموال حلال تهیه کند. زیرا انجام اعمال با مال حرام اثری نخواهد داشت. امام صادق (ع) می‌فرماید:

اگر کسی مال حرامی به دست آورد و با آن به حج برود، هنگامی که «لبیک» می گوید جواب می‌شنود:

لا لبیک و لاسعدیک (یعنی خداوند لبیک او را اجابت نمی کند).(۱)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۲۴؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۸.

ص: ۲۴

۵. آمادگی برخورد با سختی‌ها

هر تلاشـی در مسیر این سفر دارای پاداشی بزرگ خواهد بود. ازاین‌رو مناسب است که مسافر حرمین شریفین آماده روبه‌رو شدن با دشواری‌های این سفر شود و هر کمبود مالی یا اذیت بدنی را نشانه قبولی حج و عمره خویش بداند. (۱)

آداب در سفر

۱. هماهنگی با جمع و مدیر گروه

رسول خـدا (ص) فرمودنـد: «هنگامی که به سـفری می‌رویـد یک نفر را به عنوان سـرپرست انتخاب کنید»، (۲) تـا در برنامه‌ریزی و رهـبری گروه در سـفر، مشـکلی پیش نیایـد. در سـفر به مـدینه نیز مـدیر، معـاون و روحـانی کـاروان، زیر نظر سازمـان حـج مسـئول برنامه‌ریزی هستند. بنابراین باید همراه اعضای کاروان در برنامه‌های آنان شرکت کرد.

در این باره لقمان حکیم به فرزند خود می‌فرماید: «با همراهانت موافق و همراه باش؛ مگر در جایی که به گناه منتهی شود». (۳)

۱- در این باره ر. ک: ره توشه حج، ج ۲، صص ۳۵- ۳۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۳۰۹؛ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۵.

ص: ۲۵

رسول خدا (ص) نیز در سخنی دیگر، کارهای فردی و دوری از جمع را سرزنش کرده و فرموده‌اند:

لکِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ یَکْرَهُ مِنْ عَبْدِهِ إذا کانَ مَعَ اصْحابِهِ انْ یَنْفَرِدَ مِنْ بَیْنِهِمْ. (۱)

خداوند از بنده‌ای که از جمع کناره‌گیری کند، بدش می‌آید.

همچنین امام صادق (ع) فرمود: از نشانه‌های جوان‌مردی این است که در سفر کمتر با همراهانت مخالفت کنی؛ «قِلَّةُ الْخِلافِ عَلی مَنْ صَحِبَکَ». (۲)

۲. کمک به همسفران

خدمت‌کردن به هم‌سفران به ویژه زائران مدینه و مکه، ارزش زیادی دارد. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «آقای گروه کسی است که به ایشان خدمت کند». (۳) شخصی هم خدمت امام صادق (ع) رسید و گفت: «هنگامی که به مکه رسیدیم، همه دوستان و همراهان برای طواف حرکت کردند و مرا برای نگهداری اثاثیه گذاشتند».

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۳۶؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۳۰۹؛ الجهاد، عبدالله بن المبارک، ص ۱۷۷.

ص: ۲۶

آن حضرت فرمود: «انْتَ اعْظَمُهُمْ اجْراً»(۱) ؛ «ثواب تو از آنان بیشتر است».

امام زین العابدین (ع) برای اینکه بتواند به هم‌سفرانش خدمت کند به صورت ناشناس با کاروان‌هایی به سفر حج می‌رفت که او را نمی‌شناختند. این کار تا اندازه‌ای با ارزش است که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

مَنْ اعانَ مُؤْمِناً مُسافِراً نَفَّسَ اللهُ عَنْهُ ثَلاثاً وَ سَبْعِینَ کُرْبَهً، وَ اجَارَهُ فِی الدُّنْیا مِنَ الْغَمِّ وَ الْهَم. (۲) کسی که به مؤمن مسافری کمک کند، خداوند هفتاد و سه مشکل او را حل می‌کند و در دنیا و آخرت او را از غم و غصه در امان می‌دارد.

۳. مراقبت از همسفران

یکی از توصیه‌های اسلام، مراقبت از همسفران است. ازاین‌رو در مکه و مدینه مناسب است در زیارت‌ها و بازدید از اماکن مراقب همراهان و هم‌کاروانیان باشیم. از گم‌شدن و سرگردان‌شدن افراد جلوگیری کنیم و اگر جوان هستیم، به سالمندان کمک نماییم. در

۱- الکافی، ج ۴، ص ۵۴۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۹؛ کشف الغطاء، ج ۲، ص ۴۲۴؛ المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۲.

ص: ۲۷

حدیثی که منسوب به حضرت صادق (ع) است آمده:

اگر کسی در راهی با برادر مؤمنش می‌رود، چنانچه تا آنجا جلوتر از او راه برود که از دیدش پنهان بماند و حادثه‌ای برای آن برادر دینی رخ دهد، در این اتفاق شریک جرم است.(۱)

۴. توجه به عبادت‌ها، به ویژه نماز اول وقت

حج و عمره، سفری عبادی و معنوی است. ازاین‌رو باید در آن مراقب واجبات و شعائر الهی بود و سفر خویش را پربارتر نمود. سفر، عمری کوتاه دارد. بنابراین باید کاری کنیم تا پس از بازگشت، پشیمان نشویم که چرا بهره لازم را نبردیم و از نسیم رحمت الهی که به سوی ما می‌وزید استفاده نکردیم. در روایت آمده است:

هنگامی که وقت نماز می‌شود، به خاطر کارهای دیگر آن را به تأخیر میاندازید، نماز را بخوانید تا روح شما آسایش یابد. زیرا دَینی است که به گردن دارید.

سعی کنید که نمازها را به جماعت بخوانید، در حال سواره، قرآن تلاوت کنید، هنگامی که مشغول کاری هستید به ذکر مشغول باشید و در حال فراغت، دعا کنید. (۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۴؛ الحدائق الناظرة، ج ۱۴، ص ۵۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۷.

ص: ۲۸

۵. مشورت با همسفران

در سفر گروهی، هنگام حرکت، انجام اعمال و عبادت، خرید و ... هم‌سفران نیازمند مشورت با یکدیگرند.
از امام صادق (ع) نقل شده که لقمان حکیم به فرزندش فرمود:
هرگاه با کسانی به سفر می‌روی، در کارهای خود و ایشان، با آنان مشورت کن و اگر آنها از تو هم‌فکری خواستند در رأی واقع‌بینانه و سودمند تلاش کن، و تا این نظر تثبیت و بازنگری نشده، تصمیم به اظهار آن مگیر. (۱)

۶. مراقبت از پول و وسایل

پیشوایان دین در همه زمینه‌ها فرامین لازم را فرموده‌اند. در این‌باره نیز از مسافران می‌خواهند که از پول و وسائل شخصی خود مواظبت نمایند؛ امام باقر می‌فرمایند: «مِنْ قُوَّةِ الْمُسافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ»(۲) ؛ «از توانایی مسافر این است که وسائل سفرش را حفظ نماید».

۷. رعایت اخلاق اسلامی

اخلاق نیکو یکی از بهترین صفت‌های هر انسان است. اسلام نیز آن را مورد تأیید قرار می‌دهد و هنگام مسافرت سفارش بیشتری بر

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۹؛ اصول کافی، ج ۴، ص ۳۴۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۳۸۰.

ص: ۲۹

آن دارد. در روایت آمده است: «ا كْثِرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجُوهِهِمْ» (۱)؛ «در سفر با هم‌سفران خوش‌رو باش».

رسول خدا (ص) برای آرامش روح می‌فرماید: «هزینه‌های مورد نیاز که لازم است جمع بپردازند را در ابتدای سفر بپردازید تا خوش اخلاقی و آرامش شما بیشتر گردد».(۲) در کتاب «محجهٔ البیضاء» آمده است:

در سفر باید گفتارمان خوب باشد. کرامت‌های اخلاقی را به نمایش بگذاریم. زیرا هنگام مسافرت است که دیگران با شخصیت انسان آشنا می‌شوند. (۳)مسافرت و مشکلات آن موقعیتی مناسب برای شناخت انسان‌ها است. بی‌حوصلگی‌ها، دوری از وطن، کمبودها، تأخیرها و یا اشتباهات دیگران امتحان مناسبی برای انسان‌ها و همراهان کاروان مدینه و مکه است. از این‌رو رعایت اخلاق اسلامی، خوش‌رویی، غلبه بر خشم، کنترل خویش، دوری از سخنان بی‌جا، بخشش و ... اهمیت بیشتری می‌یابد. رسول خدا (ص) فرمود:

حج مبرور، جز بهشت پاداشی ندارد. شخصی پرسید: یا

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۴.

۲- محجهٔ البیضاء، ج ۴، ص ۵۶.

۳- همان.

ص: ۳۰

رسول الله! مبرور چیست؟ فرمود: آن است که همراه با خوش کلامی و غذا دادن به دیگران باشد.(۱)

آداب بازگشتن

اشاره

بازگشت از این سفر معنوی نیز دارای رسوماتی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. هدیه

در دستورهای اسلامی آمده است بسیار سزاوار است که مسافر برای خانواده و نزدیکانش هدیه‌ای بیاورد. رسول خدا (ص) فرمودند: «الْهَدِیَّةُ تُذْهِبُ الضَّغَائِنَ مِنَ الصُّدُور»(۲) ؛ «هدیه کینه‌ها را از دل‌ها می‌برد».
و در حدیث دیگر فرموده‌اند: «هَدِیَّةُ الْحَجِّ مِنَ الْحَجِ»(۳) ؛ «هدیه حج از هزینه‌های حج به شمار می‌رود».
البته به این نکته باید توجه داشت که در سفر حج و عمره خرید سوغات نباید مسافر را از بهره‌برداری این سفر معنوی محروم سازد. بلکه باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که از خریدهای مسرفانه پرهیز

۱- محجهٔ البیضاء، ج ۲، ص ۱۹۱.
۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۴؛ خصال، شیخ صدوق، ص ۲۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۳۲.
۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۵.

ص: ۳۱

نمود و با انجام اعمال، طواف و زیارت از طرف خویشان و نزدیکان آنان را نیز در این پاداش بزرگ سهیم کرد.

۲. ولیمه دادن

ولیمه دادن در پنج چیز سفارش شده است: عروسی، به دنیا آمدن کودک، ختنه کردن فرزند، خرید منزل و بازگشت از سفر حج. روشن است که در این مهمانی‌ها نیز باید از اسراف پرهیز کرد و نباید به خاطر انجام یک امر مستحب، مرتکب کار حرام شد.

۳. حفظ معنویت حج و عمره

از نشانه‌های قبول شدن حج و عمره این است که حال مسافر پس از بازگشت، از گذشته بهتر باشد. حاجی و عمره گذار اکنون باید جایگاه خویش را بشناسد.

در روایت آمده است:

از نشانه‌های قبول شدن حج در پیشگاه الهی، ترک گناهانی است که پیش از آن انجام می‌دادند. دوری از هم‌نشینان بد، پرهیز از حضور در مجالس لهو، غفلت و گناه. (۱)

۱- ر. ک. محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۹۶.

ص: ۳۲

توجه به خداونـد، نمـاز اول وقت، خوش خلقی، دعـا و مناجـات، کمـک به دیگران، یـاد و ذکر امامان (علیهم السـلام)، شـرکت در مراسم مذهبی از یادگارهای این سفر معنوی است که پس از بازگشت باید در حفظ و انجام آنها کوشش کرد.

بررسی اجمالی اعمال عمره مفرده

مناسک عمره مفرده به ترتیب عبارت است از:

۱. احرام؛

۲. طواف؛

۳. نماز طواف؛

۴. سعی؛

۵. تقصیر؛

۶. طواف نساء؛

۷. نماز طواف نساء.

کسـی که از مدینه به طرف مکه می‌رود، در نزدیکی مدینه (مسـجد شـجره) که در مسیر مکه واقع شده، مُحرم می‌شود. مردها لباس احرام پوشیده و زنان با لباس‌های خود یا جامه‌های سفید، نیت کرده، لبیک می گویند تا هنگامی که خانه‌های شهر مکه را ببینند، که در این موقع گفتن لبیک را قطع می کنند.

با انجام احرام، بیست و چهار چیز بر مُحرم حرام می‌شود که

ص: ۳۳

چهار موردش به مردان و دو مورد مختص زنان و هجده تای آن، میان مردان و زنان مشترک است.

زائران، پس از آنکه در میقات محرم شدنـد، برای انجام بقیه اعمال، روانه مکه می‌شونـد. لحظه ورود به مسـجدالحرام و دیدن کعبه، لحظه‌ای غیر قابل توصیف است.

سپس با قصد اینکه عبادتش فقط برای خداست و با طهارت (وضو و غسل) به همراه پوشش دارای شرایط و بدنی پاک، طواف را از رکن حجرالاسود، آغـاز می کنـد و بعـد از هفت دور در همان رکن پایان می‌دهـد. حفظ موالات، در سـمت چپ بودن کعبه، وارد نشدن به حجر اسماعیل، نگه داشتن فاصله لازم و بیرون کعبه بودن از شرایط طواف‌اند.

بعد از پایان طواف، بدون فاصـله زمانی زیاد دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم به جا می‌آورد. طوری که مقام ابراهیم بین او و خانه کعبه واقع شود. البته بهتر است هر چه می‌تواند نزدک‌تر بایستد، به شرط اینکه مزاحم دیگران نباشد.

پس از اقامه نماز طواف، باید هفت بار فاصله بین «صفا» تا «مروه» را- که امروزه به صورت سالنی ساخته شده- بپیماید که این عمل، سعی نامیده می‌شود. سـعی باید از صـفا آغاز و در مروه تمام شود. در قسـمتی از سعی، مستحب است مردها هروله کنند. یعنی کمی تندتر حرکت نمایند.

ص: ۳۴

بعد از خاتمه سعی، باید «تقصیر» کند. یعنی مقداری از موی سر یا ناخن یا هر دو را بگیرد. با انجام تقصیر هر چه با احرام بر انسان حرام شده بود حلال می‌شود. اما باید طواف نساء و نماز طواف نساء نیز انجام شود. این عمل هم مانند طواف عمره و نماز طواف آن است، فقط نیت آن فرق می کند.

بررسی اجمالی حج

اشاره

حج دارای دو بخش است: عمره تمتع و حج تمتع:

سیری در اعمال عمره تمتع

۱. برای احرام به «میقات»- مسجد شجره یا جحفه- می‌روند و در آنجا محرم می‌شوند.

۲. سپس برای انجام طواف و نماز طواف به مسجد الحرام می‌آیند.

۳. بعد از آن برای به‌جا آوردن سعی، به سالن هم‌جوار مسجدالحرام آمده و سعی می‌نمایند.

۴. پس از آن نیز تقصیر می کنند و اعمال عمره تمتع پایان می‌یابد.

عمره تمتع، در اعمال، شرایط و محرمات تفاوتی با عمره مفرده ندارد، مگر در چند چیز:

ص: ۳۵

۱. محـل احرام عمره تمتع، یکی از میقات‌هـای پنـج گانه است. ولی در عمره مفرده، کسـی که در مکه است می‌توانـد از منطقه حرم بیرون رود و از آنجا محرم شود.

۲. عمره تمتع طواف نساء ندارد، ولی عمره مفرده دارد.

۳. اعمـال عمره تمتع بایـد در ماه‌هـای حـج (شوال، ذی‌قعـده و ذی‌حجه) انجام شود، ولی عمره مفرده را در طول سال می‌توان انجام داد.

۴. در عمره تمتع، پس از تقصـیر، تمام کارهایی که با انجام احرام، حرام شده بود حلال می‌شود. اما در عمره مفرده، پس از تقصـیر، مرد و زن هنوز بر یکدیگر حرام هستند و پس از طواف نساء و نماز آن، حلال می‌شوند.

سیری در اعمال حج تمتع

واجب است پس از انجام عمره تمتع حج تمتع نیز به جا آورده شود. حج تمتع هم مانند عمره با احرام آغاز می‌شود. چگونگی احرام حـج، همانند احرام عمره است فقط در نیت تفاوت دارد و از جهت زمان، بعد از اعمال عمره تمتع است تا زمانی که بتواند به وقوف در عرفات (ظهر روز نهم ذی‌حجه) برسد. محل احرام شـهر مکه است. هر جای شـهر مکه که باشد اشکال ندارد، ولی مستحب است در حجر اسماعیل یا نزد مقام ابراهیم محرم شود.

ص: ۳۶

حاجیان پس از احرام در مکه، باید برای «وقوف» در عرفات- که یکی از واجبات حج است- روانه آنجا شوند.

بعد از مغرب روز نهم ذی‌حجه (شب عید قربان) حاجی‌ها از عرفات خارج می‌شوند و برای انجام یکی دیگر از مناسک حج به طرف مشعرالحرام حرکت می‌کنند. شب دهم تا اذان صبح در آنجا می‌مانند. از اذان صبح، باید نیت وقوف در مشعرالحرام کنند و تا طلوع آفتاب در آنجا بمانند.

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه

پس از انجام قربانی در روز عید قربان، حاجی‌هایی که اولین سال حضورشان است سر خویش را می‌تراشند و دیگران میان تقصیر و تراشیدن سر صاحب اختیارند. پس از تقصیر جز استعمال عطریات، اعمال زناشویی و شکار حیوان‌های صحرایی، بقیه محرمات احرام برایشان حلال می‌شود اولی پس از طواف و نماز طواف حج و سعی و دومی بعد از طواف نساء حلال می‌شود. ولی صید تا زمانی که در منطقه حرم هستند همچنان حرام است.

بعد از اعمال روز عید قربان، حاجیان بار دیگر برای انجام پنج عمل از مناسک صبح دوباره به مکه برمی‌گردند. اما چون وقت این اعمال تا پایان ماه ذی‌الحجه است، می‌توانند برای انجام بقیه اعمالی که در منا- شب‌های یازدهم و دوازدهم و روزهای آنها انجام

ص: ۳۷

می‌شود، در آنجا بمانند و بعد از ظهر روز دوازدهم از منا خارج شوند و برای به جا آوردن بقیه مناسک به مکه بیایند.

اعمال مکه به ترتیب عبارت است از:

۱. طواف حج؛

۲. نماز طواف حج؛

۳. سعی بین صفا و مروه؛

۴. طواف نساء؛

۵. نماز طواف نساء.

چگونگی انجام این اعمال همانند عمره است و فقط نیت آنها فرق می‌کند که در اینجا باید با نیت طواف حج، نماز و سعی آن انجام شود.

خوانندگان عزیز می‌دانند که مسائل عمره و حج بسیار زیاد است که در صورت لزوم می‌توانند از روحانیون کاروان‌ها بپرسند.

ص:۳۸

ص: ۳۹

فصل دوم: پرسش‌های اعتقادی

اشاره

ص:۴۰

ص: ۴۱

مقدمه

در سفر به مکه و مدینه، برای شیعیان پرسش‌های اعتقادی فراوانی مطرح می‌شود. آنان با مشاهده رفتار اهل سنت، سؤال‌هایی مطرح می‌کننـد که بیشتر توسط جوانان از روحانیون کاروان‌ها پرسیده می‌شود و آنان با مهربانی پـدرگونه، در خور وقت و جایگاه سؤال، پاسخ می‌دهند.

در این فصل، پرسش‌های جوانان را طرح کرده و جواب‌های مناسب آن را با بیان قابل فهم این عزیزان ارائه می‌کنیم.

پرسش: هنگامی که پا به سرزمین وحی می‌گذاری، برخی برخوردها و مظاهری را می‌بینی که این سؤال بزرگ را به دنبال دارند که منشأ مسلك وهابیت حاکم بر عربستان کجاست؟ و پایه‌های اعتقادی آنان چیست؟

پاسخ: آیین وهابیت منسوب به شیخ محمد، فرزند «عبدالوهاب» نجدی است. این نسبت نیز برگرفته از نام پدر او «عبدالوهاب»

ص: ۴۲

است. «محمـد بن عبدالوهاب» در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در شـهر «عُیینَه» از شـهرهای «نجد» متولد شد. وی از آغاز جوانی بسیاری از کارهای مـذهبی مردم «نجـد» را زشت می‌دانست. در سـفری که به زیارت خانه خـدا رفت، پس از انجام مناسک، رهسـپار مـدینه شد. در آنجا توسل مردم به پیامبر (ص) در نزد قبر آن حضـرت را ناپسـند شـمرد. سـپس به نجد بازگشت. از آنجا راهی شـهر احسا شد، سپس به شهر حریمله رفت.

پـدرش، در سال ۱۱۳۹ بـه حریمله آمـد. میـان او و فرزنـدش نزاع درگرفت، زیرا بـا اعتقـادات مردم مخـالفت می‌کرد. پس از مرگ پـدرش، به اظهار عقیـده خود و انکار بسـیاری از اعمال مـذهبی مردم پرداخت. سـپس به عیینه رفت. ابتـدا «عثمان بن حمیـد» رئیس عیینه، به او احترام گذاشت. اما با نامه رئیس شهر «احسا» عذر او را خواست.

شیخ محمد در سال ۱۱۶۰ از عیینه بیرون رانده شد و رهسـپار «درعیه» از شـهرهای نجد گردید. در آنجا با ابن سعود، جد آل سعود، توافق کرد تا با یکدیگر همکاری کنند.

از بزرگ‌ترین نقـاط ضـعف «محمـد بن عبـدالوهاب» این بـود که مسـلمان‌هایی که از عقایـد او پیروی نمی‌کردنـد، را «کـافر حربی» می‌دانست و برای جان و ناموس آنان ارزش قائل نبود.

جنگ‌هایی که وهابی‌ها در نجد، یمن، حجاز، سوریه و عراق

ص: ۴۳

می کردند ریشه در همین عقیده داشت. هر شهری که با پیروزی در نبرد به دست آنان می‌افتاد، مال و جانش برایشان حلال بود. اگر کسی دعوت آنان را می‌پذیرفت، باید با او بیعت می کرد و اگر کسی به هماوردی با آنان برمی‌خواست باید کشته می‌شد و اموالش تقسیم می گردید.

او در سال ۱۲۰۶ از دنیا رفت. پس از وی پیروانش روش او را ادامه دادند. در سال ۱۲۱۶ امیر سعود وهابی، سپاهی با بیست هزار مرد جنگی تشکیل داد و به شهر کربلا- حمله کرد و چند هزار نفر را به قتل رساند. پس از جنگ، وی متوجه خزانه‌های حرم امام حسین (ع) شد و هر آنچه در آن یافت را غارت کرد.

وهابیان به پیروی از «ابن تیمیه» می گویند: «خداوند هر شب به آسمان دنیا می‌آید و خطاب می کند: آیا استغفار کننده‌ای هست که از گناهانش طلب آمرزش کند؟ و در روز قیامت به محشر می‌آید. زیرا در قرآن آمده است: وَ جاءَ رَبُّکَ وَ الْمَلَکُ صَفًّا صَفًّا؛ «و هرگونه بخواهد به بندگانش نزدیک می‌شود» (۱) (فجر: ۲۲).

نخستین کسی که با عقاید «محمد بن عبدالوهاب» مخالفت کرد، پدرش «عبدالوهاب» و برادرش «سلیمان بن عبدالوهاب» بودند که هر دو از علمای حنبلی به شمار می‌آمدند. سلیمان در کتابی به نام

۱- این ترجمه بر اساس دیدگاه وهابیان است. ترجمه صحیح چنین است: و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند.

ص: ۴۴

«الصواعق الالهیهٔ فی الرد علی الوهابیهٔ» عقاید برادرش را رد کرد و چنین نوشت:

اموری که وهابیان آن را موجب شرک و کفر می‌دانند و آن را بهانه مباح شدن مال و جان مسلمانان می‌پندارند، در زمان ائمه اسلام به وجود آمده بود. ولی از هیچ یک از ائمه اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبین این اعمال را کافر یا مرتد دانسته و دستور جهاد با آنان را داده باشند و یا اینکه بلاد مسلمانان را، بلاد شرک و دارالکفر نامند.

قرن‌ها پیش از محمدبن عبدالوهاب، ابن تیمیه و شاگردش ابن‌قیم، عقایدی شبیه وهابیت مطرح کردند اما اندیشه ایشان در آن زمان به صورت مذهب در نیامد و طرفداران زیادی نداشت. در حقیقت جهانبینی ابن تیمیه اساس و ریشه اعتقادات وهابیت را تشکیل می‌دهد.

هنگامی که ابن تیمیه عقاید خود را آشکار کرد، علمای اهل سنت کتاب‌هایی در رد او منتشر کردند و مراجع اهل تسنن به تفسیق و گاهی تکفیرش پرداختند. آنها به این وسیله بدعت‌گذاری او را فاش ساختند.

وقتی باورها او، درباره زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) را به «بدر بن جماعه» قاضی القضات مصر نوشتند وی در پاسخ این‌گونه نگاشت:

ص: ۴۵

زیارت پیامبر (ص) سنّت و دارای فضیلت است. همه علما بر آن اتفاق نظر دارند. کسی که زیارت پیامبر (ص) را حرام بداند، باید نزد علما توبیخ شود و از ابراز چنین گفتاری بازداشته شود و اگر مؤثر نیفتاد زندانی گردد و معرّفی شود تا مردم از او پیروی نکنند.

پس از مرگ ابن تیمیه افکار وی به فراموشی سپرده شد تا آنکه در قرن دوازده بار دیگر توسط محمد بن عبدالوهاب افکار و اندیشه و فتاوای وی زنده شد و با توجه به متلاشی شدن امپراطوری عثمانی و تقسیم کشورهای عربی میان ابرقدرت‌ها، بر مکه، مدینه و سایر آثار اسلامی دست یافتند و به از بین بردن آثار و اصالت‌ها و ویرانگری قبّه‌ها و قبور اولیاء الله، پرداختند. اولین کتابی که از سوی علمای شیعه در رد عقاید وهابیت نوشته شد، «منهج الرشاد» است که توسط مرحوم «شیخ جعفر کاشف الغطاء»، تألیف گردید.

امروزه وهابیان به خاطر ثروت هنگفتی که از فروش نفت به دست می‌آورند، فتنه‌انگیزی خود را افزایش داده و هر روزه به مقّدسات اسلام حمله می‌کنند و در صدد از بین بردن آثار اسلامی هستند.

از سویی حمایت‌های پشت پرده غرب که از وحدت مسلمانان در هراسند به گسترش مذهب‌های دروغین، کمک می‌کند.(۱)

۱- ر. ک. آیین وهابیت، صص ۳۰- ۳۵.

ص: ۴۶

عقاید مهم وهابی‌ها

اشاره

۱. وهابیان با هر گونه تعمیر قبرهای اولیای الهی و بنا بر آن مخالف‌اند.

۲. از نظر آنها ساختن مسجد در کنار قبور صالحان حرام است.

۳. این گروه انحرافی زیارت قبر مؤمنان، تلاوت قرآن، گریه و مناجات در کنار آنان را حرام می‌دانند.

۴. توسل به اولیای الهی را تحریم می‌کنند.

۵. بزرگداشت ولادت‌ها و وفات اولیاء الهی را بدعت می‌دانند.

۶. تبرک جستن به آثار اولیای الهی، از دیدگاه ایشان ممنوع است.

۷. از نظر وهابیت درخواست کمک و شفاعت از اولیای الهی چه زنده باشند چه مرده، جایز نیست.

۸. در اندیشه این فرقه باور داشتن به قدرت غیبی اولیای الهی شرک است.

۹. آنان معتقدند سوگند دادن خداوند به اولیائش حرام و موجب شرک است.

۱۰. در نظر وهابیان، نذر برای اهل قبور و صدا زدن آنان، شرک و حرام به شمار می‌آید.

پرسش: چرا شیعیان هنگام صلوات، بر آل محمد نیز درود می‌فرستند، اما اهل سنت چنین کاری انجام نمی‌دهند؟

ص: ۴۷

پاسخ: شیعیان بر اساس آنچه در روایت‌های شیعه و اهل سنت آمده است، به این گونه صلوات می‌فرستند.

کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» از نظر اهل سنت جزء معتبرترین کتاب‌ها به شمار می‌روند و در این دو کتاب روایاتی وجود دارد که روش صلوات فرستادن تشیع را مورد تأیید قرار می‌دهد.

از رسول خدا (ص) پرسیدند: «چگونه بر شما درود بفرستیم؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «بگویید: اللهم صل علی محمد و (علی) آل محمد». (۱) هنگامی که آیه شریفه:

إنَّ اللّه وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِی یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً (احزاب: ۵۶)

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر پیامبر درود بفرستید.

نازل شد، مسلمانان از رسول گرامی اسلام (ص) پرسیدند: «چگونه درود فرستیم؟» پیامبر (ص) فرمود: «لا تُصَلُّوا عَلَی الصَّلاهَ الْبَتْراءَ»؛ «صلوات ناقص بر من نفرستید».

گفتند: «پس چگونه درود فرستیم؟» رسول خدا (ص) فرمودند:

۱- صحیح مسلم، ج ۲، صص ۱۷ و ۱۶؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۷.

ص: ۴۸

«بگوییـد: اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ». (۱) شافعی رئیس مذهب شافعی (از مذاهب اهل سـنت) در اشـعار خود افزون بر لزوم محبت و دوستی بـا اهـل بیت پیـامبر (ص) می‌گویـد: کسـی که در نمـاز خویش بر آل پیامبر (ص) درود نفرسـتد نمازش باطل است و ارزشی ندارد.

یا اهل بَیتِ رَسُوْلِ اللهِ حُبُّکُم

فَرْضٌ مِنَ اللهِ فِی القُرآنِ أنزَلَهُ

کَفاکُمْ مِن عَظیم الْقَدْرِ أنَّکُم

مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْکُمْ لا صَلاةَ لَهُ (۲)ای خانـدان پیامبر! خداونـد محبت شـما را در قرآنی که فرسـتاده، واجب کرده است. در بزرگی جایگاه شما، همین بس که هر کس بر شما درود نفرستد، نمازش نماز نیست.

بـا توجه به وجود این احادیث در منابع اهل سـنت به نظر می‌رسـد نیازی به ثابت کردن این مطلب در روایات شـیعیان نیست. اما این پرسش به جاست که چرا اهل سنت که در منابع صحیح خویش،

۱- الصواعـق المحرقـه، ابن حجر، ص ۱۴۶؛ الـدر المنثور، ج ۵، ص ۲۱۶، ذیل آیه مـذکور محدثانی مثل عبدالرزاق، ابن ابی شـیبه، احمد و بخاری، مسلم، ابوداوود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، ابن مردویه از کعب بن عجره از رسول خدا روایت می‌کنند.

۲- الصواعق المحرقه، ص ۸۸؛ مشـارق الانوار، حمزاوی مالکی، ص ۸۸؛ شـرح المواهب، زرقانی، ص ۱۱۹؛ نظم درر السمطین، ص ۱۸؛ خصائص الوحی المبین، ص ۲۰.

ص: ۴۹

این‌گونه صلوات فرستادن را نقل می‌کنند، چطور خودشان به گونه دیگری صلوات می‌فرستند؟ آنان هستند که باید جواب دهند.

پرسش: چرا شیعیان بعضی از صحابه پیامبر (ص) را قبول ندارند، در حالی که اهل سنت احترام ویژه‌ای نسبت به یاران پیامبر (ص) قائلند و همه آنان را عادل می‌دانند؟

پاسخ: صحابی کسی است که همراهی و هم زمانی پیامبر (ص) را درک کرده باشد. تاریخ نویسان، چند هزار نفر را در زمره این گروه برشمرده‌اند. اما آیا همه آنان قابل احترام‌اند و انسان‌های پرهیزکاری بوده‌اند؟!

روشن است که هم‌نشینی با پیامبر (ص) نمی‌تواند سبب شود همه ایشان تا آخر عمر در عدالت باقی بمانند. قرآن خود بهترین گواه این سخن است که در بین یاران پیامبر (ص) نیز کسانی بودند که اهل نفاق و دورویی و دارای قلب‌هایی بیمار بودند.

البته یاران ظاهرساز پیامبر (ص) را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. منافقان شناخته شده

از دیدگاه قرآن برخی از افرادی که نزد پیامبر (ص) آمدند، منافقانی بودند که رسول خدا (ص) و مؤمنان راستین آنان را می‌شناختند که در

ص: ۵۰

سوره منافقون به آن اشاره شده است.

بر اساس آیات این سوره، روشن است که تعدادی از کسانی که نزد پیامبر (ص) به رسالت ایشان شهادت داده بودند و مصاحب پیامبر به حساب می‌آمدند به شهادت صریح قرآن در زمره منافقان و دورویان بودند و دلشان با زبانشان همراه نبود.

آیا این افراد را می‌توان عادل و قابل احترام دانست؟!

۲. منافقان ناشناخته

به فرموده قرآن، میان اطرافیان پیامبر (ص) کسانی بودند که اهل نفاق بودند اما ایشان و سایر مؤمنان آنها را نمی‌شناختند. اگر به قرآن مراجعه کنید در آیه صد و یک سوره توبه به آنان اشاره شده است.

اهل مدینه، با پیامبر (ص) همراه و هم‌زمان بودند اما قرآن می‌فرماید: «در میان ایشان منافقانی بودند که خداوند عالِم به همه خفیات، آنان را می‌شناسد». آیا به چنین کسانی که وعده عذاب دنیا و آخرت به ایشان داده شده می‌توان احترام گذاشت یا آنان را عادل و پرهیزگار دانست؟!

البته کسی نمی‌تواند بگوید این منافقان از صحابی نبودند، زیرا معنای منافق این است که ظاهر و باطنش یکی نباشد. بنابراین اینان باید در ظاهر مسلمان و جزء یاران پیامبر (ص) باشند ولی در حقیقت عقیده و نقشه‌ای دیگر در سر داشته باشند.

ص: ۵۱

۳. گنهکاران

بنا به نقل قرآن، گروه دیگری از اصحاب رسول خدا (ص) بودند که هم عمل صالح داشتند و هم مرتکب گناه شده بودند. آیا این افراد قبل از توبه و بازگشت عادل‌اند؟!

وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه: ۱۰۲)

و دیگرانی که به گناهان خویش اعتراف کردند، کردار شایسته را با کار زشت در هم آمیختند، باشد که خداوند توبه آنان را بپذیرد. خدا آمرزنده و مهربان است.

۴. مریض قلب‌ها

بر اساس برخی آیه‌های قرآن کریم، گروهی از اطرافیان پیامبر (ص) کسانی بودند دارای قلب‌های مریض وعده‌های الهی را دروغ می‌شمردند:

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً (احزاب: ۱۲)

هنگامی که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: وعده خدا و پیامبرش فریبی بیش نیست.

بنابراین، از این آیات به دست می‌آید که همه صحابی در یک جایگاه نبوده‌اند. اگر چه گروهی از السَّابِقُونَ الاوَّلُونَ؛ «پیشگامان

ص: ۵۲

نخستین» (توبه: ۱۰۰) و گروهی «بیعت کنندگان تحت شجره»(۱) و یا مهاجران خاص (۲) و یا اصحاب فتح(۳) بودند. اما گروه دیگری از منافقان شناخته شده و یا دورویان ناشناخته و بیماردلان و گنهکاران بودند که هیچ جایی برای احترام و فضیلت باقی نگذاشتند.

۵. مسلمانان بی‌ایمان

گروه دیگری نیز بودند که پیامبر (ص) را درک کردند اما ایمان واقعی در قلبشان نفوذ نکرد:
قالَتِ الاعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لکِنْ قُولُوا اسْلَمْنا وَ لَمَّا یَدْخُلِ الإیمانُ فِی قُلُوبِکُمْ (حجرات: ۱۴)
برخی از عرب‌ها گفتند: ایمان آوردیم بگو: ایمان نیاوردید، بلکه بگویید: اسلام آوردیم. هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است.
بنابراین، بعضی از مسلمانان، بی‌ایمان بودند و ایمان هنوز در قلبشان نفوذ نکرده بود. آیا اینان را می‌توان مؤمن واقعی به شمار آورد؟

۱- فتح: ۱۸.
۲- حشر: ۸.
۳- فتح: ۲۹.

ص: ۵۳

سرانجام بعضی از اصحاب در سخن پیامبر (ص)

اشاره

بخاری و مسلم روایت می‌کنند که پیامبر (ص) فرمود:

روز رستاخیز گروهی از اصحاب بر من وارد می‌شوند. سپس از حوض کوثر دور می‌شوند، آن‌گاه من می‌گویم: خدایا اینان اصحاب من هستند. خداوند متعال می‌فرماید: تو به آنچه بعد از تو انجام دادند آگاهی نداری. آنان پس از رحلت تو به همان حال گذشته و جاهلی بازگشتند. (۱) ابوحازم از سهل بن سعد روایت می‌کند که رسول خدا (ص) به صحابی خود فرمود:

من شما را به سوی حوض کوثر روانه می‌کنم، هر کس بر آن وارد شود از آن می‌نوشد و هر کس از کوثر بنوشد، تا ابد تشنه نمی‌شود. گروه‌هایی بر من وارد می‌شوند که من آنان را می‌شناسم و آنان نیز مرا می‌شناسند. سپس میان من و ایشان، جدایی می‌افتد.

ابوحازم می‌گوید: وقتی این حدیث را می‌خواندم، «نعمان بن ابی عیاش» شنید و پرسید: «آیا این‌گونه حدیثی را از سهل شنیدی؟»

۱- «یرد علیّ یوم القیامهٔ رهط من أصحابی- أو قال من امتی- فیحلؤون عن الحوض فاقول یا رب اصحابی فیقول انه لا علم لک بما احدثوا بعدک انهم ارتدّوا علی أدبارهم القهقری». جامع الاصول، ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۱۲۰؛ صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۰۸؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۴۱۷؛ تفسیر القرطبی (الجامع لأحکام القرآن)، ج ۴، ص ۱۶۸.

ص: ۵۴

گفتم: آری. گفت: «گواهی می‌دهم که ابوسعید خدری، اضافه‌ای به این حدیث نقل کرده است که رسول خدا (ص) در ادامه به خداوند متعال می‌گوید: «آنان از من هستند». گفته می‌شود: «تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه کارهایی کردند!!» سپس من می‌گویم: «هر کس بعد از من احکام را دگرگون می‌سازد از رحمت خدا دور باد». (۱) اکنون جواب پرسش یاد شده روشن‌تر می‌شود که شیعیان بر اساس برخی آیه و روایت‌ها بعضی از صحابه پیامبر (ص) را پیرو واقعی ایشان نمی‌دانند و آنان را قابل احترام نمی‌شمارند. بلکه حتی باید از برخی از آنان به خاطر اینکه پیامبر (ص) را ناراحت کردند و عذاب جهنم در انتظار آنان است بیزاری جست.

پرسش: چرا اهل سنت از سجده شیعیان بر مهر یا حصیر جلوگیری می‌کنند؟

پاسخ: از نظر اهل سنت سجده بر پشم، پنبه و مو جایز است. اما چنین می‌پندارند که سجده بر خاک و تربت قبر امام حسین (ع) به معنای پرستش آنها و نوعی شرک است. به همین سبب از سجده شیعیان بر تربت جلوگیری می‌کنند.

از دیدگاه فقهای شیعه تنها سجده بر دو چیز جایز است:

۱- جامع الاصول، حدیث ۷۹۷۲.

ص: ۵۵

الف) زمین، مانند خاک، سنگ و هر آنچه به عنوان زمین تلقی شود.

ب) آنچه از زمین می‌روید، به شرط اینکه پوشیدنی و خوردنی نباشد.

بنابر نظر فقیهان شیعه و بر اساس فتوای ایشان در غیر ضرورت و تقیه، سجده بر فرش و مانند آن جایز نیست.

دلیل حکم مورد نظر فقهای شیعه متعدد است که به برخی اشاره می‌شود.

دلیل نخست: سخنان پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «هرگاه کسی از شما نماز گزارد، پیشانی و بینی خود را بر زمین قرار دهد، تا ذلت و خضوع خود را آشکار سازد». (۱)روایت‌های دیگری نیز بر این نکته تأکید دارند که پیامبر (ص)، مسلمانان را به پیشانی نهادن بر خاک در هنگام سجده فرمان داد.

ام سلمه، همسر گرامی آن حضرت (ص)، نقل می‌کند که رسول خدا (ص) به افلح فرمود: «تَرِّبْ وَجْهَکَ لِلَّهِ»(۲) ؛ «صورت خویش را برای

۱- نهایه ابن اثیر، ج ۲، ماده رغم.

۲- کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۵؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۰۱.

ص: ۵۶

خدا بر خاک بگذار».

همچنین در کتب اهل سنت آمده است که رسول خدا (ص) فرمود: «جُعِلَتْ لِی الارْضُ مَسْجِداً وَ طَهُوراً» (۱)؛ «زمین برای من محل سجده و وسیله طهارت (تیمم) قرار داده شد».

«جعل» به معنای قانون‌گذاری است. بنابراین سر نهادن بر خاک و سنگ و آنچه که زمین به شمار آید، یک قانون کلی به شمار می‌آید که رعایت آن بر همه مسلمانان و یکتاپرستان واجب است.

دلیل دوم: رفتار پیامبر (ص)

به فرموده قرآن، حضرت رسول (ص) بهترین الگوی بشر است: لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللهِ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ «به درستی که رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است» (احزاب: ۲۱).

رفتار ایشان در این مورد نیز چراغ روشن راه مسلمانان است.

وائل بن حجر می‌گوید:

رَأَیْتُ النَّبی (ص) إذا سَجَدَ وَضَعَ جِبْهَتَهُ وَ انْفَهُ عَلَی الارْضِ.(۲)

پیامبر (ص) را دیدم، وقتی که سجده می‌کرد پیشانی و بینی خود را بر زمین می‌گذاشت.

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱؛ سنن بیهقی، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲- احکام القرآن، جصاص حنفی، ج ۳، ص ۲۷۲.

ص: ۵۷

میمونه یکی از همسران پیامبر (ص) می گوید: «کانَ النَّبِی (ص) یُصَلّی عَلَی الْخُمْرَهْ»(۱) ؛ «روش پیامبر (ص) این بود که بر سجاده‌ای از لیف خرما نماز می‌خواند».

همچنین نقل شده که مردم وقتی شب‌ها به خانه‌های خود می‌رفتند رسول خدا (ص) حصیری می‌آورد، پشت خانه حضرت علی (ع) پهن می کرد و نماز شب را روی آن می‌خواند. (۲)رسول خدا (ص) به همه فرمود: «صَلُّوا کَما رَأَیْتُمُونِی اصَلّی»(۳) ؛ «نماز بخوانید همان‌گونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم».

ما شیعیان نیز بر اساس همین فرمان پیامبر (ص) و مانند او بر زمین و حصیر سجده می کنیم. هر کس که خود را پیرو روش ایشان می‌داند هم باید مانند ما بر زمین، خاک یا حصیر سجده نماید.

دلیل سوم: روش اصحاب

سخنان و رفتار صحابی و تابعین گویای سنت پیامبر (ص) است:

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

کُنْتُ اصَلِّی الظُّهْرَ مَعَ رَسُولِ الله (ص) فَآخذُ قَبْضَهْ مِنَ الْحَصاء

۱- احکام القرآن، ج ۳، ص ۶۸.

۲- سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۴۵۰.

۳- الخلاف، ج ۱، ص ۳۷۰؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۴۵؛ تفسیر القرطبی، ج ۱، ص ۳۹.

ص: ۵۸

لِتَبْرَدَ فِی کَفّی اضَعُها لِجَبْهَتِی أسْجُدُ عَلَیْها لِشِدَّةِ الحَرِّ.(۱)

با رسول خدا (ص) نماز ظهر می‌خواندم. به خاطر گرمای شدید مشتی سنگ‌ریزه برداشتم و در دست خویش نگه داشتم تا خنک شود تا برای سجده پیشانی خویش را بر آن بگذارم.

ابن سعد، نویسنده کتاب «الطبقات الکبری» درباره «مسروق بن أجدع» از تابعین و از اصحاب ابن مسعود، می‌نویسد:

کانَ مَسْرُوقُ إذا خَرَجَ یُخْرِجُ بِلِبنَةٍ یَسْجُدُ عَلَیْها فِی السَّفِینَهٔ.(۲)

هنگامی که مسروق بن اجدع به سفر می‌رفت، خشتی را با خود برمی‌داشت تا در کشتی بر آن سجده نماید.

در سنن بیهقی درباره عبدالله بن عمر آمده است:

انّ ابنَ عُمَر کان إذا سَجَدَ وَ عَلَیْهِ الْعِمامَةُ یَرْفَعُها حَتّی یَضَعَ جِبْهَتَهُ بِالأرْضِ. (۳)

عبدالله بن عمر هنگام سجده، عمامه خود را برمی‌داشت تا پیشانی خود را بر زمین بگذارد.

زرین نیز درباره علی بن عبدالله بن عباس می گوید:

کَتَبَ إلَی عَلِی بنُ عَبْدِاللهِ بنِ عَباس أنِ ابْعَثْ إلَیّ بِلَوْحٍ مِن

۱- سنن بیهقی، ج ۱، ص ۴۳۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۷؛ سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۷۹.

۳- سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

ص: ۵۹

أحْجارِ الْمَرْوَةِ أسْجُدُ عَلَيْه.(۱)

علی بن عبدالله بن عباس برای من نوشت: لوحی از سنگ‌های کوه مروه را برای من بفرست تا بر آن سجده کنم.

دلیل چهارم: نهی پیامبر (ص) از سجده بر پارچه

نقل شـده که در مواردی رسول خدا (ص) وقتی مشاهده می‌فرمود کسـی بر گوشه عمامه خود سـجده می‌کند، وی را از این کار باز می‌داشت. عیاش بن عبدالله قرشی می‌گوید:

رَأی رَسُولُ الله رَجُلًا یَسْجُدُ عَلی کَورِ عِمامَتِهِ فَأومَأ بِیَدِهِ ارْفَعْ عِمامَتَکَ وَ أومَأ إلی جِبْهَتِهِ.(۲)

رسول خـدا (ص) مردی را مشاهـده کرد که بر گوشه عمـامه خویش سـجده می‌کنـد. به او اشـاره کردنـد عمـامه‌ات را بالا ـ ببر و به پیشانی او اشاره فرمودند.

خلاصه کلام: گفتار و رفتار شخص پیامبر (ص)، همچنین روش اصحاب و تابعین و نهی پیامبر (ص) از سجده بر عمامه، این نکته را اثبات می‌کند که سجده بر زمین، حصیر و آنچه از زمین می‌روید در صورتی که خوردنی و پوشیدنی نباشد نه تنها جایز، بلکه

۱- اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۵۱؛ السجود علی الارض، ص ۲۳.

۲- سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

ص: ۶۰

لازم است و اهل سنت هستند که باید برای سجده بر فرش دلیل بیاورند.

پرسش: آیا سجده بر تربت شرک است؟

پاسخ: شریک قائل شدن برای خدا و قدرتی را مستقل از خداوند و هم‌عرض خداوند، دارای توانایی دانستن، همچنین عبادت و سجده در برابر چیزی، به منظور پرستیدن آن، شرک است.

پس آیا سجده شیعیان بر تربت، پرستش خاک است؟

روشن است که این‌گونه نیست، بلکه «السُّجُودُ عَلَی الارْضِ» سجده بر زمین است نه برای زمین. سجده بر مهر است نه برای مهر.

بنابراین، سجده کردن بر خاک، گیاه، حصیر و ... به معنای پرستش آنها نیست، بلکه سجده در برابر خدا است که به خاطر خضوع و خشوع بیشتر در مقابل حضرت حق، بر خاک و مانند آن صورت می‌گیرد.

از کلام امامان شیعه، آشکار می‌شود که سجده تنها بر زمین و آنچه از زمین می‌روید مشروط به اینکه خوراکی و پوشیدنی نباشد، جایز است. امام صادق (ع) فرمود: «السُّجُودُ عَلَی الارْضِ فَرِیضَهٌ وَ عَلی الْخُمْرَهْ سُنَّهٌ» (۱)؛ «سجده بر زمین، حکم الهی و سجده بر حصیر، سنت پیامبر است».

۱- الحدائق الناظره، ج ۷، ص ۲۵۹؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۱.

ص: ۶۱

در حکمت سجده بر زمین گفته‌اند که هاشم بن حکم به امام صادق (ع) عرض کرد: «سجده بر چه چیزهایی جایز است؟ و بر چه چیزهایی جایز نیست؟» ایشان در پاسخ فرمودند: «سجده جایز نیست مگر بر زمین و آنچه از زمین می‌روید به شرط اینکه خوردنی و پوشیدنی نباشد». هاشم بن حکم می‌گوید: «عرض کردم: فدایت شوم، به چه علت سجده بر خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها جایز نیست؟» حضرت فرمود:

سجده، خضوع و خشوع در مقابل خداوند است و سزاوار نیست بر چیزی که خوردنی و پوشیدنی است سجده شود. زیرا دنیا پرستان علاقه‌مند به خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها هستند. بنابراین در حال سجده، سزاوار نیست انسان که خدا را عبادت می‌کند، پیشانی خود را بر معبود دنیا پرستان مغرور بگذارد.(۱) بنابراین، ثابت می‌شود که سجده بر فرش جایز نیست و باید بر زمین و چیزی که از آن می‌روید باشد. اما بر فرض که حقیقت روشن نشود و این اختلاف در مذهب شیعه و وهابیت باقی باشد. آیا سزاوار است که وهابیان بر شیعیان سخت بگیرند و از سجده بر مهر و خاک جلوگیری کنند؟ اگر چنین است باید نسبت به اختلاف

۱- وسائل الشیعه، ابواب ما یسجد علیه، باب ۱، حدیث ۱.

ص: ۶۲

در سجده میان مذاهب اهل سنت نیز همین سخت‌گیری‌ها صورت بگیرد. به عنوان مثال، مالکی‌ها معتقدند گذاشتن بینی بر جایگاه سجده مستحب است، ولی حنبلی‌ها آن را واجب دانسته و ترک آن را موجب باطل شدن نماز می‌دانند. (۱)

از جانب دیگر اگر سجده بر خاک نشانه پرستش آن است پس سجده بر فرش نیز باید پرستش آن محسوب گردد آیا سایر مذاهب اسلامی که سجده بر فرش را جایز می‌دانند، فرش را می‌پرستند؟

پرسش: چرا در مکه و مدینه از دعا خواندن شیعیان جلوگیری می‌کنند؟

پاسخ: برخی از اهل سنت تندرو به نام وهابیت، معتقدند توسل به انبیا و اولیای الهی شرک است و گفتن یا رسول الله (ص)، یا علی (ع) و کمک خواستن از ایشان سبب خروج از دین می‌شود. از این‌رو آنان از مناجات، توسل و گریه شیعیان در بین الحرمین و مسجد الحرام و جاهای دیگر جلوگیری می‌کنند.

اکنون به بررسی این دیدگاه نیز می‌پردازیم تا روشن شود حق با کیست؟

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۶۱.

ص: ۶۳

قرآن کریم به اهل ایمان فرمان می‌دهد و می‌فرماید:

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَةَ (مائده: ۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرّب به سوی او بجویید.

«وسیله، چیزی یا کسی است که از آن برای نزدیک شدن به دیگری استفاده می‌کنیم». (۱)«پرستش خداوند و هر عملی که باعث خشنودی او شود، وسیله تقرب به خداست». (۲)

برادران یوسف (ع) پس از آن اشتباهی که کردند، خدمت پدر خویش رسیدند و گفتند:

قالُوا یا ابانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنَّا کُنَّا خاطِئِینَ* قالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (یوسف: ۹۷ و ۹۸)

ای پدر، بخشش گناهان ما را از خدا بخواه، همانا ما در اشتباه بودیم. حضرت یعقوب به ایشان فرمود: به زودی از خدای خود برای شما طلب آمرزش می‌کنم. به درستی که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

فرزندان یعقوب (ع) به پدر متوسل شدند تا برایشان از خدا طلب

۱- صحاح اللغه، ج ۵، ص ۱۸۴۱؛ النهایة فی غریب الحدیث، ج ۵، ص ۱۸۵.

۲- الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۰.

ص: ۶۴

بخشش نماید و آن پیامبر بزرگوار نه تنها به توسل آنان اعتراض نکرد، بلکه سخن آنها را پذیرفت و به ایشان وعده داد که برایشان استغفار و دعا کند. این رفتار پیامبر خدا، یعقوب (ع) الگویی برای همگان است و همین یک آیه کافی است تا ما هم اجازه داشته باشیم بندگان شایسته و آبرومند خدا را واسطه قرار دهیم و به آنان متوسل شویم تا برایمان دعا و طلب بخشش کنند.

علاوه بر اینکه توسل به انسان‌های مؤمن و آبرومند نزد خدا، از همان صدر اسلام روشن و رفتار صحابی پیامبر (ص) بوده است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

توسل مرد نابینا به پیامبر (ص)

«احمد بن حنبل» در «مسند» خود آورده است: «مردی نابینا خدمت پیامبر اسلام (ص) رسید و گفت: از خدا بخواه تا مرا عافیت و شفا بخشد. رسول خدا فرمود: اگر بخواهی دعا می‌کنم و اگر موافق باشی دعا کردن را به تأخیر می‌اندازم که این بهتر است. مرد نابینا گفت: دعا بفرمایید. رسول خدا (ص) به او فرمودند تا وضو بگیرد، در وضوی خود دقت کند و دو رکعت نماز بخواند و پس از آن چنین دعا کند:

پروردگارا! من از تو درخواست می‌کنم و به وسیله محمد پیامبر رحمت به تو روی می‌آورم، ای محمد من درباره نیاز و حاجتم،

ص: ۶۵

به وسیله تو به خدای خویش متوجه می‌شوم تا حاجتم را برآورده کنی. خدایا! او را شفیع من قرار بده. (۱) ابن حنیف می گوید: «به خدا قسم ما متفرق نشده بودیم و مشغول سخن گفتن بودیم که دیدیم آن مرد وارد شد در حالی که هیچ اثری از نابینایی در او نبود». (۲)

در این حدیث، رسول خدا (ص) به مرد نابینا و همه کسانی که پیرو آن حضرت‌اند، می‌آموزد تا پیامبر (ص) را واسطه میان خود و خدا قرار دهند و از خدا بخواهند تا پیامبر را به عنوان شفاعت‌کننده بپذیرد.

بنابراین، توسل به پیامبر (ص) به منظور برآورده شدن نیازها جایز است. بدون شک اگر چنین کاری درست نبود، پیامبر (ص) هیچ‌گاه این‌گونه دستور نمی‌فرمود. زیرا ایشان هرگز به کاری که مورد رضایت خدا نباشد فرمان نمی‌دهد.

آری، این همان توسل به اولیای الهی در پیشگاه خداوند است. آیا کسی از اهل سنت می‌تواند بگوید، مرد نابینا شرک ورزیده و رسول خدا فرمان شرک به او داده است.

۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۸ به نقل از عثمان بن حنیف؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴۱؛ مستدرک الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۳۱۳؛ الجامع الصغیر السیوطی، ص ۵۹؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۲۹.

۲- همان.

ص: ۶۶

توسل حضرت آدم به اهل بیت:

درباره این آیه فَتَلَقّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ (بقره: ۳۷) و اینکه کلماتی که آدم به آنها متوسل شد تا توبه‌اش پذیرفته شد، چنین آمده:

هنگامی که آدم کاری را که نباید انجام دهد، انجام داد، سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: به حق محمد از تو می‌خواهم مرا ببخشی، خدا به او وحی کرد: محمد کیست؟ آدم جواب داد: اسم تو مبارک است. چون خلق شدم سرم را به سوی عرش بلند کردم دیدم بر آن نوشته: لا اله الّا الله و محمد رسول الله گفتم: هیچ کس نزد تو جایگاه او را ندارد که اسمش را همراه اسم خود قرار داده‌ای، وحی شد او آخرین پیامبر از نسل تو است و اگر او نبود تو را خلق نمی‌کردم. (۱)در احادیث شیعیان آمده که منظور از «کلمات» پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) هستند. (۲) اما اگر منظور فقط پیامبر (ص) هم باشد، مقصود ما را می‌رساند که توسل به پیامبر و مقربان درگاه الهی، جایز است. زیرا آدم چنین کرد و خدا توبه‌اش را پذیرفت.

۱- روح المعانی، ج ۱، ص ۲۱۷؛ مستدرک الصحیحین، ج ۲، ص ۶۱۵؛ الدرّ المنثور، ج ۱، ص ۵۹.

۲- بحارالانوار، ج ۱۱، صص ۱۹۱- ۱۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۹۹.

ص: ۶۷

توسل پیامبر به خود و انبیای دیگر

وقتی فاطمه بنت اسد از دنیا رفت و می‌خواستند او را در قبر بگذارند، رسول خدا (ص) در قبر وی خوابید و چنین فرمود:
اللهُ الَّذِی یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ اغْفِرْ لُامِّی فَاطِمَهَٔ بِنْتِ اسَدٍ وَ وَسِّعْ عَلَیْها مَدْخَلَها بِحَقِّ نَبِیِّکَ وَ الانْبِیاءِ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِی. (۱)
ای خدایی که زنده می‌کنی و می‌میرانی و زنده‌ای که نمی‌میرد، بیامرز مادرم فاطمه را و قبرش را وسیع گردان، به حق پیامبرت و پیامبران قبل از من.
روشن است که پیامبر (ص) خداوند را به حق خویش و پیامبران قبل از خود می‌خواند و به آنان متوسل می‌شود تا دعایش درباره فاطمه بنت اسد مستجاب شود. اگر واسطه قرار دادن دیگران و کسانی که از دنیا رفته‌اند شرک است، پس چرا حضرت رسول (ص) به پیامبران پیشین متوسل می‌شود و خدا را به حق آنان می‌خواند؟

توسل خلیفه دوم

وقتی قحطی رخ می‌داد، عمر بن خطاب به وسیله عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر (ص) طلب باران می‌نمود و می گفت:

۱- کشف الارتیاب، ص ۳۱۲.

ص: ۶۸

اللّهُمَّ إنّا کُنّا نَتَوَسَّلُ إلَیْکَ بِنَبِیِّنا فَتسقینا وَ إنّا نَتَوَسَّلُ إلَیْکَ بِعَمِّ نَبِیِّنا فَاسْقِنا، قالَ فَیَسْقُون. (۱)

خدایا! وقتی پیامبر زنده بود به او متوسل می‌شدیم و تو باران رحمتت را بر ما نازل می‌کردی. اکنون با واسطه قرار دادن عموی پیامبر (ص) به تو روی می‌آوریم تا برایمان باران بفرستی. خداوند باران رحمتش را نازل می‌کرد و آنها سیراب می‌شدند.

این موضوع، در صحیح بخاری نقل شده و نشان می‌دهد خلیفه، برای پیامبر و عموی ایشان چنان جایگاه والایی قائل بوده که توسل به آنان را سبب استجابت دعا و نزول باران می‌دانسته! بنابراین اگر عمر توسل را درست نمی‌دانست، به عباس متوسل نمی‌شد.

در حقیقت این عمل مقتضای آیه شریفه وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَةَ است که توضیح آن گذشت.

بنابراین، همان‌طور که توسل به عموی پیامبر (ص) جایز است واسطه قرار دادن اهل بیت پیامبر (ص) هم بدون اشکال خواهد بود. زیرا آنان نیز همانند عموی پیامبر، بلکه بلند مرتبه‌تر از او هستند. ازاین‌رو اشکال وهابی‌ها به دعا، توسل و مجالس ادعیه ما، مبتنی بر دلیل درست نیست.

۱- صحیح بخاری، ج ۲، صص ۱۶ و ۲۷؛ سنن الکبری، ج ۳، ص ۳۵۳؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۵۰۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۱۳.

ص: ۶۹

امام علیع می‌فرمایـد: «بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ وَ بِحَقِّکَ».(۱) امام حسـینع هم در دعای عرفه می گوید: «اللّهُمَّ إنّا نَتَوَجَّهُ إلَیْکَ ... بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ رَسُولِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ».(۲)

در اشعار بسیاری از شاعران عرب نیز می‌بینیم که پیامبر گرامی اسلام (ص) در پیشگاه الهی واسطه قرار داده شده؛ بهترین شاهد شعر شافعی است که می گوید:

آلُ النَّبِیِّ ذَرِیعَتِیهُمْ إلَیْهِ وَسِیلَتِی

ارْجُو بِهِم اعْطِی غَداًبِیَدِ الْیَمِین صَحِیفَتِی

(۳) خاندان پیامبر (ص) وسیله من به سوی خدایند، امیدوارم در روز قیامت به خاطر ایشان نامه عملم به دست راستم داده شود.

با توجه به آنچه از منابع اهل سـنت آورده شد، روشن می‌شود که از دیدگاه آنها نیز توسل به آبروداران درگاه حضـرت حق، نه تنها جایز، بلکه امری رایج بوده است و اکنون آنان که با این امر مخالفت می کنند باید جوابی قانع کننده ارایه نمایند.

پرسش: آیا درخواست از مردگان نوعی شرک و پرستش آنهاست؟

۱- الصحیفهٔ العلویهٔ، سماهیجی، ص ۵۱.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عرفه، ص ۵۰۵.

۳- الصواعق المحرقه، ص ۱۷۸؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳.

ص: ۷۰

وهابیان می‌گویند: «درخواست از کسی که فوت کرده و قدرت بر انجام کاری ندارد شرک و پرستش میت به شمار می‌آید».

پاسخ: برای پاسخ گفتن به این سؤال دو مرحله را طی می‌کنیم:

مرحله نخست: بر فرض که مردگان هیچ قدرتی نداشته باشند و یا اصلًا سخن ما را نشنوند، چرا این عمل شرک باشد؟

بلکه نهایت چیزی که می‌توان ادعا نمود این است که عمل مذکور، کار بیهوده‌ای است اما پرستش و شرک نیست. زیرا ما آنها را عبادت نمی‌کنیم بلکه از آنان خواسته‌ایم که در پیشگاه خدا برای ما دعا و استغفار کنند و واسطه درخواست حاجات از خدا باشند.

مرحله دوم: اولیای الهی، انبیا و شهدا، بلکه همه انسان‌ها زنده‌اند و دارای زندگی برزخی هستند زیرا قرآن می‌فرماید:

وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللهِ امْواتٌ بَلْ احْیاءٌ وَ لکِنْ لاتَشْعُرُونَ (بقره: ۱۵۴)

به کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نگویید بلکه آنان زنده‌اند ولی شما درک نمی‌کنید.

و درباره انسان‌های بدکار می‌فرماید:

النَّارُ یُعْرَضُونَ عَلَیْها غُدُوًّا وَ عَشِیًّا وَ یَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ادْخِلُوا

ص: ۷۱

آلَ فِرْعَوْنَ اشَدَّ الْعَذابِ (مؤمن: ۴۶)

هر صبح و شام، آل فرعون بر آتش عرضه می‌شوند و هنگامی که قیامت برپا شود، بر سخت‌ترین عذاب وارد می‌شوند.

اگر آل فرعون مرده باشند و دارای هیچ درکی نباشند عرضه آنان به عذاب چه فایده‌ای دارد؟ روشن است که این عذاب صبحگاهی و شامگاهی با عذاب قیامت که در ذیل آیه مطرح شده، فرق دارد. بنابراین، بدکاران نیز حیات برزخی دارند و عذاب و کیفر الهی را درک می کنند.

سخن گفتن پیامبر با کشته‌های بدر

در بعضی از کتاب‌های اهل سنت آمده:

پیامبر (ص) بعد از فروکش کردن شعله‌های جنگ بدر دستور دادند جسد بیست و چهار نفر از کشته‌های قریش را در چاهی از چاه‌های بدر بیاندازند. آن حضرت پس از سه روز همراه اصحاب به کنار چاه آمدند و یکایک آن کشته گان را به نام خود و نام پدرانشان صدا زدند و فرمودند: آیا خوشحال نمی‌شدید اگر از خدا و رسولش اطاعت می کردید؟ همانا ما حق بودن وعده‌های الهی را دریافتیم، آیا شما نیز حقانیّت و درست بودن آنچه را به شما وعده داده بود یافتید؟ عمر

ص: ۷۲

گفت: ای رسول خدا با جسدهای بی روح سخن می گویی؟ حضرت رسول پاسخ فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست، شما در شنیدن سخنان من، از آنان شنواتر نیستید. (۱)همان‌طور که می‌بینیم رسول خدا (ص) قسم می‌خورد که مردگان صدای او را می‌شنوند و درک آنان را از این سخنان را زندگان بیشتر می‌داند.

سلام دادن به مردگان

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که به زیارت اهل قبور می‌رفت، آنان را مورد خطاب قرار داده می‌فرمود:

السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهْلَ الْقُبُورِ، یَغْفِرُ اللهُ لَنا وَ لَکُمْ، انْتُمْ سَلَفُنا وَ نَحْنُ بِالاثَرِ.(۲)

سلام بر شما ای اهل قبور، خداوند شما و ما را بیامرزد، شما درگذشتگان ما و ما نیز در پی شماییم.

معنای این کار پیامبر (ص)، آن است که آنها سخن زندگان را می‌شنوند. زیرا اگر نمی‌شنیدند، کار پیامبر بیهوده بود.

۱- صحیح بخاری، ج ۵، باب قتل ابی جهل؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲- سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۵۸؛ المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۸۴؛ کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۶۴۷.

ص: ۷۳

بنابراین روشن است که مردگان قادر به شنیدن و درک مفهوم هستند و مخاطب قرار دادن اهل قبور هیچ مشکلی ندارد. زیرا حتی مشرکان کشته شده در بدر هم صدای پیامبر (ص) را شنیدند. خدای توانا هم می‌تواند قدرت پاسخ‌گویی یا حل مشکل را به شهیدان و اولیاء الهی عنایت کند. شهیدانی که نزد خدا روزی می‌خورند با قدرت او می‌توانند واسطه میان انسان و خدا شوند.

علاوه بر این اهل سنت خود روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) فرمود:

ما مِنْ احَدٍ یُسَلِّمُ عَلَیَّ إلّا رَدَّ اللهُ عَلَیَّ رُوحِی حَتّی اردَّ عَلَیْهِ السَّلام.(۱)

هر کس بر من سلام کند، خداوند روح مرا به من بر می‌گرداند تا پاسخ سلام او را بدهم.

نوشته تابلوی بقیع

یکی از عبارت‌هایی که بر تابلوی بقیع نوشته‌اند این است:

سَلامٌ عَلَیْکُمْ اهْلَ دارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ وَ إنّا إنْ شاءَ اللهُ بِکُمْ لاحِقُونَ یَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ مِنّا وَ مِنْکُمْ وَ الْمُسْتَأخِرِینَ، نَسْألُ اللهَ لَنا وَ لَکُمُ الْعافِیَةَ اللّهُمَّ لا تَحْرِمْنا اجْرَهُمْ

۱- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۵۳؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۵۲۷؛ فتح الباری، ج ۶، ص ۳۵۲.

ص: ۷۴

وَ لا تَفْتِنّا بَعْدَهُمْ. (۱) سلام بر شما ای گروه مؤمنان، ما ان‌شاءالله به شما ملحق خواهیم شد. خداوند گذشتگان و آیندگان ما و شما را رحمت کند، از خداوند برای خودمان و شما عافیت می‌خواهیم. خداوندا! ما را از پاداش آنها محروم مگردان و ما را بعد از ایشان آزمایش مکن.

به گفته آنان این نوشته را صحیح مسلم روایت کرده. پرسش ما این است: در این تابلو، برای سلام دادن به مردگان، چهار مرتبه از ضمیر خطاب «کم» (شما) استفاده شده. اگر مردگان چیزی درک نمی‌کنند چرا آنان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهید. بدون شک این‌گونه سلام دادن، نشان می‌دهد که آنان صدای سلام دهنده را می‌شنوند.

پرسش: آیا درخواست شفاعت از اولیای الهی شرک است؟

پاسخ: به وساطت شخصی برای نجات دیگری را، شفاعت می‌گویند. همه مسلمانان بر این باورند که شافعان در روز قیامت گناهکاران را شفاعت می‌کنند. ما هم در این دنیا درخواست می‌کنیم تا پیامبر (ص)، اولیای الهی و کسانی که با اجازه خدا، حق شفاعت دارند، در روز قیامت ما را شفاعت کنند.

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۴.

ص: ۷۵

در برابر تمامی اینها، فقط وهابیون می گویند: درخواست شفاعت از پیامبر و اولیاء الهی شرک است.

قرآن کریم می‌فرماید:

وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوَّاباً رَحِيماً (نساء: ۶۴)

اگر آنان هنگامی که بر خویش ستم کردند، پیش تو آمدند و از خداوند طلب آمرزش کردند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش کرد، خداوند را توبه‌پذیر و رحم کننده می‌یابند.

آنها پیش پیامبر (ص) می‌آمدند و از او درخواست می کردند تا برای آنان طلب آمرزش نماید. زیرا اگر هدف فقط استغفار برای خودشان بود، نیازی نبود تا نزد پیامبر (ص) بیایند.

قرآن کریم حکایت می کند که فرزندان یعقوب نزد پدر آمدند و از او خواستند تا در پیشگاه الهی واسطه آنها شود و برایشان استغفار کند. یعقوب نیز با درخواست آنان موافقت کرد. (۱)

اصحاب پیامبر (ص) و طلب شفاعت

«سنن ترمذی»- یکی از کتاب‌های مهم اهل سنت- از انس، صحابی پیامبر (ص) چنین نقل می کند:

۱- یوسف: ۹۶.

ص: ۷۶

سَأَلْتُ النَّبِی انْ یَشْفَعَ لِی یَوْمَ الْقِیامَهِٔ فَقالَ انَا فاعِلٌ، قُلْتُ فَأیْنَ اطْلُبُک؟ فَقالَ: عَلَی الصِّراط ...

از پیامبر (ص) خواستم تا در روز قیامت من را شفاعت کند، رسول خدا فرمود: این کار را انجام می‌دهم. گفتم: شما را کجا بیابم؟ فرمود: بر صراط ...

از این نکته روشن می‌شود که «انس» از رسول الله (ص) طلب شفاعت کرد و ایشان نیز پذیرفت که واسطه بخشودگی او شود. آیا اگر چنین کاری شرک بود، انس آن را به عنوان افتخار برای خود نقل می‌کرد؟ و آیا رسول خدا (ص) آن را می‌پذیرفت؟!

«تبّع» مردی بود که قبل از تولد پیامبر (ص) زندگی می‌کرد. او شنیده بود که در سرزمین عربستان به زودی پیامبری ظهور می‌کند. وی پیش از مرگش، نامه‌ای نوشت و از نزدیکان خود خواست که اگر روزی چنین پیامبری مبعوث شد، نامه او را به ایشان برسانند. در آن نامه چنین نوشته بود:

وَ إنْ لَمْ ادْرِکْکَ فَاشْفَعْ لِی یَوْمَ الْقِیامَهِٔ وَ لا تَنْسِنی. (۱)

اگر من شما را درک نکردم، روز قیامت مرا مورد شفاعت قرار ده و مرا فراموش مکن.

هنگامی که نامه وی را به حضرت دادند، پیامبر گرامی اسلام (ص)

۱- بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۱۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۱۳.

ص: ۷۷

سه بار فرمودند: «مَرْحَباً بِتُبَّعِ الأخِ الصّالح»؛ «آفرین بر تبّع برادر صالح من».

آیا می‌توان تصور کرد که این کار تبّع شرک بوده است و آیا اگر چنین بود، پیامبر (ص) وی را برادر صالح خویش می‌نامید و به او آفرین می‌گفت؟!

در «صحیح بخاری»، دیگر کتاب مهم اهل سنت، فصلی از احادیث وجود دارد با عنوان: «اذ استشفعوا الی الامام لیستسقی لهم لم یردهم»(۱) ؛ «هنگامی که مردم از امام خود طلب شفاعت می‌کنند برای آنان طلب باران می‌نماید و خواسته آنان را رد نمی‌کنند».

همچنین در کتاب ارزشمند نهج البلاغه می‌خوانیم که ابن عباس می‌گوید: وقتی علیع پیامبر (ص) را غسل داد و کفن نمود، روی او را باز کرد و گفت: «بِاَبِی اَنْتَ وَ اُمّی ... اذْکُرنا عِنْدَ رَبِّک» (۲)؛ «پدر و مادرم به فدایت ... پیش خدا ما را از یاد مبر».

در قرآن کریم هم خداوند به پیامبر می‌فرماید: صَلِّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ؛ «در حق ایشان دعا کن، دعای تو مایه آرامش آنان است» (توبه: ۱۰۳).

بنابراین، دعای پیامبر (ص) برای انسان‌ها مفید و آرامش‌بخش

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۸.

۲- نهج البلاغه، تحقیق شیخ محمد عبده، خطبه ۲۳۰.

ص: ۷۸

است. پس چه اشکالی دارد انسان از پیامبر (ص) درخواست کند تا برایش دعا نماید. زیرا شفاعت چیزی جز درخواست دعا نیست. ازاین‌رو نه تنها درخواست «انس»، «تبع» و گناهکاران دیگر از پیامبر اسلام (ص) و فرزندان یعقوب از پدرشان، شرک نیست بلکه دارای جایگاهی بس بلند است و مورد اجابت خدا قرار می‌گیرد. به همین دلیل تقاضای شیعیان از کسانی که در پیشگاه الهی دارای مقام هستند. با توجه به توانایی ایشان در برقراری ارتباط با خداوند و اینکه بدون اجازه او کاری نمی‌کنند، هیچ اشکالی نخواهد داشت و با فطرت انسان هماهنگی کامل دارد.

پرسش: چرا در مکه مکرمه و مدینه منوره از دست زدن به در و دیوار حرم و بوسیدن آنها جلوگیری می‌کنند؟

پاسخ: وهابی‌ها، تبرک جستن و بوسیدن آثار پیامبر (ص) و اولیای الهی را شرک می‌دانند. همچنین کسی را که محراب، منبر، قبر مطهر پیامبر (ص) و قبور امامان را ببوسد، مشرک می‌دانند. از این‌رو به شدت از این رفتارها جلوگیری می‌کنند و حال آنکه تبرک در قرآن آمده است.

یوسف (ع) برای شفای چشم پدرش لباس خود را به عنوان

ص: ۷۹

تبرک فرستاد و به برادران خود گفت: اذْهَبُوا بِقَمِیصِی هـذا فَأَلْقُوهُ عَلی وَجْهِ ابِی یَأْتِ بَصِیراً؛ «پیراهن مرا ببرید و بر دیدگان پدرم بیاندازید، تا بینا گردد» (یوسف: ۹۳).

آنان پیراهن را به حضرت یعقوب (ع) دادند. او جامه یوسف را بر دیدگان خود گذاشت و بلافاصله بینایی خود را به دست آورد.

فَلَمَّا أَنْ جاءَ الْبَشِیرُ أَلْقاهُ عَلی وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِیراً (یوسف: ۹۶)

پس، چون بشیر، بشارت یوسف را آورد و پیراهن او را بر رخسارش افکند، یعقوب بینا گشت.

چرا حضرت یوسف (ع) و پدرش یعقوب خودشان دعا نکردند و چرا یعقوب چنین کاری کرد؟

البته و صد البته بدیهی است که خدا بینایی را برمی‌گرداند. اما آیا وهابیت می‌تواند یوسف و یعقوب- دو پیامبر بزرگ الهی به جهت تبرک جستن- را مشرک بداند؟!

در کتاب‌های اهل سنت نمونه‌های فراوانی را در تبرک جستن صحابی پیامبر به آثار آن حضرت (ص) می‌توان یافت، که با دیدن آنها هیچ شکی در مشروعیت و پسندیده بودن این عمل باقی نمی‌ماند.

ص: ۸۰

تبرک به آب وضوی پیامبر (ص)

کتاب «صحیح بخاری» در شرح ویژگی‌های پیامبر و یارانش، روایتی نقل کرده که در آن چنین می‌گوید:

وَ إذا تَوَضَّأَ کادُوا یَقْتَتِلُونَ عَلی وُضُوئِه.(۱)

هنگامی که پیامبر (ص) وضو می‌گرفت برای به دست آوردن آب وضوی ایشان گویا با یکدیگر جنگ می‌کردند.

«سائب بن یزید» می‌گوید:

خاله‌ام مرا نزد پیامبر (ص) برد و گفت: خواهر زاده‌ام بیمار است. رسول خدا (ص) وضو گرفت و از خداوند برای من برکت و شفاعت خواست. زمانی که وضو می‌گرفت من از آب وضوی ایشان نوشیدم. (۲)

تبرک به دست‌های پیامبر (ص)

در برخی روایت‌ها آمده که مردم دست‌های پیامبر (ص) را به صورت خویش می‌کشیدند.

«وهب بن عبدالله» می‌گوید: «من نیز دست آن حضرت را گرفته،

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۸۰؛ ج ۱، ص ۵۵؛ جامع البیان، ج ۲۶، ص ۱۲۸؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۲۷.

ص: ۸۱

به صورت خود کشیدم. دست آن حضرت خوشبوتر از مشک بود».(۱)

تبرک به موی پیامبر (ص)

در «صحیح مسلم» از «انس» نقل شده: «رسول خدا (ص) سر خود را می‌تراشید و یارانش در اطراف او بودند. هر تار موی ایشان در دست یکی از اصحاب بود». (۲) آیا برداشتن تار موی پیامبر (ص) جز برای تبرّک بوده است؟!

تبرک به آبی که پیامبر (ص) در آن دست فرو برده

در کتاب‌های دیگری که برای اهل سنت معتبر است آمده:

خدمتگزاران مدینه هنگام نماز صبح با ظرف آب نزد پیامبر (ص) می‌آمدند. رسول خدا (ص) دست مبارک خود را در هر یک از آن ظرف‌ها فرو می‌برد. چه بسا در بامدادی سرد خدمت ایشان می‌رسیدند. باز پیامبر (ص) دست خود را در آن آب‌ها فرو می‌برد. (۳)

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲- همان، کتاب فضائل صحابه.

۳- صحیح مسلم، جزء ۷، کتاب فضائل قرب نبی من الناس و تبرکهم به، ص ۷۹.

ص: ۸۲

تبرک به دهانه مشک

«ام ثابت» روایت می کند: «رسول خدا (ص) بر من وارد شد و از دهانه مشکی که آویزان بود، آب نوشید. من برخاستم و دهانه مشک را بریدم».

نووی در کتاب «ریاض الصالحین» در این توضیح می گوید:

ام ثابت دهانه مشک را برید تا جای دهان پیامبر (ص) را نگهداری کند و به آن تبرک جوید.(۱) همچنین یاران آن حضرت تلاش می کردند تا از جایی که رسول خدا (ص) آب نوشیده، آب بنوشند.

تبرک جستن حضرت یعقوب (ع) به پیراهن فرزندش یوسف، همچنین صحابی پیامبر به آب وضو، تارهای مو، دهانه مشک و دست‌های مبارک آن حضرت نشان می‌دهد که این کار جایز است. بنابراین تبرک به ضریح و دیوار ضریح رسول خدا (ص) و آنچه به آن حضرت و اولیای الهی منسوب است، وسیله‌ای برای نشان دادن عشق و محبت به آن بزرگواران و راهی برای نزدیک شدن به خداوند است. این پیروان وهابیت هستند که با روش تمامی مسلمانان در همه زمان‌ها مخالفت می کنند و با تهمت مشرک بودن به همه فقط خودشان را بر حق می‌دانند!!

۱- ریاض الصالحین، یحیی نووی، ص ۲۷۴.

ص: ۸۳

پرسش: چرا امامان بقیع گنبد و بارگاه ندارند؟

پاسخ: یکی از کارهایی که وهابی‌ها به شدت با آن مخالف‌اند، تعمیر قبور و ساخت بنا بر مزار پیامبران و اولیای الهی است. ازاین‌رو وقتی سعودی‌ها در سال ۱۳۴۴ هجری قمری بر مکه و مدینه و اطراف آن سلطه پیدا کردند، به فکر تخریب قبور و بارگاه امامان بقیع افتادند. آنان برای آماده کردن ذهن مردم، در صدد برآمدند تا در این زمینه فتوای علمای مدینه را بگیرند. سرانجام «سلیمان بلیهد»، در این زمینه به گونه‌ای سؤال را طرح کرد که پاسخ مورد نظرشان به دست آمد و بارگاه‌ها را با شعار مبارزه با شرک ویران کردند.

بررسی و نقد

قرآن در حکایت سرنوشت اصحاب کهف می‌فرماید: هنگامی که وضع اصحاب کهف برای مردم آن زمان روشن شد، مردم به جلوی غار آمدند و درباره مدفن آنها چنین گفتند: ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْياناً؛ «بر روی قبر آنان بنایی بسازید» (کهف: ۲۱).

و گروهی دیگر گفتند:

قالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً (کهف: ۲۱)

گروه دیگر که در این کار پیروز شده بودند، گفتند: مدفن ایشان را به عنوان مسجد انتخاب می کنیم.

ص: ۸۴

بدون شک این دو گروه، به خاطر بزرگداشت اصحاب کهف بود که پیشنهاد ساخت مسجد و بنا را دادند. اگر چنین کاری شرک بود، قرآن از آنان انتقاد می‌کرد و بر آنان اعتراض می‌نمود. بنابراین احترام به قبر افراد با ایمان، در میان ملت‌های قبل از اسلام نیز امری رایج بوده. اکنون هم که شیعیان و مسلمانان بر قبور بزرگان و صالحان بنا می‌سازند هدفی جز تعظیم شعائر (۱) و ابراز محبت (۲) به آنان ندارند.

به عنوان نمونه مرقد حضرت اسماعیل و مادرش هاجر در حجر اسماعیل قرار دارد و دارای نشانه است. قبور پیامبرانی هم چون دانیال، هود، صالح، یونس و ذوالکفل در عراق و ابراهیم خلیل الرحمن، اسحاق، یعقوب و یوسف- که حضرت موسی از مصر به بیت المقدس آورده- همه دارای نشانه و بنا هستند.

اگر ساخت بارگاه بر قبور شرک است، مسلمانان عراق و سرزمین‌های دیگر بایـد آنها را ویران می‌کردنـد و از تجدیـد بنای آنها بپرهیزند، درحالی‌که آنان در حفظ و نگهداری این بناها کوشیدند و این خود بهترین نشانه پسندیده بودن آن است.

حتی خلیفه دوم نیز هنگام فتح بیت المقدس بنای قبور پیامبران

۱- حج: ۳۲.

۲- شوری: ۲۳.

ص: ۸۵

را نابود نکرد، زیرا این اماکن در نظر مسلمانان برای بزرگداشت پیامبران الهی بود.

دانستنیهای جوانان ؛ ؛ ص۸۵

ش از وهابیان تندرو و تسلط آنان بر حرمین شریفین، قبور صالحان آن سرزمین آباد و دارای نشانه بود و هیچ کس در این‌باره اشکال شرعی وارد نمی‌دانست. این سیره در همه سرزمین‌های دیگر نیز رواج داشت. چگونه می‌شود چنین روشی سال‌های سال وجود داشته باشد اما یک مرتبه توسط گروهی، شرک شمرده شود.

مرقد پیامبر (ص)

اگر ساخت بنا بر قبرها حرام است، چرا مسلمانان پیامبر اسلام (ص) را در اتاقی دارای سقف، دفن کردند؟ بعدها ابوبکر و عمر را نیز در کنار ایشان، در همان حجره دفن کردند. در گذر زمان مطابق با معماری هر دوره‌ای، آن حجره تعمیر و یا تجدید بنا گردید.

بنای کنونی هم توسط سلطان عبدالحمید در طول چهار سال، ساخته و تجدید بنا شد.

اکنون پرسش ما از وهابیان این است که اگر ساخت بنا بر قبرها حرام است، این مرقد گنبد خضراء بر مزار پیامبر (ص) و قبر دو خلیفه چیست و چرا در سال‌های متمادی به دست مسلمانان تجدید بنا گردیده؟

چرا مسلمانان پیکر مطهر رسول خدا (ص) را زیر سقف دفن

ص: ۸۶

کردنـد؟ در هر صورت، تلاـش کردنـد تـا قبر پیـامبر (ص) دارای ساختمـانی باشـد. علاـوه بر اینکه در بقـای آن و تعمیر و تغییر آن کمک فراوانی کردند.

پرسش: چرا در مکه و مدینه از زیارت قبور به ویژه زیارت بقیع جلوگیری می‌شود؟

پاسـخ: از دیـدگاه عموم فقهـای مسـلمان، زیارت قبور دارای آثار گران‌بهایی است. اما وهابیان، اگر چه به ظاهر با اصل زیارت قبور موافق‌انـد، امـا سـفر برای زیارت قبور را حرام می‌داننـد. همچنین هر کاری ماننـد تبرک، چراغ روشن کردن، قرآن خوانـدن و ... در کنار قبور را جایز نمی‌دانند.

از این رو از زیـارت قبرهای بقیع جلوگیری می‌کننـد و فقط در زمانی محـدود آن هم با شـرایط ویژه و محـدودیت‌های فراوان اجازه حضور در بقیع را می‌دهند.

اگر چه جواز زیارت قبور بسیار روشن است اما اشاره به چند نکته آن را روشن‌تر می‌کند.

در کتاب‌های اهل سـنت نقل شده که رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّها تُذَکِّرُکُمُ الآخِرَهْ» (۱)؛ «قبرها را زیارت کنید،

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰؛ جامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۱. به همین مضمون ر. ک: مسند احمد، ج ۱، ص ۱۴۵.

ص: ۸۷

زیرا زیارت قبور آخرت را یادآوری می کند».

همچنین از عایشه همسر پیامبر (ص) نقل شده که می گوید: «إنَّ رَسُولَ اللهِ (ص) رَخَّصَ فی زِیارَةِ الْقُبُور»(۱) ؛ «همانا رسول خدا (ص) زیارت قبور را اجازه فرمودند».

پیامبر (ص) قبر مادر خود را زیارت کرد

زمانی که پیامبر اکرم (ص) فقط شش سال داشت، همراه مادرش برای دیدن دایی‌های خود به مدینه رفت و در آنجا قبر پدر خود را نیز در «دار النابغه»- که اکنون در مسجد النبی قرار گرفته- زیارت کرد. در راه بازگشت از این سفر در منطقه «ابواء»، «آمنه» مادر آن حضرت درگذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد. از زمان دولت عثمانی، بقعه‌ای روی قبر ایشان بود که پس از سلطه وهابیان تخریب شد.(۲) منطقه ابواء در بین راه مکه و مدینه قرار دارد؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) قبر مادر خود را زیارت کرد و در کنار قبر او گریست و کسانی را که همراه حضرت بودند، گریاند. (۳) ایشان برای زیارت قبر مادرش به آنجا سفر کرد. آیا وهابی‌ها می توانند بگویند: این سفر شخصیت‌پرستی است؟

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲- آثار مکه و مدینه، ص ۳۱۲.

۳- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۴؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۹.

ص: ۸۸

آیـا سـفر برای طواف خـانه کعبه، کعبه پرستی را و مسـافرت برای بوسـیدن حَجَرالاـسود، سـنگ‌پرستی را به دنبـال دارد؟ به هر حال روایت‌های زیادی از پیامبر (ص) در مورد چگونگی زیارت قبور رسـیده است. (۱) همه اینها نشان می‌دهد که زیارت قبور مستحب و امری رایج میان صحابی بوده است.

پرسش: چرا از حضور بانوان در بقیع جلوگیری می‌شود؟

پاسخ: وهابی‌ها معتقدند، زیارت قبر فقط برای مردها جایز است و زیارت هیچ قبری را برای زنان جایز نمی‌دانند. آنان با اسـتدلال به روایتی که سند آن هم ضعیف است (و در صحیح بخاری و صحیح مسلم نیامده) چنین فتوایی داده‌اند. به همین سبب از حضور زنان در بقیع جلوگیری می‌کنند.

برای پی بردن به حقیقت در این رابطه توجه به چند جمله ذیل کافی است:

حضـرت زهرا (س) در زمان پـدرش، رسول خـدا (ص) و بعد از ایشان، به زیارت قبر حضـرت حمزه، عموی پیامبر (ص) و شـهدای احد می‌رفت و در آنجا نماز و دعا می‌خواند و گریه می‌کرد.(۲)

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳.

۲- السنن الکبری، ج ۲، ص ۵۷۲؛ ج ۴، ص ۱۳۱؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۳۳.

ص: ۸۹

اگر زیارت قبور برای زنان حرام بود، چرا پیامبر (ص) حضرت زهرا را از این عمل باز نداشت و چرا هیچ یک از مسلمانان نیز از این کار ایراد نگرفتند؟!

«عایشه» همسر پیامبر (ص) در مکه قبر برادرش (عبدالرحمن بن ابی‌بکر) را زیارت کرد.(۱) یا باید گفت عایشه از این حرمت خبر نداشته است؟ یا باید بگوییم که عایشه از پیامبر (ص) شنیده بود که زیارت قبور جایز نیست. اما با دستور پیامبر (ص) مخالفت کرده است.

انس می‌گوید: «پیامبر (ص) زنی را دید که بر سر قبر عزیز از دست رفته خویش بسیار گریه می‌کرد. حضرت به او فرمود: تقوا پیشه کن و صبر نما. آن زن پیامبر (ص) را نشناخت و گفت: مرا رها کن، به مصیبتی گرفتار شده‌ام که تو گرفتار آن نیستی. هنگامی که پیامبر (ص) رفت، به آن زن گفتند: این شخص بزرگوار، پیامبر (ص) بود. زن قبر عزیز خود را رها کرد و به خانه پیامبر آمد و پوزش خواست که حضرت را نشناخته است. رسول خدا (ص) فرمود: «الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدَمَةِ الأولَی»(۲) ؛ «همانا صبر هنگام مصیبت بهتر است».

رسول خدا (ص) او را به صبر در برابر مصیبت‌ها دعوت کرد. اگر زیارت قبور برای بانوان اشکال داشت، پیامبر گرامی اسلام او را از

۱- مستدرک الحاکم، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۵؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۴۰.

ص: ۹۰

این کار نیز باز می‌داشت.

علاوه بر همه اینها، فتوای مذاهب اربعه اهل سنت نیز در این زمینه با عقیده وهابیت در تضاد است؛

حنفی‌ها و مالکی‌ها می‌گویند: «برای زنان سالمند که خروجشان از منزل مفسده ندارد، مستحب است ولی برای خانم‌های جوان که خروجشان از منزل دارای مفسده است، حرام است».

حنبلی‌ها و شافعی‌ها می‌گویند: «در کل زیارت اهل قبور برای زنان مکروه است- چه سالمند و چه جوان- مگر این‌که رفتن آنها به زیارت، دارای مفسده باشد که در این صورت حرام است». (۱) ممکن است وهابی‌ها بگویند: «حضور زنان در کنار قبر مفسده دارد و حرام است و باید از آن جلوگیری کرد». می‌گوییم از کجا معلوم مفسده داشته باشد؟ علاوه بر این آیا حضور زنان در بازارها، خیابان‌ها، فروشگاه‌ها و مکان‌های دیگر بیشتر احتمال مفسده دارد یا در کنار قبور که انسان را به یاد آخرت می‌اندازد؟

بنابراین طبق دلیل شما، باید از حضور زنان در همه جا جلوگیری کرد.

افزون بر این، اگر کاری بر اساس یک مذهب فقهی حرام باشد، آیا طرفداران آن مذهب می‌توانند جلوی همه مردم را بگیرند؟

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، کتاب صلاهٔ، خاتمه در زیارت قبور.

ص: ۹۱

در فقه شیعه زیارت قبور برای مرد و زن مستحب است و فرقی بین آنها نیست. البته ما هم قبول داریم که نبایـد با کار حرامی همراه شود. مثلًا نباید بی‌صبری و جزع و فزع شدید به دنبال داشته باشد. یا زنان نباید در برابر نامحرم بدون حجاب ظاهر شوند. اما زیارت قبور هم برای زنان و هم برای مردان دارای آثار معنوی خواهد بود و میان آنان فرقی نیست.

ص:۹۲

ص: ۹۳

فصل سوم: پرسش‌هایی درباره اهل سنت

اشاره

ص:۹۴

ص: ۹۵

پرسش: مذاهب چهارگانه اهل سنت بر چه اساسی شکل گرفته است؟

پاسخ: زائر خانه خدا، با دیدن تفاوت‌هایی در رفتار اهل سنت می‌پرسد: این اختلاف‌ها برای چیست و مذاهب اهل سنت چگونه به وجود آمده.

اهل سنت دارای چهار مذهب هستند:

۱. مذهب حنفی؛

۲. مذهب مالکی؛

۳. مذهب شافعی؛

۴. مذهب حنبلی.

ناگفته نماند که در زمان خلفای عباسی، مذاهب مختلف فقهی بسیاری میان اهل سنت رواج داشت تا آنجا که فراوانی مذاهب دشواری‌هایی به وجود آورده بود. ازاین‌رو خلفای عباسی تصمیم گرفتند تا از پیروان هر مذهب هزاران هزار درهم و دینار بگیرند تا باقی بودن آن مذهب را بپذیرند.

ص: ۹۶

بنابراین چون حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی دارای طرفداران پیروان و ثروت زیادی بودند، این پول را پرداختند و مذهب خویش را رسمی ساختند. سید مرتضی به عنوان بزرگ‌ترین فقیه، تلاش زیادی کرد تا مقدار مالی را که حکومت خواسته بود فراهم کند، اما دست تنگی شیعیان سبب شد کوشش وی به جایی نرسد و ناگزیر مذهب شیعه کنار گذاشته شود.

۱. مذهب حنفی

قدیمی‌ترین مذهب چهارگانه اهل سنت، مذهب حنفی است. «ابوحنیفه، نعمان کوفی» که در سال ۸۰ متولد و در سال ۱۵۰ در بغداد وفات یافت، پیشوای این مذهب به شمار می‌رود.

این مذهب در کوفه که وطن ابوحنیفه بود به وجود آمد و سپس در دیگر سرزمین‌ها گسترش یافت. پیروان این مذهب کمتر به حدیث استدلال می‌کردند و استنادشان بیشتر به قیاس بود. ازاین‌رو مهارت فراوانی در قیاس کردن داشتند و به همین دلیل به آنان «اهل رأی» می‌گویند. ابوحنیفه با قیاس و استحسان، فتاوای فقهی بسیاری داد که بعدها تبدیل به مذهب فقهی شد.

ابویوسف از شاگردان نامی ابوحنیفه بود. هنگامی که هارون الرشید به خلافت رسید، او را به منصب قضاوت گمارد. او در سراسر سرزمین‌های عراق، خراسان، شام، مصر و بخش‌هایی از

ص: ۹۷

آفریقـا، فقـط پیروان فقهی ابوحنیفه را بر منصب قضـاوت انتخـاب می کرد. ازاین‌رو این مـذهب در همه سـرزمین‌های اسـلامی رواج یافت.(۱)

۲. مذهب مالکی

مالکی، دومین مذهب اهل سـنت، است. پیشوای این فرقه «مالك» پسـر «انس اصـبحی» در سال ۹۳ متولد و در سال ۱۷۹ درگذشت. «امام مالك» علاوه بر مدارك استـنباطی که دیگران آنها را معتبر می‌دانند از منبع دیگری نیز برای اسـتنباط احکام فقهی بهره می‌برد که عبارت است از «عمل اهل مدینه».

این مـذهب ابتـدا در مـدینه و سـپس در حجـاز انتشار یافت و از آنجا به سـرزمین‌های دیگر نیز سـرایت کرد. در زمان دولت «ایوبی» برای فقهای این مذهب مدارسی ساخته شد که تأثیر بسزایی در رشد آن گذاشت.

گسترش مـذهب مالکی در اسپانیا و دیگر مناطق مغرب زمین بدین جهت بود که مسافرت اهالی این سـرزمین‌ها به حجاز بیشتر بود. زیرا در آن هنگام مدینه جایگاه دانش بود و آنان بر آموختن

۱- برای توضـیح بیشتر ر. ك. ادوار فقه، محمود شـهابی، ج ۳، صص ۶۶۴- ۶۵۵؛ تاریخ فقه و فقهاء، دکتر ابوالقاسم گرجی، صـص ۸۰- ۸۳.

ص: ۹۸

علم از عالمان مدینه ترغیب می‌شدند. ازاین‌رو با مراجعه به مالک و پیروان او، طرفدار آیین فقهی او می‌شدند.(۱)

۳. مذهب شافعی

این مذهب به «محمد بن ادریس شافعی قرشی»، که در سال ۱۵۰ در غزه متولد و در سال ۲۰۴ در مصر وفات کرد، انتساب دارد. شافعی ابتدا دانش را از مالک، فرا گرفت و پس از آن خود مذهب خاصی را پدید آورد و مستقل گردید.

بعد از مالک، او به عراق رفت و با پیروان ابوحنیفه دیدار کرده و از آنان دانش آموخت. سپس روش اهل حجاز را با شیوه اهل عراق ممزوج کرد و مذهب مخصوصی به وجود آورد که در بسیاری از مسائل به مخالفت با مالک انجامید.

مذهب حنفی و مالکی در مصر غالب بود تا اینکه امام شافعی به آنجا رفت. از همان موقع مذهب وی در مصر گسترش یافت و اکنون نیز بیشتر مصریان شافعی مذهب هستند.

گاهی وقت‌ها میان شافعیه و حنفیه بر اثر تعصب‌ها مبارزاتی صورت می‌گرفته که باعث خونریزی زیادی می‌گشت تا اینکه سلطان میان آنان حکم می‌کرده است.

۱- همان.

ص: ۹۹

۴. مذهب حنبلی

این مذهب به «احمد بن حنبل شیبانی» انتساب دارد. او در سال ۱۶۴ در بغداد به دنیا آمد و در سال ۲۴۱ در همان جا بدرود حیات گفت.

وی از خواص اصحاب و شاگردان شافعی بوده و همواره از او علم می‌آموخت است تا اینکه شافعی به مصر رفت. پس از آن مذهب حنبلی در بغداد پدید آمد و از آنجا به سرزمین‌های دیگر گسترش یافت. اما آنچه روشن است اینکه، پیروان و مقلّدان این فرقه، در هر زمانی کم تعداد بوده‌اند و این مذهب هیچ‌گاه در کشوری سیطره نیافت. فقط در سال ۳۲۳ در بغداد رواج زیادی یافت و قدرت آنان باعث شد تا آشوبگری نمایند. آنها به شدت با فرق دیگر مخالفت کردند و به آزار آنان پرداختند. البته تردیدی نیست که این فتنه انگیزی‌ها و آشوبگری‌ها ناشی از تعصب عوام مردم بوده است که با مخالفان خویش برخوردی جنگجویانه می‌کرده‌اند. (۱)پرسش: چرا نوع وضو گرفتن اهل سنت با ما تفاوت دارد؟

پاسخ: بر مبنای فقه اهل سنت، هر شخص می‌تواند دست‌ها را از بالا به پایین یا برعکس بشوید. حتی آنها در این موضوع هم‌رأی

۱- ادوار فقه، صص ۶۷۵- ۶۸۷.

ص: ۱۰۰

هستند که شستن دست از سر انگشتان به بالا مستحب است. (۱) ازاین‌رو در هنگام وضو دست‌ها را از پایین به بالا می‌شویند.

در مورد مسح سر هم؛ مالکی‌ها می‌گویند: مسح تمام سر واجب است، حنبلی‌ها نیز مسح تمام سر به همراه گوش‌ها را واجب می‌دانند. حنفی‌ها نیز مسح یک چهارم سر را کافی می‌دانند ولی از منظر فقه شافعی، مسح مقداری از سر- هر اندازه که باشد- کافی است. (۲) بنابر عقیده شیعیان که بر اساس روایات، پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) شکل گرفته است، هنگام گرفتن وضو صورت و دست‌ها را از بالا به پایین می‌شویند و بخشی از سر و روی پا را مسح می‌کنند. به پیروان خویش نیز چنین آموزش می‌دهند. (۳)پرسش: چرا برادران سنی نمازهای واجب را در پنج وقت می‌خوانند؟

پاسخ: پیامبر گرامی اسلام (ص) در بیشتر وقت‌ها نمازها را در پنج وقت می‌خواندند. در فقه شیعه نیز، خواندن نمازها در پنج نوبت مستحب و دارای فضیلت بیشتری است. البته گاهی اوقات هم پیامبر (ص) نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را به دنبال هم و بدون فاصله اقامه

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۵.

۲- همان، ص ۵۳.

۳- وسائل الشیعه، ابواب وضو، باب ۲۳.

ص: ۱۰۱

می‌کردنـد. این نوع نماز خواندن پیامبر (ص) در کتاب‌های اهل سـنت نیز روایت شده. (۱)دلیل خوانـدن نمازها به دنبال هم این بود که رسول خدا (ص) نمی‌خواست مسلمانان در زحمت و مشقت قرار گیرند.

ابن عباس می‌گوید: «پیامبر (ص) در مدینه وقتی که نه ترسـی وجود داشت و نه باران می‌آمد و نه مسافر بود، نماز ظهر و عصـر را با هم خوانـد و نمـاز مغرب و عشاء را با هم». از ابن عباس پرسـیدند: «چرا رسول خـدا (ص) نماز ظهر و عصـر و مغرب و عشا را با هم خوانـد؟» ابن عباس پاسـخ داد: «رسول گرامی نمی‌خواست هیـچ یک از افراد امتش به زحمت بیافتنـد». (۲)بنابراین اگر چه خواندن نمازعصـر و عشاء در وقت مخصوص دارای فضـیلت بیشتری است، اما این‌گونه نیست که خواندن این نمازها با هم، بر خلاف سـنت پیامبر (ص) باشد، در حالی که ایشان نیز در جاهایی این کار را کرده‌اند.

پرسش: چرا در مکه و مدینه شش بار در شبانه روز اذان می‌گویند؟

۱- صحیح مسلم، باب جمع الصلاتین، حدیث ۷۰۵.

۲- «عن ابن عباس: ان النبی ۹ جمع فی المدینهٔ بین الظهر و العصر و بین المغرب و العشاء من غیر خوف ولا مطر و لا سفر، قلت: لابن عباس لم فعل ذلک؟ قال: اراد ان لا یحرج احدا من امته». مسـند احمد، ج ۱، ص ۳۵۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱؛ السنن الکبری، ج ۳، ص ۱۶۷.

ص: ۱۰۲

پاسخ: اهل سنت برای نمازهای واجب پنج مرتبه اذان می گویند، پیش از طلوع فجر هم یک بار این کار را انجام می‌دهند. اذان پیش از طلوع برای این است که اگر کسی می‌خواهد روزه بگیرد برای خوردن سحری یا نماز شب و یا غسل، طهارت و آماده شدن برای نماز صبح، بیدار شود. (۱) امّا در فقه شیعه، سخنی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ص) درباره اذان گفتن قبل از طلوع فجر نرسیده است. در نتیجه مجوّزی برای گفتن اذان در این وقت نداریم.

پرسش: چرا سنی‌ها در اذان صبح می گویند: «الصلاهٔ خیر من النوم»؟

پاسخ: در بعضی از کتاب‌های اهل سنت ذکر شده که این جمله را «عمر بن خطاب» به اذان اضافه کردند.(۲) در بعضی دیگر از این منابع نقل شده که رسول خدا (ص) وقتی اذان را آموزش می‌داد، فرمان داد این جمله را در اذان صبح بگویند.(۳) اما آنچه در این‌باره در این کتاب‌ها آمده اعتبار ندارد و صحیح بخاری و صحیح مسلم این جمله را درباره اذان نقل

۱- «الآذان الأول قبل الفجر مشروع؛ لیرجع القائم و یوقظ النائم و ...» صلاهٔ المؤمن، ص ۱۴۹.

۲- موطأ مالک، ج ۱، ص ۷۲.

۳- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۷.

ص: ۱۰۳

نکرده‌اند. (۱) از نظر فقهای شیعه، بنابر روایت‌های اهل بیت (علیهم السلام) در اذان چنین جمله‌ای وجود ندارد و اضافه کردن آن به عنوان جزء اذان بدعت حرام است.(۲) پرسش: چرا اهل سنت هنگام شنیدن یا گفتن نام پیامبر (ص) صلوات نمی‌فرستند؟

پاسخ: هنگامی که در مسجد النبی یا مسجد الحرام نشسته‌ای و مؤذن نام مبارک پیامبر (ص) را می‌برد، در کمال ناباوری دیده می‌شود که نه گوینده و نه شنوندگان که آن سیل عظیم جمعیت را تشکیل می‌دهند، لب به صلوات نمی‌گشایند. اما وقتی به کتاب‌های آنان مراجعه می‌کنی می‌بینی، مانند شیعیان به صلوات اهمیت می‌دهند، اما در عمل کوتاهی می‌کنند.

در کتاب «صحیح مسلم» نقل شده که پیامبر (ص) فرمود:

هنگامی که مؤذّن اذان می‌گوید، جملات را مانند او تکرار کنید. سپس بر من صلوات بفرستید، زیرا هر کس یک بار بر من صلوات بفرستد، خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد. (۳)

۱- صحیح مسلم، باب صفة الاذان، حدیث ۳۷۹.

۲- جواهر الفقه، قاضی ابن براج، ص ۲۵۷؛ شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۶۰.

۳- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴. قال النبی ٩: «اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما یقول ثم صلّوا علی فانه من صلّی علیّ صلاةً صلّی الله علیه عشراً». مسند احمد، ج ۲، ص ۱۶۸، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۴۷.

ص: ۱۰۴

درود فرستادن بر پیامبر (ص) آن اندازه فضیلت دارد که بعضی از محققان اهل سنت، در این باره کتاب نوشته‌اند. قاضی «ابی اسحاق اسماعیل بن اسحاق» در کتاب «فضل الصلاهٔ علی النبی (ص)» روایت‌های فراوانی در ارزش صلوات جمع کرده. یکی از آن روایات این است که پیامبر (ص) فرمود:

إنَّ الْبَخِیلَ لَمَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ، فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ.(۱)

همانا بخیل کسی است که نزد او نام من برده شود و بر من صلوات نفرستد.

پرسش: چرا اهل سنت هنگام نماز دست‌هایشان را روی هم می‌گذارند؟

پاسخ: اهل سنت، به خاطر وجود برخی حدیث‌ها در کتاب صحیح بخاری و مسلم، می‌گویند مستحب است در حال نماز دست راست را روی آرنج دست چپ بگذارند.

از نظر فقهای شیعه، پیامبر و معصومین (علیهم السلام) در نماز، دست روی دست نمی‌گذاشتند، حتی امام باقر (ع) به پیروان خویش فرمود: «دست روی دست نگذارید، این کار را مجوسیان انجام می‌دهند».(۲)

۱- السنن الکبری، ج ۶، ص ۱۹؛ مستدرک الحاکم، ج ۱، ص ۵۴۹.

۲- وسائل الشیعه، ابواب قواطع الصلاهٔ، باب ۱۵، حدیث ۳.

ص: ۱۰۵

آنچه در فقه شیعه مستحب است، گذاردن دست‌ها روی ران‌ها است. ازاین‌رو از دیدگاه عالمان شیعه، گذاشتن دست روی دست به عنوان جزیی از نماز، سبب بطلان آن می‌شود.(۱) پرسش: امام جماعت اهل تسنن، چرا پس از تکبیرهٔ الاحرام، مقداری سکوت می‌کند؟

پاسخ: از نظر اهل سنت، پس از تکبیرهٔ الاحرام «دعای استفتاح» (شروع نماز)، جزء نماز است و دعاهای مختلفی در این زمینه نقل کرده‌اند. یکی از آنها دعایی است که از «ابوهریره» آورده شده است. وی می‌گوید: «رسول خدا (ص) بعد از گفتن تکبیرهٔ الاحرام و پیش از شروع قرائت نماز، مقداری ساکت می‌شدند. از ایشان پرسیدم: یا رسول الله (ص) بین تکبیر و قرائت چه می‌گویید؟ حضرت فرمودند: می‌گویم:

اللّهُمَّ باعِدْ بَیْنِی وَ بَیْنَ خَطایای کَما باعَدْتَ بَیْنَ الْمَشْرِقِ و الْمَغْرِبِ، اللّهُمَّ نَقِّنِی مِنْ خَطایایَ کَما یُنَقَّی الثَّوْبُ الابْیَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللّهُمَّ اغْسِلْنِی مِنْ خَطایای بِالثَّلْجِ وَ الْماءِ وَ الْبَرْدِ. (۲) بارالها بین من و خطاهایم فاصله بیانداز همان‌گونه که فاصله انداختی بین مشرق و مغرب، پروردگارا خطاهایم را پاک نما همانند پاک شدن لباس سفید از چرک‌ها. پروردگارا مرا از خطاها با برف و سرما و آب شست‌شو ده.

۱- شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۷۲؛ کتاب الطهارهٔ، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲- صلاهٔ المؤمن، ج ۱، ص ۱۹۱.

ص: ۱۰۶

گاهی دعاهای طولانی‌تر دیگری نیز می‌خوانند. بنابراین امام جماعت برادران سنی، سکوت نمی‌کند بلکه یکی از دعاهای آغاز نماز را که در کتاب‌های خودشان نقل کرده‌اند، به طور آهسته می‌خواند.

پرسش: چرا در ابتدای حمد و سوره «بسم الله الرحمن الرحیم» نمی‌گویند؟

پاسخ: در میان مذاهب اهل سنت، اختلاف است که آیا «بسم الله الرحمن الرحیم» بخشی از سوره‌های قرآن است یا خیر؟ ازاین‌رو مالکی‌ها در نماز «بسم الله الرحمن الرحیم» نمی‌گویند. حنبلی‌ها بلند نمی‌گویند، شافعی‌ها بلند می‌خوانند و حنفی‌ها یا نمی‌گویند یا آهسته می‌گویند.

اما بنابر روایت‌هایی که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، «بسم الله الرحمن الرحیم» جزیی از تمامی سوره‌ها غیر از سوره برائت به شمار می‌آید. خواندن آن هم در ابتدای حمد و سوره واجب است. در نماز ظهر و عصر نیز مستحب است که «بسم الله الرحمن الرحیم» بلند خوانده شود.

پرسش: چرا مسلمانان سنی موقع اقامهٔ نماز جماعت، پس از تمام شدن حمد «آمین» می‌گویند؟

پاسخ: اهل سنت به خاطر وجود یک روایت از «ابوهریره» بعد

ص: ۱۰۷

از «حمد» آمین می گویند.

اما از نظر شیعه و بر اساس احادیثی که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده، اگر کسی در نماز به عمد «آمین» بگوید، نمازش باطل است. زیرا گفتن «آمین» جزء نماز نیست و اضافه کردن آن به نماز، حرام است.

فقهای شیعه مستحب می‌دانند که مأموم بعد از شنیدن وَلَاالضَّالِّینَ امام جماعت، «الحمد لله رب العالمین» بگوید، زیرا امام صادق (ع) فرمود: «وقتی پشت سر امام جماعت نماز می‌خوانی، بعد از تمام شدن سوره حمد بگو «الحمد لله رب العالمین» و «آمین» نگو».(۱)

پرسش: چرا اهل سنت در حال تشهد انگشت خود را حرکت می‌دهند؟

پاسخ: اهل سنت بر اساس بعضی از روایات که در کتاب‌های خودشان نقل کرده‌اند، معتقدند: «پیامبر (ص) در حال تشهد انگشت اشاره خود را حرکت می‌داد و با آن اشاره می کرد». مذاهب اهل سنت در برداشت از این سخن اختلاف نظر دارند: «مالکی‌ها در حال تشهد انگشت خود را به صورت مکرر تکان می‌دهند. حنفی‌ها هنگامی که می گویند «لا اله» انگشت را به طرف بالا می‌برند و وقتی

۱- وسائل الشیعه، باب ۱۷، ابواب قرائت در نماز، حدیث ۱.

ص: ۱۰۸

«الا الله» را می‌گوینـد، پایین می‌آورنـد. حنبلی‌ها وقتی نام خـدا را بر زبان می‌آورنـد با انگشت اشاره می‌کنند. اما شافعی‌ها در تشـهد اول بـا گفتن «الّـا الله» انگشت را بالاـ برده و تا هنگام ایسـتادن بالا نگه می‌دارنـد. در تشـهد دوم نیز بـدون حرکت انگشت خود را تا پایان تشـهد به طرف بالا نگه می‌دارنـد». (۱) امـا به نظر شـیعیان بر اسـاس آنچه از اهل بیت (علیهم السـلام) روایت شـده قرار دادن دست‌ها بر روی ران‌ها- بدون حرکت- مستحب است و دلیلی قابل اطمینان، بر آنچه اهل سنت انجام می‌دهند، وجود ندارد.

پرسش: چرا برخی از نمازگزاران اهل سنت، هنگام نماز به شدت مانع رد شدن عابرین از روبه‌روی خود می‌شوند؟

پاسـخ: برخی از مـذاهب اهـل سـنت مثل حنفی و مالکی عبور از مقابل نمازگزار را حرام می‌داننـد و معتقدنـد این کار موجب باطل شدن نماز می‌گردد. آنان می‌گویند: «نمازگزار باید هر طور شده از این کار جلوگیری کند».

شافعی‌ها این عمل را در پاره‌ای موارد حرام می‌دانند و از دیدگاه حنبلی‌ها این کار مکروه به شمار می‌آید و بهتر است نمازگزار با

۱- الفقه علی المذاهب الاربعهٔ، ج ۱، الاشارهٔ بالاصبع السبابهٔ فی التشهد.

ص: ۱۰۹

اشاره جلوی عابر را بگیرد». (۱) از دیدگاه فقهای شیعه، نماز خواندن در محل عبور و مرور مکروه است، مگر اینکه نمازگزار چیزی مانند تسبیح و مانند آن را روبه‌روی خود بگذارد. البته در این صورت کراهت آن برطرف می‌شود ولی نمازگزار نسبت به جلوگیری از عبور دیگران هیچ وظیفه‌ای ندارد.

پرسش: چرا امام جماعت اهل سنت، گاهی در نماز سوره سجده‌دار می‌خواند؟

پاسخ: بر اساس روایت‌هایی که اهل سنت در کتاب‌های خود دارند، قرائت سوره‌های سجده‌دار را در نماز جایز می‌دانند و این کار را گاهی در نمازهای صبح انجام می‌دهند.(۲)

وظیفه شیعیان

در فقه شیعه، بر اساس حدیث‌های رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) خواندن چهار سوره سجده دار در نمازهای واجب جایز نیست. بنابراین، هنگامی که شیعیان در نماز اهل سنت شرکت می کنند پس

۱- الفقه علی المذاهب الاربعهٔ، ج ۱، حکم المرور بین یدی المصلی.

۲- صحیح بخاری، کتاب الاذان، باب القرائهٔ فی العشاء بالسجدهٔ، حدیث ۷۶۸ و باب الجهر فی العشاء، حدیث ۷۶۶؛ صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب جود التلاوهٔ، حدیث ۵۷۸.

ص: ۱۱۰

از قرائت آیه سجده، باید سجده کنند و پس از نماز باید نماز را اعاده نمایند. (۱) پرسش: چرا اهل سنت در نماز جماعت سوره‌های بلند می‌خوانند و نماز را طولانی می‌کنند؟

پاسخ: طولانی کردن نماز جماعت و قرائت سوره‌های بزرگ، خلاف دستور اسلام و روایاتی است که در کتاب‌های اهل سنت آمده. در صحیح بخاری ومسلم نقل شده که به رسول خدا (ص) خبر دادند که امام جماعتی، نمازش را طولانی می‌کند. حضرت غضب کرده به مسلمانان فرمود:

برخی از شما مردم را از شرکت در جماعت باز می‌دارند، هر کس امام جماعت شد باید نماز را کوتاه و سبک برگزار نماید، زیرا در میان نمازگزاران مریض، ناتوان و صاحب حاجت وجود دارد. (۲)بنابراین، طولانی کردن نماز جماعت، خلاف سنت و روش پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) است.

۱- احتیاط واجب است که نماز را اعاده کنند

۲- «فأیکم امّ الناس فَلْیَخْفف فان فیهم المریض و الضعیف و الکبیر و ذا الحاجهٔ». صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۷۲؛ صحیح مسلم، حدیث ۴۶۶ و همانند آن در المسند شافعی، ص ۵۱؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۱.

ص: ۱۱۱

پرسش: چگونه است که در هنگام نماز جماعت در مکه و مدینه اکثر مغازه‌ها بسته می‌شود؟

پاسخ: بر اساس نظر برخی مذاهب اهل سنت، شرکت در نماز جماعت بر مردان واجب است. حنبلی‌ها می گویند: «بر مرد چه حاضر باشد یا مسافر، واجب است نمازهای پنج گانه شبانه روز را به جماعت بخواند». (۱) به همین دلیل مأموران پلیس عربستان در وقت نماز، مغازه‌داران را وادار به بستن مغازه‌ها و حضور در مسجد می کنند. در صورت تخلف هم مشمول جریمه‌هایی می‌شوند که برای آنان در نظر گرفته شده است.

پرسش: اگر در هنگام اذان یا بعد از آن، در حال خروج از مسجد باشی، به شدت مورد اعتراض واقع می‌شوی، علت چیست؟

پاسخ: همان گونه که در قسمت پیشین گفته شد، بعضی از آنان شرکت در نماز جماعت را واجب می‌دانند. علاوه بر این گروهی از ایشان خارج شدن از مسجد پس از اذان را حرام می‌دانند و فقط به خاطر تجدید وضو یا ضرورت، آن را جایز می‌شمارند. به همین سبب کسی که در حال خروج است به شدت مورد اعتراض

۱- الفقه علی المذاهب الاربعهٔ، ج ۱، الامامهٔ فی الصلاهٔ، حکم الامامهٔ فی الصلوات الخمس و دلیله.

ص: ۱۱۲

قرار می گیرد.

از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) نیز خارج شدن از مسجد بعد از اذان یا هنگام نماز امری ناپسند و مکروه است، اما نه اینکه حرام باشد. با این حال بسیار مناسب است که شیعیان در مکه و مدینه از این کار بپرهیزند تا مورد اتهام و نسبت بی‌موالاتی به نماز قرار نگیرند.

پرسش: چرا در نماز جماعت مکه و مدینه بدون اینکه صف‌های نماز به هم متصل باشد به امام جماعت اقتدا می کنند؟

پاسخ: اهل تسنن بر خلاف آنچه شیعیان معتقدند، اتصال در نماز جماعت را شرط نمی‌دانند. برخی از آنان تنها زیر یک سقف بودن، را کافی می‌دانند. عده‌ای دیگر نیز اقتدا در خارج از مسجد و روی بام را صحیح می‌دانند. البته به شرط اینکه صدای امام جماعت- اگر چه با بلندگو باشد- شنیده شود. گروهی دیگر هم تا صد و پنجاه متر فاصله را- اگر در یک مکان باشد- جایز می‌دانند.

پرسش: چرا اهل سنت برای شرکت در نماز جمعه اهتمام جدی دارند؟

پاسخ: دلیل شرکت عموم آنان و اهتمامشان به نماز جمعه، این است که همه مذاهب چهارگانه آنان، شرکت در نماز جمعه را برای

ص: ۱۱۳

مردان واجب عینی می‌داننـد، و فقط مسافران را از این قاعـده مسـتثنی کرده‌انـد.(۱) پرسـش: گـاهی متوجه می‌شویم که در هتل‌های مکه و مدینه، دستشویی دقیقاً رو به قبله است. چرا این مسأله را رعایت نمی‌کنند؟

پاسـخ: بیشتر پیروان اهل سـنت معتقدنـد، اگر انسان در مکانی که دارای دیوار است، تخلی کنـد؛ می‌توانـد رو به قبله یا پشت به قبله باشـد. امـا اگر در بیابان و مکان بـدون حصار باشـد، تخلی رو به قبله و پشت به آن حرام است. ازاین‌رو در ساختن هتل‌ها به این امر توجه نمی‌کنند.

در میان مذاهب چهارگانه، مالکی‌ها، حنبلی‌ها و شافعی‌ها می‌گویند:

تخلی کردن رو و پشت به قبله، چنانچه در ساختمان باشـد حرام نیست، اما اگر در صـحرا باشد، حرام است. و حنفی گفته است: این کار مطلقاً جایز نیست. (۲) البته این فتوا با بعضی از روایات خود اهل سنت، در تضاد است. به این روایت توجه کنید:

۱- الفقه علی المذاهب الاربعهٔ، ج ۱، مباحث الجمعهٔ و دلیله.

۲- همان، کتاب طهارت، آداب قضاء حاجت.

ص: ۱۱۴

ابوایوب انصاری می گوید، رسول خدا (ص) فرمودند:

إذا اتی احَدَکُمُ الْغائِط فَلا یَسْتَقْبِلِ الْقِبْلَهَ وَ لا یُوَلِّها ظَهْرَهُ شَرِّقُوا او غَرِّبُوا. (۱)

هنگامی که یکی از شما می‌خواهد تخلی کند، نباید رو یا پشت به قبله باشد، بلکه به سمت شرق یا غرب قرار بگیرد.

همان گونه که می‌بینید به روشنی از حدیث برمی‌آید که هنگام تخلی رو یا پشت قبله بودن جایز نیست. اما اینکه به چه دلیل اهل سنت به این روایت عمل نمی کنند برای ما هم مشخص نیست.

در فقه شیعه، هنگام تخلی نباید جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله باشد.

به همین دلیل اگر کسی متوجه شد که دستشویی هتل، یا هر مکان دیگر رو به قبله یا پشت به آن است، باید رعایت کند، اما گفتن به دیگران نیاز نیست.

پرسش: چرا برخی از سلفی‌ها ریش خود را بسیار بلند می گذارند؟

پاسخ: گروهی مانند وهابی‌ها، تراشیدن و کوتاه کردن ریش را

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۵؛ المصنف، ج ۱، ص ۱۷۶؛ المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۴۳.

ص: ۱۱۵

حرام می‌دانند. از این رو، افرادی همانند مأموران امر به معروف و نهی از منکر، یا کسانی که در مسیر علوم دینی آنها هستند، برای نشان دادن دین‌داری خویش چنین می کنند.

پرسش: چرا اهل سنت در نماز، قنوت نمی گیرند؟

پاسخ: شیعیان قنوت را مستحب و محل آن را قبل از رکوع دوم می‌دانند. اما اهل سنت در اصل و محل قنوت اختلاف دارند. آنان هنگام بروز حوادث و پیش آمدهای ناگوار، خواندن قنوت را مستحب می‌دانند.

البته ناگفته نماند که خواندن قنوت در رکعت آخر نماز شب- نماز وتر- را مستحب می‌دانند. همچنین در رکعت آخر نماز «تراویح» که در شب‌های ماه رمضان به جماعت می‌خوانند، گاهی بعد از رکوع رکعت دوم، قنوت می گیرند.

پرسش: وقتی «مسجد الحرام» نجس می‌شود، چرا آن را بسیار سطحی، تطهیر می کنند؟

پاسخ: هنگامی که زمین مسجد نجس می‌شود، کمی مایع می‌ریزند و با پارچه‌ای آن را پاک می کنند، در اصل گویا تطهیری انجام نمی‌دهند. به این دلیل که از نظر اهل سنت از بین رفتن عین نجاست برای پاک شدن اشیای صیقلی کافی است و نیازی به آب

ص: ۱۱۶

کشیدن نیست؛ جزیری می گوید:

از بین رفتن و زایل شدن عین نجاست در اشیای صیقلی، از پاک کننده‌ها به شمار می‌رود. همین که عین نجاست از مثل سنگ، آهن، مس، شمشیر، آینه، ناخن، استخوان و امثال آن، برطرف شد، پاک می‌شود. زمین نجس هم به محض اینکه خشک شود پاک می گردد.(۱) دیدگاه شیعیان این است که، زمین نجس باید با آب شسته شود و اگر آب قلیل است باقی‌مانده آن جمع شود و برداشته شود. همچنین آفتاب که یکی از پاک کننده‌هاست، با پنج شرط زمین، دیوار و ساختمان را پاک می کند، که در بیشتر وقت‌ها شروط لازم برای پاک شدن آن فراهم نمی‌شود.

پرسش: چرا اهل سنت پس از برخاستن از رکوع، توقفی نسبتاً طولانی می‌نمایند؟

پاسخ: ایستادن آنان پس از رکوع برای خواندن دعایی است که بعد از گفتن «سمع الله لمن حمده» آن را مستحب می‌دانند. آن دعا چنین است:

رَبَّنا لَکَ الْحَمْدُ، مِلْءَ السَّماواتِ وَ مِلْءَ الارْضِ وَ مِلْءَ

۱- الفقه علی المذهب الاربعهٔ، ج ۱، کتاب طهارت.

ص: ۱۱۷

ماشِئْتَ مِنْ شَیْءٍ بَعْدُ اهْلَ الثَّناءِ وَ الْمَجْدِ احَقَّ ما قالَ الْعَبْدُ وَ کُلُّنا لَکَ عَبْدٌ اللّهُمَّ لا مانِعَ لِما اعْطَیْتَ وَلا مُعْطِی لِما مَنَعْتَ وَ لا یَنْفَعُ ذَا الجَدِّ مِنْکَ الجَدّ ... (۱)

پرسش: چرا مکبّر «مسجد الحرام» و «مسجد النبی» بعد از رکوع می گوید: «ربّنا و لک الحمد»؟

پاسخ: چون آنها بعد از رکوع، خواندن دعایی که در پاسخ سؤال قبل آمد را، مستحب می‌دانند، از آن جایی که جمله اول این دعا «ربنا و لک الحمد» است، مکبّر آنان این عبارت را می گوید تا نمازگزاران به خواندن آن مشغول شوند.

پرسش: چرا قبل از مغرب اذان مغرب را می گویند؟

پاسخ: هنگامی که آفتاب غروب می کند، اهل سنت اذان می گویند. زیرا آنان پنهان شدن خورشید را در افق، نشانه مغرب می‌دانند؛ در کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه» درباره مغرب آمده است: «یبتدأ المغرب من مغیب جمیع قرص الشمس»(۲) ؛ «هنگامی که تمام قرص خورشید در افق پنهان شود، مغرب آغاز می‌شود».

بنابر این بر اساس فقه اهل سنت، به محض غروب خورشید

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۸۵؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱.

ص: ۱۱۸

مغرب آغاز می‌شود و می‌توان نماز خواند. ازاین‌رو اگر منتظر جمع شدن مردم برای نماز جماعت نباشند، بلافاصله نماز می‌خوانند. در ماه رمضان هم، با غروب خورشید، افطار می کنند.

اما به نظر مشهور فقهای شیعه، افطار در این وقت جایز نیست و هنوز وقت نماز مغرب داخل نشده. اما چون به طور معمول آنان بعد از اذان حدود ده دقیقه صبر می کنند تا مردم برای نماز آماده شوند، مغرب از دیدگاه فقهای شیعه نیز رخ داده و می‌توان با آنان نماز خواند. ولی در صورتی که انسان نداند وقت داخل شده و با آنان نماز بخواند، این نماز کافی نیست.

پرسش: چرا اهل سنت در افطار روزه عجله می کنند؟

پاسخ: همان‌طور که گفته شد در فقه ایشان، با غروب خورشید، مغرب فرا می‌رسد. اما عجله آنها برای افطار و منتظر نشستن سر سفره از پیش از افطار، به این دلیل است که مستحب می‌دانند پس از غروب خورشید با عجله افطار کنند. (۱)دلیل آنها، حدیثی از پیامبر (ص) است که در کتاب‌های خودشان نقل کرده‌اند: «لا یَزالُ النّاسُ بِخَیْرٍ ما عَجَّلُوا الْفِطر» (۲)؛ «مردم پیوسته در

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۴۱؛ کتاب المسند شافعی، ص ۱۰۴؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۳۳۱؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۱.

ص: ۱۱۹

خیر و نیکی هستند تا وقتی که در افطار کردن عجله کنند».

در فقه ما مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار بخواند. ولی اگر کسی منتظر اوست یا میل زیادی به غذا دارد که نمی‌تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند. ولی تا آنجا که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن به جا آورد. (۱) پرسش: چرا اهل تسنن، نماز میت را در مسجد می‌خوانند؟

هنگامی که نماز جماعت در مسجد النبی تمام می‌شود، بیشتر وقت‌ها نماز میت می‌خوانند. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که چرا آنها نماز میت را در مسجد می‌خوانند.

پاسخ: بنابر آنچه در فقه اهل سنت آمده، اصل نماز میت واجب کفایی است. یعنی اگر یک یا چند نفر نماز میت را بخوانند، کافی بوده و از دیگران ساقط می‌شود. اما شرکت کردن در این نماز، برای دیگران نیز مستحب است. همچنین مستحب است نماز را به جماعت و در مکانی بخوانند که جمعیت بیشتری در آن حضور دارند. از این رو، نماز میت را در مسجد و بعد از نماز جماعت می‌خوانند.

۱- توضیح المسائل مراجع.

ص: ۱۲۰

پرسش: سنی‌ها چگونه نماز میت می‌خوانند و نماز آنان چه تفاوتی با نماز میت شیعیان دارد؟

پاسخ: آنها در نماز میت، چهار تکبیر می گویند. بعد از تکبیر اول، «اعوذ بالله و بسم الله و حمد» را آهسته می‌خوانند و مستحب می‌دانند یک سوره کوتاه یا چند آیه خوانده شود.

پس از تکبیر دوم هم چنین می‌خواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِید.

سپس تکبیر سوم را می گویند و دعاهای مختلفی (کوتاه یا بلند) برای میت می‌خوانند. آن‌گاه تکبیر چهارم را گفته و بعد از آن می گویند: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ». (۱)

احکام نماز میت در فقه شیعه

بر اساس فقه شیعه، نماز میت دارای پنج تکبیر است. بعد از تکبیر اول گفته می‌شود: «اشْهَدُ انْ لا إلهَ إلَّا اللهُ وَ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله» بعد از تکبیر دوم: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، بعد از تکبیر

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۸۱؛ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۷۸.

ص: ۱۲۱

سوم: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ»، بعد از تکبیر چهارم اگر مرد است: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِهذَا الْمَیِّت» و اگر زن است: «اللّهُمَّ اغْفِرْ لِهذِهِ الْمَیِّتَهْ» و سپس تکبیر پنجم را می گویند و نماز تمام می‌شود.

البته پس از هر تکبیر دعاهای مستحبی وارد شده که در منابع فقهی آمده است.

پرسش: چرا اهل سنت بعد از سجده دوم بی‌درنگ بلند می‌شوند؟

پاسخ: اهل سنت، جلسه استراحت را واجب نمی‌دانند و به آن پای‌بند نیستند. ازاین‌رو بلافاصله پس از سجده دوم بلند می‌شوند. البته کتاب‌های معتبر اهل سنت، روش نماز خواندن پیامبر (ص) چنین ذکر کرده‌اند:

إذا رَفَعَ رَأسَهُ مِنَ السَّجْدَهِٔ الثّانِیَهِٔ جَلَسَ وَاعْتَمَدَ عَلَی الارْضِ ثُمَّ قام. (۱)

رسول خدا (ص) بعد از سجده دوم می‌نشست، سپس می‌ایستاد.

بر اساس نظر برخی از فقهای شیعه در رکعت اول و سوم نماز که دارای تشهد نیست، احتیاط واجب این است که نمازگزار بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد.(۲)

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱.

ص: ۱۲۲

پرسش: چرا اهل سنت در هنگام سلام نماز، به سمت راست و چپ برمی گردند و به هر طرف یک سلام می‌دهند؟

پاسخ: اهل سنت و برخی از فقهای شیعه مستحب می‌دانند که نمازگزار هنگام سلام، ابتدا صورتش را به سمت راست برگرداند و سلام دهد و سپس به طرف چپ برگشته، سلام دیگری بگوید. (۱) پرسش: هنگام تمام شدن نماز چرا اهل سنت تکبیر نمی گویند؟ و وقتی از شیعیان این کار را می‌بینند ناراحت می‌شوند؟

پاسخ: آنها تکبیر گفتن بعد از سلام نماز را مستحب نمی‌دانند، ازاین‌رو در هنگام سلام تکبیر نمی گویند. (۲) اما در فقه شیعه مستحب است، پس از سلام آخر نماز سه مرتبه تکبیر گفته شود و هنگام تکبیر دست‌ها بلند گردد.(۳) پرسش: چرا بعضی از اهل تسنن هنگام طواف، لباس

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲- همان.

۳- توضیح المسائل مراجع.

ص: ۱۲۳

احرام را از زیر بغل راست به شانه چپ می‌اندازند، طوری که شانه راست آنان برهنه و شانه چپ پوشیده می‌شود؟

پاسخ: بعضی از سنی‌ها معتقدند: مستحب است مردان در حال طواف، لباس احرام را به گونه‌ای بر شانه چپ بیندازند که شانه راست آنان برهنه باشد.(۱) امّا فقه شیعه، مردان باید به گونه‌ای لباس احرام بر شانه بیاندازند که «ردا» بر آن صدق کند و دو شانه را بپوشاند.

پرسش: چرا امام جماعت اهل تسنن، پس از سلام نماز، به طور کامل به قبله پشت می‌کند و به طرف نمازگزاران برمی‌گردد؟

پاسخ: از نظر ایشان، مستحب است امام جماعت پس از نماز، به طرف مأمومین برگردد. زیرا روایاتی نقل می‌کنند که رسول خدا (ص) بعد از نماز به سوی نمازگزاران برمی‌گشت و برای مردم صحبت می‌فرمود.(۲)

البته قحطانی در کتاب خود دلیل دیگری هم آورده است. وی می‌گوید:

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۵۵.

۲- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۵.

ص: ۱۲۴

دلیـل این کـار آن است که امـام جمـاعت، به علت حق امامت، بر نمازگزاران پشت می‌کنـد. پس از تمام شـدن نماز این حق وجود ندارد. بنابراین، برای برطرف شدن حسّ برتری جویی امام بر مأمومین، به سوی آنان رو می‌کند و به طرف آنان می‌نشیند. (۱)

۱- صلاهٔ المؤمن، ص ۲۶.

ص: ۱۲۵

فصل چهارم: پرسش‌هایی درباره اسرار و فلسفه اعمال

اشاره

ص:۱۲۶

ص: ۱۲۷

مقدمه

اشاره

حس کنجکاوی انسان، او را وا می‌دارد تا در جست‌وجوی یافتن دلیل کارهایی باشد که انجام می‌دهد. یکی از پرسش‌های مهم در بین حج و عمره‌گزاران، پرسش از اسرار و حکمت اعمال و مناسک است.

باید توجه داشت که فلسفه‌های احکام، علت کامل تشریع نیستند و پی بردن به اسرار، پس از اطمینان و استخراج احکام از قرآن، روایات و عقل در محدوده‌ای مشخص، صورت می‌گیرد و هر چند در انجام دستورات الهی هر مسلمانی می‌بایست شرط بندگی را به جای آورد و بدون چون و چرا تسلیم باشد و انجام دهد اما توجّه به اسرار و فلسفه احکام، اراده انسان را تقویت می‌کند که با توجّه و علاقه بیشتری آنها را انجام دهد. از طرفی به او آرامشی دو چندان می‌بخشد و سبب شادابی معنوی‌اش می‌شود.

پرسش: حکمت احرام چیست؟

پاسخ: پس از نیت حج یا عمره و پوشیدن لباس احرام؛ با گفتن «تلبیه» (لبیک اللهم لبیک ...) احرام محقق می‌شود. احرام دارای حکمت‌های مختلفی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

ص: ۱۲۸

۱. نزدیک شدن به خدا

تمام راز حج و عمره، تقرّب به خدا و رسیدن به رحمت الهی است، در این میان احرام انسان را به طور ویژه برای نزدیک شدن به خدا آماده می کند. زیرا از آن جایی که لباس دوخته و رنگارنگ، لباس زینت و زیبایی است و سبب تفاخر بر امتیازات ظاهری می‌شود، احرام بستن خط بطلان کشیدن بر روی هوا و هوس‌ها و دست رد بر امتیازات و مبارزه با ظاهر گدایی و تجمل گرایی‌هاست از این‌رو حج و عمره از کسی قبول خواهد شد که با پوشیدن لباس احرام، تمرین تقوا و اهمیت دادن بر لباس تقوا را بنماید نه بر تجملات ظاهری.

۲. برای خشوع

یکی از حکمت‌های وجوب احرام، این است که انسان در برابر حضرت حق، خاشع شود. امام رضا (ع) می‌فرماید:
إنَّما امِرُوا بِالإحْرامِ لِيَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ الله وَ أمْنَه.(۱)
همانا مردم به احرام مأمور شدند تا قبل از داخل شدن در حرم خداوند و منطقه امن او، خاشع شوند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۳؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۸.

ص: ۱۲۹

۳. برای توجه به خدا و دوری از دنیا

لباس ساده احرام، انسان را به سوی زیبایی‌های روح و درون، هـدایت می کنـد. چراکه اگر انسان می‌خواهد به ملاقات خداوند برود، باید دل را از وابستگی‌های دنیا و مظاهر آن، رها سازد.

امام رضا (ع) می‌فرماید: مردمان دسـتور یافتند تا احرام بپوشند، «لِئَلّا یَلْهُوا وَ یَشْتَغِلُوا بِشَیءٍ مِنْ امُورِ الدُّنْیا وَ زِینَتِها وَ لَذّاتِها»(۱) ؛ «تا از امور دنیا و زیبایی‌ها و لذت‌های آن روی برگردانند».

۴. عزم راسخ

یکی از رازهای احرام، این است که حاجی، یا عمره گذار با عزمی راسخ به سوی مقصود خویش حرکت کند و دشواری‌های مسـیر او را خسته نکند. امام رضا (ع) در روایت دیگری می‌فرماید:

وَ یَکُونُوا صابِرِینَ [جادّینَ] فِیما هُمْ فِیهِ قاصِدِینَ نَحْوَه، مُقْبِلِینَ عَلَیْهِ بِکُلِّیَّتِهِمْ.(۲)

از اسـرار احرام اینکه، انسان در مسیری که به سوی آن حرکت می کند، عزمی استوار داشته باشد و با تمام وجودش به سوی او روی آورد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۳؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۸.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۴؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۸.

ص: ۱۳۰

پرسش: اسرار چیزهای که باید در احرام ترک شوند، چیست؟

پاسخ: پس از احرام بیست و چهار چیز بر محرم حرام می‌شود که هجده مورد آن میان مردان و زنان مشترک، چهار مورد اختصاصی مردان و دو مورد اختصاص به زنان دارد.

محرمات مشترک میان زن و مرد:

۱. استفاده از هر نوع بوی خوش مثل مشک، زعفران، کافور، عود و عنبر و پوشیدن لباسی که به آن عطر زده‌اند.

۲. نگریستن در آینه.

۳. سرمه کشیدن برای زینت.

۴. روغن مالیدن به بدن اگر چه بوی خوش هم نداشته باشد.

۵. انگشتر به دست کردن برای زینت، ولی اگر برای ثواب باشد اشکالی ندارد.

۶. شکار کردن حیوان‌های صحرایی.

۷. هرگونه لذت جنسی زن و مرد از یکدیگر. مثل بوسیدن، دست زدن با شهوت و مسائل زناشویی.

۸. استمنا.

۹. عقد کردن، به عقد درآمدن، شاهد عقد بودن.

۱۰. زدودن مو از بدن خود یا دیگران چه محرم باشند یا نباشند.

۱۱. کشیدن دندان.

ص: ۱۳۱

۱۲. چیدن ناخن دست و پا با هر وسیله.

۱۳. فسوق، دروغ گفتن، فحش دادن (فخر به دیگران نیز فسوق به شمار می‌آید).

۱۴. جدال (گفتن «لا والله» و «بلی والله» و کلمه‌هایی به معنای آن).

۱۵. کشتن جانوران ساکن در بدن، مثل شپش و کیک (کک).

۱۶. سلاح بستن.

۱۷. کندن گیاهی که در حرم روییده باشد.

۱۸. بیرون آوردن خون از بدن.

محرمات مخصوص مردان

۱. استظلال (سایه قرار دادن مرد بالای سر خود) ولی برای زنان و بچه‌ها اشکال ندارد. (این حرمت اختصاص به طی منزل (۱)دارد).

۲. پوشیدن لباس دوخته شده مثل پیراهن، قبا و مانند آن.

۳. پوشیدن آنچه روی پا را به طور کامل می‌گیرد. بنابراین پوشیدن کفش، جوراب و مانند آنکه روی پا را می‌پوشاند حرام است.

۱- مراد از طی منزل، رفتن از مدینه به مکه و یا از مکه به سوی عرفات و منی در روز آفتابی است که در حال رفتن نباید زیر ماشین سقف‌دار و یا چتر باشد.

ص: ۱۳۲

۴. پوشاندن سر با چیزهای پوششی برای مردان و خشک کردن سر با حوله، دستمال و مانند آن.

محرمات مخصوص زنان

۱. استفاده از زیور.

۲. پوشانـدن رو بـا نقـاب، روبنـد، برقع و یا هر پارچه دیگر. بنابراین زن محرم نمی‌توانـد حوله را به صورت خود بچسـباند.(۱) حرام شدن این امور بر محرم دارای حکمت است. امام صادق (ع) در بیان اسرار کلی محرمات احرام می‌فرماید:

وَ احْرِمْ عَنْ کُلِّ شَیْءٍ یَمْنَعُکَ عَنْ ذِکْرِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ یَحْجُبُکَ عَنْ طاعَتِهِ.(۲)

محرم از زمانی که احرام می‌بندد باید بر خود حرام کند، هر آنچه او را از یاد خداوند باز می‌دارد و مانع اطاعت خداوند می گردد. انسان با پوشـیدن لباس احرام، جامه بندگی خداوند را می‌پوشد. بنابراین باید از دروغ، فحش و فخر فروشـی که سبب خشم خداوند می گردد، دوری کند. زیرا این کارها با روح حج و عمره سازگار نیست.

حاجی و عمره‌گذار با بر تن کردن لباس احرام، سیر معنوی خود

۱- برای توضیح هر یک از این موارد ر. ک: مناسک حج، صص ۱۹۳- ۲۵۴.

۲- محجهٔ البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۷.

ص: ۱۳۳

را به سوی خداوند آغاز می کنند. ازاین‌رو در این سفر از لذت‌های جنسی و حیوانی دوری می کنند تا غیر از خدا هیچ گونه دل مشغولی نداشته باشند. تا جایی که از تصرف در بدن خود و دیدن آن در آینه و زینت خویش نیز باید پرهیز کنند.

رمز حرمت نگاه در آینه، این است که باید از خود گذشت و خویش را نادیده گرفت. زیرا دیدن خود، از دیدن خدا جلوگیری می کند.

محرم سلاح برنمی‌دارد، حیوانات را نمی کشد و حتی درختان حرم را از بین نمی‌برد، تا تمرین کند با عالَم و آدم چگونه رفتار نماید و امنیت و آرامش را برای همگان بخواهد و بیاموزد که چطور گوش به فرمان آفریدگار باشد و فرامین کوچک و بزرگِ او را اطاعت کند.

پرسش: اسرار و فلسفه طواف چیست؟

پاسخ: بر اساس آنچه در احادیث آمده، دو هزار سال پیش از فرود آمدن آدم (ع)، فرشتگان دور خانه خدا طواف می کردند و هنگام طواف «سُبْحانَ اللهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا إلهَ إلَّا اللهُ وَ اللهُ اکْبر» می گفتند.

فرشتگان بعد از بنای کعبه، شیوه طواف کردن را به حضرت آدم (ع) آموختند. آنان پیش روی او حرکت می کردند، تا اینکه آدم (ع) هفت دور طواف نمود.

ص: ۱۳۴

داشتن وضو و غسل و پاکیزگی از نجاست از شرایط طواف است. رمز این شرط از شرایط طواف آن است که به طواف کننده بگوید، بدون پاک شدن ظاهر و باطن، لایق طواف خانه معبود نمی‌شود.

لباس طواف هم باید مباح باشد و از مال حلال تهیه شود تا حاجی تمرین کند در دیگر لحظه‌های زندگی نیز از اموال حلال استفاده کند. همچنین نباید از ابریشم خالص باشد تا بداند که باید از تجمل، فخر فروشی و زینت‌های اضافی دوری نماید.

در طواف نباید از «مطاف» خارج شد و باید شرایط آن را رعایت کرد، تا نشانه بندگی و عشق به خدا آشکار گردد و طواف کننده متوجه باشد که نباید از چارچوب بندگی خارج شود.

شروع و پایان این عمل با «حجر الاسود» است تا انسان دریابد که آغاز و پایان انسان به خداوند متعال منتهی می‌شود. زیرا این سنگ با ارزش نشانه‌ای از خداوند است.

پرسش: حکمت نماز پشت مقام چیست؟

پاسخ: بر اساس برخی آیه‌های قرآن، خداوند کعبه را موجب برپایی مردم قرار داده است:

جَعَلَ اللهُ الْکَعْبَهَٔ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ (مائده: ۹۵)

خداوند کعبه- بیت الحرام- را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشی به کار مردم قرار داده.

ص: ۱۳۵

نماز نیز ستون دین و قبله نماز هم کعبه است. ازاین‌رو پیوندی محکم بین کعبه و نماز وجود دارد.

مقام، سنگی است که نشانی از ابراهیم خلیل دارد. نماز در پشت مقام، این نکته را بیان می‌کند که رسیدن به وصال خداوند نیازمند امام و راهنما است.

ابی حمزه می‌گوید: امام باقر (ع) در مسجد الحرام نشسته بود و طواف‌کنندگان را می‌نگریست. به من فرمود: ای ابی حمزه، این مردم به چیزی امر شده‌اند؟ گفتم: نمی‌دانم. امام فرمود:

إِنَّمَا امِرُوا انْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الاحْجارِ ثُمَّ يَأْتُونا فَيُعْلِمُونا وَلايَتَهُم.(۱)

آنان فرمان یافته‌اند که پس از طواف این سنگ‌ها نزد ما آیند و ولایت‌شان را بر ما عرضه کنند.

بنابراین، نماز پشت مقام، قرار گرفتن پشت سر امام و رهبر و هدایت به سوی خداوند است.

پرسش: حکمت سعی میان صفا و مروه چیست؟

پاسخ: صفا در جنوب شرقی و مروه در شمال مسجد الحرام واقع شده‌اند و فاصله آن دو ۴۲۰ متر است. طبق آنچه در احادیث

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۳.

ص: ۱۳۶

آمده، اصل سعی، شیوه‌ای ابراهیمی بوده و نشانه تلاش هاجر، مادر حضرت اسماعیل است.

حضرت ابراهیم (ع) به فرمان خداوند، همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل را در سرزمین خشک مکه رها کرد و رفت. اسماعیل تشنه بود و هاجر، در پی آب. نخست به صفا رفت و صدا زد: «هَلْ بِالْوادِی مِنْ انِیسٍ»؛ «آیا در این سرزمین مونس و همدمی هست؟»

سپس به مروه رفت. این کار را هفت بار تکرار کرد. آن‌گاه نزد فرزندش اسماعیل آمد و دید زیر پای او چشمه‌ای جوشان (زمزم) پیدا شده است. (۱)

با سعی میان صفا و مروه، تلاش هاجر- آن زن با ایمان- یادآوری می‌شود. انسان بین ترس و امید قرار می‌گیرد. شخصی که میان این دو کوه سعی می‌کند، همچون کسی است که در درگاه پادشاهی رفت و آمد می‌کند و اظهار خلوص خدمت می‌نماید. این آمد و شد جلوه‌ای از اوج و فرود همه موجودات عالم است. حکمت دیگر سعی میان صفا و مروه را امام صادق (ع) چنین بیان می‌کند:

توقف بر صفا زمینه‌ساز صفای روح و ضمیر برای ملاقات الهی

۱- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۶؛ ج ۹۶، ص ۲۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۷۰.

ص: ۱۳۷

در روز رستاخیز است و با رسیدن به مروه، مروت و جوان‌مردی را برای خدا پیش گیرد و صفات زشت را در خویش از بین ببرد. (۱)لازم به یادآوری است که در عصر جاهلیت، مشرکان بالای کوه صفا، بتی به نام «اساف» و بر بلندای مروه، بتی به نام «نائله» نصب کرده بودند. به همین دلیل مسلمانان می‌پنداشتند که سعی میان صفا و مروه کار ناپسندی است. آیه ۱۵۸ سوره بقره نازل شد و صفا و مروه را از نشانه‌های الهی معرفی کرد و به آنان گفت که کار ناپسند جاهلان نباید شما را از سعی میان صفا و مروه بازدارد. (۲) در بخشی از سعی، «هروله» (دویدن) بر مردان مستحب است، امام صادق (ع) می‌فرماید: «به گونه‌ای در این بخش هروله کن که از هوای نفس فرار کرده و آن را زیر پا نهاده و از قدرت و غرور خویش دوری گزینی». (۳) پرسش: حکمت عرفات چیست؟

پاسخ: عرفات بیابانی با وسعت هجده کیلومتر مربع، در بیست

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۳۷؛ تفسیر قمی، ص ۵۴؛ بحارالانوار، ح ۹۹، ص ۲۳۵.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۴.

ص: ۱۳۸

و دو کیلومتری جنوب شرقی مکه (میان راه مکه و طائف) است. در روز عرفه حجاج باید از ظهر تا مغرب شرعی در این منطقه حضور داشته باشند.

اما درباره فلسفه نام‌گذاری این سرزمین به «عرفات»، لازم است بدانیم که جبرئیل به ابراهیم (ع) گفت: «إعْتَرِف بِذَنْبِکَ وَ اعْرِفْ مَناسِکَكَ»؛ «به گناهت اعتراف نموده مناسك را بشناس».

چون فرمود: اعتراف کن نام این مکان را عرفات نامیدند. (۱)برخی دیگر گفته‌اند: چون حضرت آدم و حوا، در این سرزمین یکدیگر را شناختند، عرفات نامیده شد.(۲) بعضی هم معتقدند: این سرزمین را عرفات نامیده‌اند زیرا محیطی آماده برای معرفت و شناخت پروردگار است. (۳)حکمت وقوف در عرفات این است که زائر با وقوف در عرفات، مشعر و منا و مشاهده سیل جمعیت از ملیت‌های گوناگون با دو لباس ساده و سفید که در حال گریه و ناله به درگاه الهی هستند، یاد محشر، روز رستاخیز و حضور در پیشگاه خداوند می‌افتد. (۴)

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۰.

۳- همان.

۴- ر. ك: پرتوی از مشعل هدایت، اسرار و معارف حج، ص ۲۲.

ص: ۱۳۹

از امیرمؤمنان علی (ع) پرسیدند که چرا عرفات خارج از مکه واقع شده است؟ امام (ع) پاسخ فرمود:

کعبه اتاق خداوند و حرم خانه او است. هنگامی که مهمانان او می‌خواهند وارد منزل و خانه او شوند، بر درِ خانه می‌ایستند و به سوی او تضرع و ناله می‌کنند. (۱) بنابراین، راز دیگر این سرزمین آن است که انسان آمادگی پیدا کند و پاک گردد تا بتواند به حریم امن الهی وارد شود.

تجلّی امامت و ولایت

یکی از اسرار وقوف در عرفات، پیوند محکم این سرزمین با ولایت و امامت است. زیرا بر اساس بعضی از روایات آیه اکمال دین:

الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الإِسْلامَ دِیناً (مائده: ۳)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم.

در این سرزمین نازل شد. (۲)

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۴.

۲- درّ المنثور، ذیل همین آیه؛ المیزان، ج ۵، صص ۱۷۸ و ۲۰۹.

ص: ۱۴۰

اما پیامبر (ص) به خاطر ترس از مخالفت دشمنان، آن را ابراز نکرد و در انتظار فرصتی ماند تا اینکه در روز غدیر، با نزول آیه:

یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ (مائده: ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شـده کاملًا به مردم برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نـداده‌ای. خداوند تو را از خطرات احتمالی مردم نگاه می‌دارد.

دستور اکید رسید و رسول خدا (ص) به طور آشکار امامت علی (ع) را بیان کرد.(۱) «محمد بن عثمان عمری» از نواب خاص امام زمان (عج) هم در این‌باره می گوید:

وَاللهِ إنَّ صاحِبَ هذَا الامْرِ لَیَحْضُرُ الْمُوسِمَ کُلّ سَنَةٍ، یَرَی النّاسَ وَ یَعْرِفُهُمْ وَ یَرَوْنَهُ وَ لا یَعْرِفُونَه.(۲)

به خدا قسم! همانا حضـرت صاحب الامر (ع (عج)، هر سال در مراسم حج حاضر می‌شود مردم را می‌بیند و آنان را می‌شناسد. مردم او را می‌بینند اما او را نمی‌شناسند.

افزون بر این، خواندن دعای عرفه در آن بیابان و یادآوری

۱- المیزان، ج ۵، صص ۱۷۸ و ۲۰۹.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

ص: ۱۴۱

گریه‌ها و اشک‌های امام حسین (ع) سبب معنویت و استحکام رابطه مردم با امامت است.

حکمت زمان وقوف چیست؟

از پیامبر گرامی اسلام (ص) پرسیدند: «چرا زمان وقوف در عرفات عصر روز نهم ذی الحجه است؟»

آن حضرت در پاسخ فرمود:

هنگام عصر بود که حضرت آدم نافرمانی پروردگار را کرد (ترک اولی انجام داد). خداوند بر امت من فرمان داد در آن ساعت، در بهترین مکان توقف کنند و زاری و دعا نمایند و بهشت را برای آنان فراهم ساخت. ساعتی که مردم از عرفات خارج می‌شوند، همان زمانی است که حضرت آدم با کلمات خاصی، در پیشگاه الهی توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد. (۱) پرسش: اسرار «مشعر الحرام» چیست؟

پاسخ: «مشعر»، سرزمینی است حدود دوازده کیلومتری عرفات، که در بین دو تنگه و دو کوه مأزمین و وادی محسر واقع شده. پس از غروب آفتاب، حاجیان از عرفات به مشعر می‌آیند و تا صبح در

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، باب ۱۹، حدیث ۸.

ص: ۱۴۲

آنجا می‌مانند.

«مشعر» را به این سبب مشعر خوانده‌اند که محلی برای شعار حج و نشان خداجویی است و نشان راه خداشناسی و عبادت است. همچنین به آن «مزدلفه» می‌گویند، زیرا به معنای نزدیک شدن یا اجتماع است و جبرئیل به ابراهیم (ع) گفت: «إزْدَلِف إلَی الْمَشْعَرِ الْحَرام» ؛ «به سوی مشعر الحرام حرکت کن و به آن نزدیک شو».

از امیرمؤمنان (ع) دلیل قرار گرفتن «مشعر الحرام» (۱)را در حرم پرسیدند. ایشان پاسخ فرمود:

زیرا وقتی به حاجیان رخصت ورود به مکه داده شد، آنان را در حجاب دوم متوقف کردند. سپس هنگامی که گریه و زاری آنان در مشعر زیاد شد، به آنان رخصت دادند تا برای قربانی آماده شوند. (۲) آیت الله جوادی آملی درباره اسرار مشعر الحرام می‌نویسد: راز وقوف و بیتوته در مشعر الحرام این است که حج‌گزار قلب خود را با شعار تقوا آگاه کرده، پرهیزکاری و ترس از خداوند را شعار دل خود قرار دهد؛ تا قلب او با تقوا شناخته شود که شعار هر قومی، معرف آن قوم است. بنابراین،

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳۷.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۴۸.

ص: ۱۴۳

اگر چه تقوا در همه مناسک حج مطرح است، لیکن تجلی ویژه آن هنگام وقوف در مشعر الحرام، مشهود واقفان بر اسرار است.(۱)

پرسش: حکمت «رمی جمرات» چیست؟

پاسخ: حاجی‌ها روز دهم ذی الحجه، تعداد هفت سنگ به «جمره عقبه» می‌زنند. روز یازدهم و دوازدهم نیز «جمرهٔ اولی و وسطی و عقبه» را رمی می کنند.

بنا به فرموده حضرت علی (ع) وقتی شیطان خود را به ابراهیم نشان داد، جبرئیل به او فرمان داد که با پرتاب هفت سنگ، شیطان را از خود براند. (۲)بعدها مکان‌هایی که حضرت ابراهیم (ع) در آنجا به سوی شیطان سنگ انداخت، «جمرات» نامیده شد.

امام صادق (ع) در حکمت رمی جمرات می‌فرماید: «در رمی جمرات، شهوات، پستی‌ها و صفات نکوهیده را از خویش دور کن. آنان را با سنگ‌های خود مورد هدف قرار بده».(۳)

۱- صهبای حج، ص ۴۳۵.

۲- الحج و العمرهٔ فی الکتاب و السنه، ص ۲۳۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۳۷.

۳- «وارم الشهوات و الخساسهٔ و الدناءهٔ و الأفعال الذمیمهٔ عند رمی الجمرات». فرهنگ‌نامه اسرار و معارف حج، صص ۲۱۸- ۲۱۹؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۸.

ص: ۱۴۴

سنگ‌باران شیطان، نمادی از مبارزه انسان با اوست. در حقیقت، حاجی با این کار هوای نفس (شیطان درونی) و ابلیس (شیطان بیرونی) را از خویش دور می‌کند تا جای آن در جان و دل را فرشته رحمانی بگیرد.

اما پی در پی بودن این کار نشانگر این است که مبارزه با شیطان باید مستمر باشد تا غفلت و سستی اوج نگیرد. باید همواره از وسوسه‌های او به خدا پناه ببرد و با دور کردن او از خود، از پلیدی‌ها دور شود.

تعدد رمی جمرات (جمرهٔ اولی، وسطی، عقبه) نشان می‌دهد که برای رسیدن به حق باید از مانع‌های گوناگون گذشت. موانعی که، ممکن است در هر قدم از زندگی، وجود داشته باشد که باید همه آنها را پشت سر گذاشت.

پرسش: راز قربانی کردن چیست؟

پاسخ: انجام نخستین قربانی در تاریخ، به زمان هابیل و قابیل باز می‌گردد.(۱) حضرت نوح (ع) هم پس از طوفان، دومین قربانی را ذبح کرد. سپس ابراهیم (ع) به فرمان خداوند، مأمور به قربانی نمودن اسماعیل شد. (۲) و در نهایت رسول خدا (ص) در حجهٔ الوداع، صد شتر

۱- مائده: ۲۷ و ۳۰.

۲- صافات: ۱۰۲ و ۱۰۷.

ص: ۱۴۵

قربانی کرد که ۶۶ شتر از طرف خود ایشان و ۳۴ شتر برای حضرت علی (ع) بود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذْبَح حَنْجَرَتَی الْهَوی وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِیحَهْ»(۱)

؛ «هنگام قربانی، گلوی نفس و طمع را پاره کن».

افزون بر ایثار، تسلیم و تقرب به خداوند، سرّ قربانی این است که حاجی با کشتن گوسفند، نفس حیوانی خویش را بکشد و دیگر دنبال هوا و هوس نرود، تا خواهش‌های شهوانی نفس و وسوسه‌های شیطانی، در او اثر نکند.

ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید: سبب انجام قربانی چیست؟ امام (ع) فرمود: «در حقیقت با ریخته شدن اولین قطره خون قربانی بر زمین، صاحبش آمرزیده می‌شود. دلیل دیگر آن این است که خداوند می‌خواهد علم خویش را آشکار سازد که چه کسی در نهان از او می‌ترسد. خداوند می‌فرماید:

لَنْ یَنالَ اللهَ لُحُومُها وَ لا دِماؤُها وَ لکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ (حج: ۳۷)

نه گوشت‌ها و نه خون‌ها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوا و پرهیزگاری است.

سپس امام (ع) فرمود: ببین چگونه خداوند قربانی هابیل را

۱- مصباح الشریعه، ص ۴۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۷۳؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۵.

ص: ۱۴۶

پذیرفت و قربانی قابیل را رد کرد». (۱) یکی دیگر از حکمت‌های این کار، بهره‌مندی و استفاده نیازمندان از گوشت قربانی است.

رسول خدا (ص) درباره فلسفه دیگر این عمل می‌فرماید:

إنَّما جَعَلَ اللهُ هذَا الاضْحَی لِشَبْعِ مَساكِینِهِمْ مِنَ اللَّحْمِ فَاطْعِمُوهُمْ.(۲)

همانا خداوند حکم وجوب قربانی را قرار داد تا فقرا از گوشت آنها استفاده کنند، بنابراین آنان را با گوشت قربانی پذیرایی کنید.

امام صادق (ع) فلسفه دیگر قربانی کردن را گشایش اقتصادی و بهره‌مندی بی‌نوایان می‌داند.(۳) پرسش: فلسفه و سرّ حلق و تقصیر چیست؟

پاسخ: «حلق» یعنی تراشیدن سر و «تقصیر» یعنی کوتاه کردن مقداری از موی سر یا گرفتن ناخن، که پس از قربانی انجام می‌شود.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۶.

۲- . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۱۶۷ و ۲۰۵؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۴۵۲.

۳- علل الشرایع، ص ۴۳۷.

ص: ۱۴۷

تراشیدن سر، نشانه‌ای بر بندگی است. همان‌طور که می‌دانید موی سر، سبب زیبایی و آراستگی مردان است. این کار سبب می‌شود انسان از زینت در گذرد و سر تسلیم در مقابل خداوند فرود آورد.

پاک شدن از آلودگی‌های ظاهری و باطنی را می‌توان به عنوان یکی از اسرار حلق برشمرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «احلِقِ الْعُیُوبَ الظّاهِرَةَ وَ الْباطِنَةَ بِحَلْقِ رَأسِکَ» (۱)؛ «با ترشیدن سر، زشتی‌های ظاهری و باطنی را از خود دور کن».

تراشیدن سر یعنی از بین بردن هوس، شهرت و دنیاپرستی. بریدن مو (تقصیر) که در عمره مفرده نیز انجام می‌شود- به فرموده حکیم رفیعی قزوینی- اشاره به بریدن زیادی‌های زندگی است. به معنی اینکه از همه چیز باید گذشت و محبت آنها را از دل بیرون کرد و تنها خدا را در دل جا داد. (۲) راز دیگر حلق، این است که نشانه‌ای برای فروتنی در برابر خداوند متعال است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «فَأحلِق رَأسَکَ تَواضُعاً لِلَّهِ عَزَّوَجلَ» (۳)؛ «حضرت سر خویش را به خاطر تواضع و فروتنی در مقابل خداوند تراشید».

۱- مصباح الشریعه، ص ۷۶؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۸.

۲- اسرار و معارف حج، ص ۵۶.

۳- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۰؛ اصول کافی، ج ۴، ص ۱۹۳؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۱.

ص: ۱۴۸

زمانی از امام صادق (ع) پرسیدند: چرا تراشیدن سر بر صروره (کسی که برای اولین سال به حج می‌رود) واجب شده؟ امام پاسخ فرمود: زیرا با این کار، نشانه امنیت را در خود ظاهر کرده است، مگر نشنیده‌اید که خداوند می‌فرماید:

لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرامَ إِنْ شاءَ اللهُ آمِنِینَ (فتح: ۲۷)

همه شما به خواست خداوند وارد مسجدالحرام می‌شوید در نهایت امنیت. (۱)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۸۷.

ص: ۱۴۹

ص: ۱۵۰

فصل پنجم: پرسش‌های تاریخی

اشاره

ص: ۱۵۱

پرسش: تاریخچه مسجد النبی (ص) چیست و دارای چه قسمت‌هایی است؟

پاسخ: نخستین اقدام رسول خدا (ص) پس از ورود به مدینه، ساختن مسجد بود. این مکان شریف‌ترین و والاترین مسجد، پس از مسجد الحرام به شمار می‌رود. رسول خدا (ص) درباره نماز خواندن در آنجا فرمود:

صَلاۀ فِی مَسْجِدِی هذا أفْضَل مِن أَلفِ صَلاۀٍ فِی غَیْرِهِ إلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرام.(۱)

یک نماز در مسجد من، با فضیلت‌تر از هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام.

مسجد النبی (ص) در گذر زمان، به مرور گسترش زیادی کرد که بیشترین آن در زمان پادشاهی «ملک فهد» بود. مسجد فعلی دارای ده مناره و ۲۱۰۴ ستون است.

از قسمت‌های متبرک آن می‌توان به اینجاها اشاره کرد:

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۱؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۴؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۷.

ص: ۱۵۲

۱. روضه شریفه

حدّ فاصل میان منبر و مزار پیامبر (ص) «روضه شریفه» یا «روضه مطهره» نام دارد که رسول خدا (ص) آن را قطعه‌ای از بهشت معرفی فرمود. مرقد پیامبر (ص)، «منبر» و «محراب» ایشان در آنجا قرار دارد.

۲. قبهٔ الخضراء

در سال ۶۷۸، «سلطان قلاوون مملوکی»، گنبدی بر مرقد مطهر پیامبر (ص) بنا کرد. در سال‌های ۸۵۳، ۸۷۸ و ۸۸۱ هم سنگ‌فرش کردن کف حجره و تعمیر گنبد صورت گرفت. سال ۸۸۶ در اثر آتش‌سوزی گنبد مسجد آسیب دید ازاین‌رو در سال ۸۸۷ تعمیر و بازسازی شد.

سال ۱۲۳۳، در روزگار «سلطان محمود عثمانی»، نیز گنبد بازسازی شد. تا آن زمان رنگ آن کبود بود و در روزگار «سلطان عبدالحمید عثمانی» گنبد به رنگ سبز تغییر یافت و به «قُبهٔالخضراء» مشهور شد.

۳. منبر

در آغاز رسالت رسول خدا (ص) هنگام سخنرانی، بر درخت خرمایی تکیه می‌کرد. پس از جدا شدن ایشان از آن، درخت مانند شتر،

ص: ۱۵۳

ناله‌هایی پی‌درپی سر داد. رسول خدا دستی روی آن کشید تا آرام شد.

سپس به پیشنهاد یکی از اصحاب، منبری ساختند تا پیامبر (ص) بر آن بنشیند این منبر، شاید در سال‌های اولیه سکویی از گل بود. تا اینکه در سال هفتم هجری، منبری چوبی ساختند که تا زمان‌های متوالی دارای سه پله بود. بعدها یک نجّار، شش پله دیگر به آن افزود. در سال ۶۵۴، مسجد نبوی آتش گرفت. منبر در آتش سوخت و در مکان منبر کنونی دفن شد. در سال ۶۶۵، منبر جدیدی توسط حاکم مصر «بَیبَرس» برای مسجد النبی (ص) فرستاده شد. در سال ۷۹۷ و ۸۲۰ منبر دیگری نصب شد که آن هم در آتش‌سوزی سال ۸۸۶ از بین رفت. سال ۸۸۹ قایتبای منبری فرستاد که در سال ۹۹۸ با منبری که «سلطان مراد عثمانی» فرستاد عوض شد که تا امروز باقی است.

۴. محراب

محل نماز خواندن پیامبر (ص) به طور دقیق مشخص بود. هنگامی که «ولید» دستور توسعه مسجد را داد و «عمر بن عبدالعزیز» آن را اجرا کرد، در مکان نماز ایشان محرابی ساختند. این محراب در دوره عثمانی با آیه‌های قرآن تزیین شد.(۱)

علاوه بر محراب اصلی، دو محراب دیگر- در سمت قبله- وجود

۱- آثار مکه و مدینه، صص ۱۷۸- ۱۷۹.

ص: ۱۵۴

دارد. یکی محراب «عثمانی» است که در دیوار جنوبی مسجد قرار دارد. محرابی که امروزه امام جماعت در آنجا می‌ایستد. دوم محراب سلیمانی است که در غرب محراب رسول خدا (ص) قرار دارد.

افزون بر این در انتهای دیوار شمالی ضریح پیامبر (ص) محراب «تهجّد» قرار دارد. دلیل این نام‌گذاری آن است که پیامبر (ص) برخی شب‌ها نماز شب را در آنجا اقامه می‌فرمود.

۵. حجره و مرقد پیامبر (ص)

هنگام ساخت مسجد، در قسمت شرقی آن، حجره‌هایی برای زندگی رسول الله (ص) و همسرانش ساخته شد که تا حدود نود سال پس از ایشان نیز پابرجا بود. رسول خدا (ص) در همان حجره‌ای که از دنیا رفت، دفن شد. سپس خلیفه اول و دوم را در کنار آن حضرت دفن کردند.

محدوده حجره که مرقد و خانه حضرت زهرا (س) در آن قرار دارد دارای ۲۴۰ متر (۱۶ متر طول و ۱۵ متر عرض) مساحت است که ضریحی در اطراف آن نصب شده.

۶. ستون‌های مسجد

اشاره

مسجد قدیم، دارای ستون‌هایی با سابقه تاریخی و معنوی خاص بود که در تجدید بناهای مختلف نیز، اگر چه شکل آنها تغییر کرد

ص: ۱۵۵

اما با نام خاص خودشان در تاریخ جاودانه شدند. اکنون این ستون‌ها از دیگر ستون‌ها متمایز و مشخص است.

الف) ستون سریر

این ستون در محلی است که رسول خدا (ص) ایام اعتکاف را در آنجا به سر می‌برد اصحاب برگ‌هایی از درخت خرما یا تختی برای استراحت پیامبر (ص) در آنجا قرار داده بودند.

ب) ستون حرس

نقل شده که امیرمؤمنان علی (ع) در این مکان برای حفاظت از پیامبر (ص) به نگهبانی می‌پرداخت. به همین دلیل به آن اسطونه «حرس» یا «مَحْرس» می گویند.

ج) ستون وفود

«وفد» به معنای هیأت نمایندگی است که جمع آن می‌شود: «وفود». پیامبر (ص) این مکان را برای دیدار با نمایندگان و بزرگان قبایل، مشخص کرده بود و در آنجا با آنان به صحبت می‌پرداخت. این مکان، بعدها به «اسطوانهٔ الوفود» معروف شد.

د) ستون توبه

یهودیان بنی‌قریظه با پیامبر (ص) پیمان بسته بودند که با مشرکین

ص: ۱۵۶

بر ضد ایشان، همکاری نکنند. اما در جنگ احزاب پیمان شکنی کردند. از این رو، رسول خدا (ص) آنان را در محاصره قرار داد. «ابولبابه» از طرف پیامبر (ص) نزد یهود رفت تا با آنان صحبت کند و طرف مشاوره آنان قرار گیرد. یهودی‌ها از او پرسیدند: چه کنیم؟ وی با اشاره به آنان فهماند، چون نقض عهد کرده‌اند، مرگ در انتظارشان است. این جمله می‌توانست یهود را به جنگی سخت با مسلمانان وادار کند.

«ابولبابه» متوجه اشتباه خود شد. از قلعه یهودیان بیرون آمد. مستقیم به سوی مسجد رفت و خود را به یکی از ستون‌های مسجد بست و شروع به گریه و توبه کرد. خداوند ضمن آیاتی توبه او را پذیرفت. ازاین‌رو این ستون را «اسطونه توبه» نامیدند.(۱)

ه) ستون مهاجرین (قرعه عایشه)

نام قرعه برای این ستون به این دلیل است که، عایشه از قول پیامبر (ص)، نقل کرد که: «در کنار این ستون، زمینی است که اگر مردم ارزش آن را می‌دانستند برای نماز خواندن در آن قرعه‌کشی می‌کردند».

چون عایشه این حدیث را نقل کرده آن را عایشه و به خاطر

۱- توبه: ۱۰۲.

ص: ۱۵۷

اینکه مهاجران در اطراف آن جمع می‌شدند، نام مهاجرین را بر آن نهادند.

و) ستون مخلَّقه

«مُخَلَّقه» به معنـای معطر است. این اسـتوانه را از آن جهت به این نـام می‌خواندنـد که عود بر آن می‌گذاشـتند تا فضای مسـجد معطر شود. این کار از زمان «مهدی عباسی» و به وسیله همسر او «خیزران» رسم شد و پس از او ادامه یافت.

۷. مقام جبرئیل

چون جبرئیل از این مکان بر رسول خدا (ص) وارد می‌شد آن را مقام جبرئیل نامیدند. همچنین درِ ورودی خانه حضرت فاطمه (س) آنجا بود. این استوانه، «مربعهٔ القبر» نیز نامیده شده و در حال حاضر داخل حجره شریفه قرار گرفته و قابل دسترسی نیست.

۸. استوانه تهجد

اشاره

در انتهای دیوار شمالی خانه حضرت زهرا (س) محراب «تهجد» قرار دارد. سمت چپ کسی که در آن بایستد، باب جبرئیل و سمت راسـتش مقام جبرئیل است. حضـرت رسول (ص) نماز شب را در این مکان اقامه می‌کردنـد، در آن زمان این محل خارج از مسـجد قرار داشت.

ص: ۱۵۸

پرسش: نام ائمه دوازده‌گانه (علیهم السلام) از چه زمان بر اطراف صحن مسجد النبی (ص) نوشته شده است؟

پاسخ: مسجد النبی (ص) دارای دو صحن است که بر دیوارهای آن لوح‌هایی نصب شده. اگر در صحن اول مسجد رو به قبله بایستید، بالای دیوار مقابل، روایتی از رسول خدا (ص) در فضیلت نماز در مسجد النبی (ص) مشاهده می‌کنید:

صَلاۀ فِی مَسْجِدِی هذا افْضَل مِنْ الفِ صَلاۀٍ فِی غَیْرِهِ إلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرام.

یک نماز در مسجد من با ارزش‌تر از هزار نماز در مساجد دیگر است مگر مسجد الحرام.(۱)

در اطراف این صحن، لوح‌هایی با زمینه رنگ سبز وجود دارد که این نام‌ها بر آنها نوشته شده: «ابوهریره، حسن، عثمان، ابوبکر الصدیق، الله عزوجل، ماشاء الله، محمد رسول الله، و کفی بالله شهیدا، عمر الفاروق، علی المرتضی، حسین السبط، عباس».

در سمت راست نوشته شده است: «طلحه، حبیب بن‌التمیم الداری، اسامۀ بن‌زید، سعد بن‌ابی وقاص، حمزه».

اما آنچه در سمت چپ مکتوب است: «زبیر، سعید بن‌عاص، عبدالرحمن بن‌عوف، علی الرضا، زید بن‌حارثه».

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۱.

ص: ۱۵۹

در پشت سر نیز نوشته شده: «علی زین العابدین، جعفر الصادق، مالک بن‌انس، محمد بن‌الحسین، محمد بن‌ادریس، نعمان بن‌مالک».

در صحن دوم، رو به قبله اسامی: «عبدالله بن‌عباس، عبدالله بن‌زبیر، عبدالله بن‌مسعود، محمد المهدی، علی النقی، انس بن‌مالک»، قرار دارد.

و در سمت راست نوشته شده: «ابوعبیده، محمد الباقر، موسی الکاظم، محمد التقی، حسن العسکری».

بر سمت چپ نگاشته شده: «معاذ بن جبل، بلال حبشی، زید بن‌ثابت، عبدالله بن‌ثمر، سلمان فارسی».

در پشت سر نیز نوشته است: «صهیب رومی، حذیفهٔ بن‌الیمان، سعد بن‌معاذ، سعد بن‌عباده، ابی بن‌کعب، خالد بن‌ولید».

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید نام مبارک دوازده امام (علیهم السلام)، همراه نام عشره مبشره و اسامی چهار امام مذهب اهل تسنن با خطی زیبا در اطراف دیوار حیات اول و دوم نوشته شده است. در میان آنها نام امام زمان (عج) به صورت محمد المهدی (عج)، به صورت بسیار زیبایی نوشته شده که از دور «حی» یعنی زنده خوانده می‌شود. هر چند در سالیان اخیر وهابیت به صورتی نامناسب کلمه «ح» را از «ی» جدا نمودند تا کلمه حی خوانده نشود.

این نوشته از زمان عثمانی وجود دارد و در سفرنامه‌های دوره قاجار یاد شده است. در گذشته‌ای نه چندان دور، در امپراطوری

ص: ۱۶۰

عثمانی و بسیاری از کشورهای دیگر، اهل سنت، در کنار خلفای نخست و ائمه مذاهب چهارگانه خودشان، به ائمه دوازده‌گانه: نیز علاقه‌مند بوده‌اند. به همین دلیل نامشان را در این بزرگ‌ترین مسجد دنیای اسلام نوشته‌اند. پرسش: چرا مرقد مطهر حضرت زهرا (س) پنهان است؟

پاسخ: هر شیعه‌ای که وارد مدینه، شهر پیغمبر می‌شود، هنگامی که به زیارت مرقد مطهر رسول خدا (ص) می‌رود و پس از آن به زیارت قبور امامان بقیع و دیگر قبور، مشرّف می‌شود، حیران و نگران با عقده‌ای ناگشودنی یک پرسش برایش باقی می‌ماند: بانوی باعظمت اسلام، تنها بازمانده پیامبر اکرم (ص) که حضرتش گاهی دست او را می‌بوسید، چرا مخفیانه دفن شد؟(۱)

هر مسلمانی حق دارد بپرسد: قبر دختر پیامبر کجاست؟ وقتی پاسخ می‌شنود که مرقد او معلوم نیست، خواهد پرسید: چرا؟ و این پرسش دریچه‌ای خواهد شد برای بازگو کردن حقایق.

قبر مخفی بیانگر حقیقت‌ها

قبر فاطمه (س)، سند مظلومیت و مدرک اعتراض و خشم او نسبت به کسانی است که به او و خاندانش ظلم کردند.

۱- آثار اسلامی مکه و مدینه، صص ۱۸۷- ۱۸۸.

ص: ۱۶۱

تاجری از اهالی تهران می‌گفت: «هر سال به مکه معظمه می‌رفتم و در مدینه طیبه، در منزل یک نفر خیاط سکونت می‌گزیدم. روزی به او گفتم: سال‌هاست که من به منزل شما در مدینه می‌آیم و شما هم در تهران مهمان من می‌شوید. سؤالی دارم که دوست دارم جواب آن را بدهید. گفت: بگو. گفتم: در مدینه، مزار تمام بزرگان مشخص است. بگو قبر حضرت فاطمه (س) کجاست؟»

مرد خیاط با شنیدن این حرف، دست بر پیشانی خود نهاد و به فکر فرو رفت. من بسیار ترسیدم، طوری که وسایلم را به سرعت جمع کردم و به تهران برگشتم.

پس از چند روز در حجره و محل کار بودم که مرد خیاط وارد شد. سلام کرد و گفت: ترسیدی و از مدینه فرار کردی؟ گفتم: آری همین‌طور است.

گفت: حاج احمد، همین مسأله مخفی بودن قبر حضرت فاطمه زهرا (س) سبب شده که من و جمع زیادی شیعه شویم!

آن روز که شما رفتید، من نزد قاضی‌ها رفتم و این مطلب را پرسیدم. آنها پاسخ‌های متفاوتی دادند. سرانجام نزد قاضی القضاة حجاز رفتم و به او گفتم: یک شیعه از من چنین پرسیده است. گفت: قبر حضرت زهرا (س) مخفی است. گفتم: چرا؟ گفت: چون خودش وصیت کرده بود. پرسیدم: چرا این‌گونه وصیت نمود؟ گفت: چون عده‌ای او را بسیار اذیت کردند، او به همسرش وصیت کرد مرا شبانه

ص: ۱۶۲

دفن نما تا دشمنان در تشییع جنازه و نماز من حاضر نشوند.

پس از آن، خیلی تحقیق کردم. مظلومیت آن بانو بر من ثابت شد. به همین سبب، من و عده دیگری شیعه شدیم.

حضرت فاطمه (س) از چه کسانی خشمگین بود؟

پاسخ این سؤال در منابع شیعه، روشن است. اکنون با بیان یک مقدمه، بر اساس منابع اهل سنت، به این پرسش پاسخ می گوییم:

در کتاب «صحیح بخاری» چنین آمده:(۱)

إنَّ رَسُولَ الله (ص) قالَ: فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّی؛ فَمَنْ اغْضَبَها اغْضَبَنِی. (۲)

پیامبر اسلام (ص) فرمود: فاطمه پاره تن من است، پس هر کس فاطمه را خشمگین کند، مرا خشمگین ساخته است.

در کتاب «صحیح مسلم» نیز نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود:

فَإنَّما إبْنَتِی بَضْعَةٌ مِنّی یَریبُنِی ما رابَها وَ یُؤذِینِی ما آذاها. (۳)

همانا دخترم پاره تن من است. مرا ناراحت می کند هر آنچه او را ناراحت می کند و اذیت می کند مرا هر آنچه او را اذیت کند.

۱- کرامات الفاطمیه، ص ۶۶.

۲- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۸.

۳- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۹؛ سنن الکبری، ج ۷، ص ۳۰۷.

ص: ۱۶۳

بر اساس این مقدمه، هر کس فاطمه (س) را خشمگین کند، رسول خدا (ص) را آزرده ساخته است و آنکه رسول خدا (ص) را اذیت نماید مورد لعن و نفرین الهی قرار می‌گیرد و عذابی دردناك در انتظار او خواهد بود، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللهُ فِي الدُّنْيا وَ الآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهِيناً (احزاب: ۵۷)

همانا کسانی که خدا و رسولش را اذیت می‌کنند، خداوند در دنیا و آخرت لعنتشان می‌کند و برایشان عذابی دردناك آماده کرده است.

در بعضی از روایات اهل تسنن از قول عایشه نقل شده: «پس از رحلت رسول خدا (ص)، فاطمه (س) ارث و آنچه از پدرش به جای مانده بود را از ابوبکر مطالبه کرد. اما ابوبکر گفت: رسول خدا (ص) فرموده است: «ما ارث نمی‌گذاریم و آنچه پس از ما می‌ماند صدقه است». عایشه می‌گوید:

فَغَضِبَتْ فاطمةُ بِنْتُ رَسُولِ الله (ص) فَهَجَرَتْ ابابَكْرٍ فَلَم تَزَلْ مُهاجِرَتُهُ حَتّى تُوُفِّيَتْ.

پس فاطمه غضب نمود و ابوبکر را ترک کرد و تا زنده بود با ابوبکر حرف نزد و برای همیشه با او قهر کرد. فاطمه پس از رسول خدا (ص) شش ماه زندگی کرد.

ص: ۱۶۴

عایشه در ادامه می گوید:

فـاطمه (س) سـهم خود از آنچه رسول خـدا از خیبر، فـدك و صـدقه مـدینه به جا گذاشـته بود را از ابوبکر مطالبه کرد اما ابوبکر از دادن آن به حضرت، خودداری کرد. در ادامه حدیث دیگری، پس از بیان مطالب یاد شده، آمده است:(۱)

هنگـامی که فـاطمه (س) از دنیـا رفت، شوهرش علی (ع) شـبانه او را دفن کرد و به ابوبکر اجازه حضور نـداد و خود بر جنازه فاطمه (س) نماز خواند ... ابن ابی الحدید معتزلی می گوید:

وَ الصَّحِیحُ عِنْدِی إنَّها ماتَتْ وَ هِی واجِدَةٌ عَلی ابی بَکر وَ عُمَر وَ انَّها اوْصَت ان لا یُصَلّیا عَلَیْها. (۲)

به عقیـده من، دیـدگاه درست این است که فاطمه (س) در حالی از دنیا رفت که نسـبت به ابوبکر و عمر ناراحت بود و وصـیت کرد که آن دو نفر بر جنازه‌اش نماز نخوانند.

وی در جای دیگری می گوید: «نقل‌های متواتر و مستفیضه(۳)

۱- همان، حدیث ۴۲۴۰، ۴۲۴۱.

۲- صحیح بخاری، کتاب فرض الخمس، حدیث ۳۰۹۲، ۳۰۹۳.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۵۰.

ص: ۱۶۵

این‌گونه است که فاطمه (س) وصیت کرد که او را شبانه دفن کنند و از علی (ع) عهد گرفت که چنین کند». ابن قتیبه می‌نویسد: «وقتی فاطمه (س) بیمار بود، عمر و ابوبکر گفتند: ما او را ناراحت کرده‌ایم. او دختر پیامبر است، باید به عیادت او برویم. وقتی به عیادت آن حضرت رفتند، فاطمه (س) خطاب به آنان فرمود:

فَإِنِّی اشْهِدُ اللهَ وَ مَلائِکَتَهُ انَّکُما اسْخَطتُمانی وَ ما ارْضَیْتُمانِی وَ لَئِن لَقَیْتُ النَّبی (ص) لَاشْکُوَنَّکُما إلَیْهِ. (۱)

همانا من خدا و فرشتگانش را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین ساختید و رضایت مرا کسب نکردید. وقتی پیامبر را ملاقات کنم، شکایت شما را به ایشان می‌نمایم.(۲)

نتیجه‌گیری را بر عهده شما خوانندگان محترم می‌گذارم. اما باید نوشت که راز وصیت نامه و رفتار علی (ع) راه راست را بر همگان آشکار خواهد ساخت.

فاطمه (س) به علی (ع) گفت: «مرا شبانه غسل بده، شبانه بر من نماز بگذار و مرا مخفیانه و در هنگام شب دفن کن و مدفنم را مخفی بدار. مبادا مردمی که بر من ستم کردند- به خصوص آن دو

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۲- الامامهٔ و السیاسهٔ، ابن قتیبهٔ دینوری، ج ۱، صص ۳۱ و ۳۰؛ من حیاهٔ الخلیفهٔ عمر بن خطاب، ص ۸۸.

ص: ۱۶۶

نفر– در تشیع جنازه، نماز و دفنم حاضر شوند و از محل دفن شدنم آگاهی یابند».

آری، فاطمه (س) در زمان زندگی خویش، با تفکر و بینش درست، از حقیقت دفاع کرد. پس از شهادت هم می‌خواست به دشمنانش بگوید که دود آتش ظلمی که برافروختند نه فقط به چشم خودشان بلکه به چشم تاریخ و انسانیت خواهد رفت. به همین دلیل دنیا تا روز ظهور یا روز حشر، از زیارت مرقدش محروم ماند. چه سند مظلومیتی از این جاودانه‌تر؟ اما از آنجا که همیشه خشک و تر با هم می‌سوزند مؤمنان نیز باید همیشه در آرزوی زیارت، مزارش اشک فراق بریزند.

یا علی رفتم بقیع اما چه سود

هر چه گشتم فاطمه آنجا نبود پرسش: تاریخچه بقیع چیست و از چه جایگاهی برخوردار است؟ پاسخ: «بقیع» در لغت به معنای زمین وسیعی است که دارای درخت فراوان یا ریشه آن باشد. در گذشته این مکان، محل رویش درختان خارداری معروف به «غَرقَدْ» بوده، ازاین‌رو آنجا را «بقیع الغرقد» نامیدند.

این زمین در ناحیه شرقی مسجد النبی (ص) و در فاصله صد متری آن قرار دارد و از مقدس‌ترین قبرستان‌های اسلامی است. بیش از ده

ص: ۱۶۷

هزار نفر از بزرگـان دین و اصـحاب پیامبر (ص) در آن مـدفون هسـتند. مهم‌ترین آنها چهار امام از امامان شـیعه هسـتند که در آنجا مدفونند. بزرگی جایگاه هر یک از آنها به تنهایی کافی بود تا آن سرزمین دارای گنبد و بارگاهی باشکوه باشد.(۱)

«عثمـان بن مظعون» یکی از یـاران باوفـای پیامبر (ص) بود که بعـد از جنگ بـدر درگـذشت. او از نخستین افراد مهاجر است که در بقیع دفن شـد. پیـامبر (ص) توجهی ویژه به بقیع داشت، به زیـارت قبور آن می‌رفت و برای آنـان طلب آمرزش می‌کرد و خطـاب به آنان می‌فرمود: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُسْلِمِینَ». عباسـیان هم، برای حفظ قبر «عباس»، بنایی بر آن ساختنـد. از آنجا که این قبر در کنار مزار چهار امام (علیهم السلام) و قبر فاطمه بنت اسد قرار داشت، بقعه یاد شده، همه آنها را در برگرفت. در همان زمان بقعه‌هایی نیز برای همسران پیامبر (ص)، عمه‌ها، امام مالک و دیگران ساخته شد.(۲)

بـا تسلط وهابیت همه این بقعه‌ها تخریب شـد. آنان در سال ۱۳۴۴ بقعه‌هـایی که دوباره ساخته شـده بود را نیز، تخریب کردنـد و با نفوذی که تا امروز داشته‌اند آن را به صورت ویرانه نگه داشته‌اند.

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۹؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۴۷؛ تاریخ المدینهٔ المنوره، ج ۱، ص ۹۴.

۲- ر. ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، صص ۲۶۳- ۲۶۴.

ص: ۱۶۸

پرسش: مسجد الحرام دارای چه مختصاتی است؟

پاسخ: ساختمان کعبه از روزگار «عبدالله بن‌زبیر» و «حجاج ثقفی» تا امروز باقی مانده است.

طول ضلع رکن اسود تا رکن عراقی ۶۸/ ۱۱ متر و طول رکن عراقی تا شامی ۹۰/ ۹ متر، طول رکن شامی تا رکن یمانی ۰۴/ ۱۲ متر و رکن یمانی تا رکن اسود ۱۸/ ۱۰ متر است.

پرده کعبه

درباره پرده خانه خدا گفته‌اند: حضرت اسماعیل (ع) برای اولین بار پرده‌ای بر روی کعبه کشید. بعدها قریش این روش را ادامه دادند. رسول خدا (ص) نیز پس از فتح مکه پرده آن را عوض کرد.

در زمان‌های مختلف این، پرده توسط حاکمان و سلاطین سرزمین‌های دور و نزدیک تهیه می‌شد. تا اینکه در سال ۱۳۴۶ هجری قمری «عبدالعزیز» فرمان داد، کارگاه بافت ویژه‌ای برای بافت جامه کعبه احداث گردد. این کارگاه به مرور زمان به وسایل جدید مجهز شد. در سال ۱۳۵۹ هنگام ولیعهدی «ملک فهد»، کارگاه جدیدی ساخته شد که دارای دو بخش است. در بخش نخست، پوشش داخلی کعبه و پرده و کمربند آن بافته می‌شود و روی آن با رشته‌های نقره‌ای طلا فام، تزیین می‌گردد. در بخش دوم هم که به ابزارهای مدرن مجهز است، جامه خارجی کعبه را می‌بافند.

ص: ۱۶۹

در میان مربع‌های پرده، کلمه «لا اله الّا الله» و «محمد رسول الله» نوشته شده. آیه‌های فراوانی هم درباره حج، کعبه و خانه خدا، با رشته‌های نقره‌ای طلا فام بر روی آن نگاشته شده است.

بر اساس آنچه در روایات آمده و همچنین از روش اهل بیت عصمت، برمی‌آید بر گرفتن پرده کعبه و تضرع و دعا تأکید شده است.

ارکان کعبه

طواف از رکن حجرالاسود آغاز می‌شود و به رکن عراقی می‌رسد، سپس به رکن شامی و بعد از آن به رکن یمانی می‌رسد و در حجرالاسود یک شوط تمام می‌شود.

البته فضیلت رکن یمانی و رکن أسود از ارکان دیگر بیشتر است. امام باقر (ع) فرمود: «رسول خدا دو رکن یمانی و اسود را لمس می‌کرد و آنها را می‌بوسید و صورتش را بر آنها می‌نهاد».(۱) همچنین ایشان در حدیثی می‌فرماید: «مسح حجرالاسود و رکن یمانی، گناهان انسان را پاک می‌کند». (۲) امام صادق (ع) نیز رکن یمانی را به عنوان دری از درهای بهشت

۱- «کان رسول الله ۹ لا یستلم الا الرکن الأسود و الیمانی، ثم یقبّلها و یضع خدّه علیها». الکافی، ج ۴، ص ۴۰۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۳.

۲- «مسح الحجر والرکن الیمانی، یحُطّ الخطایا حَطّاً». کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۱۶؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۸۹.

ص: ۱۷۰

معرفی می کند. ایشان می‌فرماید: «از روزی که گشوده شده، بسته نشده و از جاهایی است که دعا در آنجا به اجابت می‌رسد».

حجر الاسود

«حجرالاسود» از سنگ‌های بهشتی است که همراه حضرت آدم (ع) به زمین فرود آمد. به فرموده رسول خدا (ص) مانند دست راست خداوند است که در روی زمین قرار گرفته و مردمان با دست کشیدن بر آن با خدا بیعت می کنند. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «در روز قیامت خداوند، حجرالاسود را زنده می کند، در حالی که دو چشم بینا و زبانی گویا به او، عطا می‌نماید، شهادت می‌دهد که چه کس آن را لمس کرده است». (۱) امام صادق (ع) هم فرمود: «اگر حجر الاسود خلوت بود بر آن دست بزن و در صورت شلوغی از دور اشاره کن». (۲)

ملتزم

قسمتی از دیوار و پایین دیوار کعبه را، که در یک سوی آن حجرالاسود و در طرف دیگرش درِ کعبه قرار دارد «ملتزم» می‌نامند. این محل را از آن روی متلزم می‌نامند که مردم آنجا می‌ایستند و به

۱- الحج و العمرهٔ فی الکتاب و السنه، ص ۱۰۲.

۲- کافی، ج ۴، ص ۶۰۵.

ص: ۱۷۱

دیوار ملتزم شده، می‌چسبند و دعا می‌خوانند. (۱) امام صادق (ع) فرمود: «ملتزم جایی است که خداوند متعال در آن توبه حضرت آدم (ع) را پذیرفت». (۲)

مستجار

در سوی دیگر کعبه،- روبه‌روی ملتزم- دیوار کنار رکن یمانی را «مستجار» می‌نامند. مستجار به معنای پناه بردن است.

حطیم

«حطیم»، نیم دایرهٔ حدّ فاصل حجر الاسود و مقام ابراهیم است که مردم برای دعا در این قسمت جمع می‌شوند و به یکدیگر فشار می‌آورند. به دیگر سخن، از حجر الاسود تا مقام ابراهیم و از آنجا تا درِ کعبه، مثلثی به وجود می‌آید که آن را حطیم می‌نامند. البته در مقدار گستردگی آن اختلاف است.

شاذروان

برآمدگی اطراف دیوارهای کعبه در قسمت پایین را، «شاذروان»

۱- آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۸۰.

۲- «هو الموضع الذی تاب الله فیه علی آدم» وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۳۱.

ص: ۱۷۲

می‌گویند که جزیی از کعبه محسوب می‌شود. «حجّاج بن یوسف» این قسمت را بیرون از کعبه قرار داد. این بنا در سه طرف کعبه قرار دارد و ابعاد آن از سمت حجر اسماعیل ۱۲* ۲۰ سانتی‌متر است.

حجر اسماعیل

«حجر اسماعیل» بین دو رکن شامی و عراقی واقع شده و به صورت نیم دایره است. و یک متر و نیم ارتفاع دارد. طول داخل آن ۱۰ متر و ۶۸ سانتی‌متر، عرض آن ۸ متر و ۷۷ و ضخامت آن ۱ متر و ۳۰ سانتی متر است.

بنا به فرموده امام صادق (ع)، قبر اسماعیل (ع)، دختران او و مادرش هاجر در حجر است. این مکان بعد از حطیم بهترین نقطه در مسجد الحرام برای نماز خواندن (غیر از نماز طواف) به شمار می‌رود.(۱)

مقام ابراهیم

بر اساس احادیث، «مقام ابراهیم» سنگی بهشتی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند به ابراهیم (ع) فرمان داد تا اعلام حج نماید. ابراهیم (ع) سنگی را که اکنون جای پای او بر آن است، در

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۱۰؛ مستدرک سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۲۲۱.

ص: ۱۷۳

کنار کعبه قرار داد و روی آن ایستاد و با صدای بلند، فرمان الهی را اعلام نمود. آن سنگ تحمل وی را نداشت و دو پای ایشان در آن فرو رفت.

سپس ابراهیم (ع) با سختی پای خود را از آن بیرون کشید». (۱) بر اساس نقل‌های دیگر، پیدایش این مکان مربوط به زمانی است که حضرت ابراهیم (ع)، دیوارهای کعبه را بالا برد. آن‌گاه که دیوار طوری بلند شد که دست به آن نمی‌رسید. سنگی آوردند. ابراهیم (ع) روی آن ایستاد، سنگ‌ها را از دست اسماعیل (ع) گرفت و دیوار کعبه را بالا برد. (۲) این سنگ به شکل تقریبی شبیه مربع است، با طول و عرض ۴۰ و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتی متر رنگ آن، رنگی بین زرد و قرمز متمایل به سفید است. در زمان «مهدی عباسی»، با طلا پوشانده شد و در محفظه‌ای قرار گرفت تا صدمه نبیند. (۳) بر اساس برخی گفته‌ها، «مقام ابراهیم» تا هنگام فتح مکه داخل کعبه قرار داشت. رسول خدا (ص) پس از فتح مکه آن را بیرون آورد و کنار کعبه، نزدیک در نصب کرد: زمانی که آیه وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ

۱- علل الشرایع، ص ۴۲۳.

۲- آثار مکه و مدینه، ص ۸۲.

۳- همان.

ص: ۱۷۴

إبْراهیمَ مُصَلًّی نازل شد، آن حضرت دستور داد تا مقام را در جایی که اکنون قرار گرفته انتقال دهند. (۱)

زمزم

پس از آنکه ابراهیم (ع) همسر و فرزندش را ترک کرد، تشنگی بر آنان چیره شد. خداوند به وسیله جبرئیل، چاه زمزم را برای حفظ جان اسماعیل و هاجر پدید آورد و نشانه‌ای از قدرت خویش را آشکار ساخت. آبی که هرگز بو نمی‌گیرد و رنگ، بوی و طعم آن تغییر نمی‌کند.

نام‌های دیگر زمزم عبارتند از: ۱. رکضه جبرئیل؛ ۲. چاه اسماعیل؛ ۳. حفیرهٔ عبدالمطلب؛ ۴. مضنونه؛ ۵. طعام طعم؛ ۶. شفاء سقم- سقیا- رواء- شباعهٔ.

نوشیدن و پاشیدن مقداری از آب زمزم گوارا پس از طواف مستحب است. آری خداوند برای پذیرایی از زائران خود همه چیز را فراهم کرده است.

ناودان کعبه

از وقتی خانه خدا سقف داشته، ناودانی چوبی نیز بر آن نصب شده بود. تا اینکه در سال ۹۵۹ قمری ناودانی از جنس نقره برای

۱- آثار مکه و مدینه، ص ۸۲، به نقل از التاریخ التقویم، ج ۴، ص ۴۳.

ص: ۱۷۵

کعبه ساختند. در سال ۱۱۷۳ از طرف «سلطان عبدالحمید» پادشاه عثمانی ناودانی از جنس طلا بر روی کعبه قرار دادند که طول آن ۱۹۵ سانتی‌متر و ارتفاع لبه‌هایش ۲۳ و عرض آن ۲۶ سانتی متر است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «زیر ناودان، جایگاه جبرئیل است که از آنجا اجازه تشرف به محضر پیامبر (ص) را یافت. دعای هیچ کس زیر آن رد نمی‌شود».(۱)

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۵۷.

ص:۱۷۶

ص: ۱۷۷

ص:۱۷۸

فصل ششم: نکته‌ها و توصیه‌ها

اشاره

ص: ۱۷۹

اکنون که قدم در راه سفر عشق گذارده‌ای و روح و جان خویش را آماده پرواز به ملکوت کرده‌ای، حال که می‌خواهی به زیباترین مهمانی بروی، قشنگ‌ترین لباس- تقوا- را بپوش، در زلال‌ترین آب غسل کن، زمزمه‌های عاشقانه لبیک را بر لب جاری کن، دعوتش را اجابت نما و آیه‌های صفا را بر لب بیاور تا در ساحل آرامش الهی آرام گیری.

شاید بتوان با رعایت نکته‌هایی، مهمانی خانه دوست را بهتر خاتمه داد و آن را برای همیشه عمر در خاطره ماندگار ساخت.

۱. اخلاص و دل پاک

ملاک و معیار سنجش هر عملی، مقدار اخلاص آن است. زائر خانه حق، باید نیت خود را اصلاح کند و هر چه غیر خدا را از روح خویش بزداید و همه زحمت‌های این راه را فقط برای رضایت معبود انجام دهد و به جان دل بخرد.

ص: ۱۸۰

۲. بخشش

مسافر خانه خدا، کینه‌ها را قبل از آغاز سفر از دل بیرون کند و همه را ببخشد. از تمامی خویشان و دوستان خود حلالیت بخواهد تا با خاطری آسوده و قلبی سراسر محبت و مهربانی قدم در این راه گذارد.

۳. وسایل مورد نیاز

شایسته است همه نیازمندی‌های سفر را همراه خود بردارید. زیرا گاهی، مقداری نخ و سوزن، خودکار و دفتر یادداشت و ... می‌تواند بسیار ضروری باشند. اگر از قرص یا دارو استفاده می‌کنید، حتماً آنها را همراه بردارید.
مردها وسایل لباس احرام را فراموش نکنند (دو عدد حوله، کمربند، قیچی، صابون بی بو، کفشی که رویش باز باشد و دکمه لباس احرام).

۴. خوش اخلاقی و کمک به همسفران

بدانید که هر چه با هم‌سفران خود، هر اندازه رفتار شایسته‌تری داشته باشید و بخشش بیشتری نمایید، امام راستگویان حضرت صادق (ع) تضمین می‌کند و قسم یاد می‌کند که خداوند شما را به اندازه یک جوان‌مرد روزی دهد و کارهایتان را پاداش می‌بخشد.(۱)

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۷.

ص: ۱۸۱

۵. رعایت حقوق دیگران

گاهی انسان‌ها به قصـد ثواب کارهایی انجام می‌دهند که در حقیقت از بین بردن حقوق دیگران به شـمار می‌آید. ایجاد سـر و صدا، رعایت نکردن آرامش در مکان‌های شلوغ و ... از این قبیل است. بنابراین مناسب است در طول سفر، هنگام سوار شدن به اتوبوس‌ها و در مکان‌های زیارتی، سر وقت حضور یابد و برای رفتن به زیارت دوره و برگشت از آن، رعایت حقوق دیگران را بنماییم.

۶. بوسیدن حجرالاسود

بوسیدن و مالیدن دست بر حجرالاسود ثواب زیادی دارد. اما گاهی با مزاحمت، ازدحام و یا بهانه‌گیری مأموران سعودی همراه می‌شود. و آنان به پیمانه تلصیق و خوردن بدن زن و مرد در این مکان به یکدیگر افراد را دستگیر و زندانی می‌نمایند ازاین‌رو مناسب است به توصیه مدیر و روحانی کاروان توجه نمایید و از دور به حجرالاسود اشاره نمایند و سلام دهند. امام صادق (ع) به «سیف تمّار» فرمود:

إنْ وَجَدْتَهُ خالِیاً وَ إلّا فَسَلِّم مِنْ بَعِید. (۱)

اگر ازدحام نبود حجر الاسود را ببوس و اگر شلوغ بود از دور به آن سلام بده و با دست به آن اشاره کن.

۱- الکافی، ج ۴، ص ۴۰۵.

ص: ۱۸۲

۷. یادداشت خاطره‌ها

هنگام بازگشت از این سفر معنوی، تصور می کنی آنچه را دیده‌ای، در خواب بوده. تا آنجا که روزهای اول مراجعت باورت نمی‌شود که از چه سرزمینی جدا شده‌ای. بنابراین، چه خوب است که خاطرات این سفر را یادداشت کنی تا برای همیشه در دفتر دلت بماند و یادآوری آن روزها، عشق و معنویت را در تو زنده نماید.

۸. ارزش لحظه‌ها

اشاره

از آنجا که معلوم نیست بار دیگر این سفر معنوی نصیبت شود و این لحظه‌های سراسر نور را مشاهده کنی، پس قدر لحظه لحظه آن را بدان و توشه‌ای گران‌بها تهیه کن.

در مدینه

اگر جای پای یکی از معصومین (علیهم السلام) را بیابی آن را طوطیای چشم خود می کنی. اکنون در شهری به سر می‌بری که عموم پیشوایان معصوم (علیهم السلام) بر زمین آن قدم نهاده‌اند و آرامگاه با عظمت بزرگ‌ترین پیشوای عالم بشریت، خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) و یگانه دختر گرامی وی حضرت فاطمه (س) و چهار نفر از امامان بزرگوار، در آن قرار دارد.

در هیچ جای عالم نمی‌توانی، این تعداد معصوم را زیارت کنی،

ص: ۱۸۳

جایی که عمری آرزوی دیدارش را داشتی، اکنون در برابر دیدگان توست. بنابراین، تلاش کن از صمیم قلب و از عمق روح و جان، در پیشگاه آنان عرض ادب کنی و هر چه بیشتر به زیارت ایشان نائل شوی.

نماز در مسجد النبی (ص)

مسجد النبی (ص) یکی از بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین اماکن مذهبی است. در اهمیت آن همین بس که با فضیلت‌ترین مسجد، بعد از مسجدالحرام است و نماز در آن برابر با ده هزار نماز در دیگر مساجد است.

طبق فرموده رسول خدا (ص) باغی از باغ‌های بهشت میان قبر و منبر ایشان است.

مناسب است تا جای ممکن نمازهای واجب را در مسجد النبی (ص) بخوانیم. همچنین نمازهای دیگر، یا نمازهایی که از ما قضا شده را در آن مکان مقدس به جا آوریم.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

در مسجد النبی (ص)، زیاد نماز بخوانید و تا می‌توانید مشغول نماز باشید که برای شما بهتر است. مناسب است انسان در امر آخرت خویش زیرک باشد [و از فرصت استفاده کند]. (۱)

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۴.

ص: ۱۸۴

۹. نماز شب

ارزش و انـدازه ثواب نماز شب را تنها خداونـد می‌داند. سـعی کنید در مکه و مدینه چند شبی را با یازده رکعت نماز عشق به دیدار معشوق برویـد. چهار نماز دو رکعتی به نیت نماز شب، دو رکعت نماز شـفع و یک رکعت هم نماز وتر. برای دانسـتن چگونگی آن به مفاتیح مراجعه کنید و یا از روحانی کاروان بپرسید.

۱۰. درک سحرهای مدینه

یکی از باصـفاترین وقت‌هـای این سـفر معنوی، درک سـحر و حضور در بین‌الحرمین و دعـا خوانـدن گروهی در آن مکـان مقـدس است. همیشه خاطره‌ها، در جمع خاطره می‌شونـد. بنابراین اگر چه دعا خواندن در بین الحرمین، گاه با دشواری و جلوگیری مأموران سعودی همراه است، اما هیچ‌گاه نمی‌توان ارزش و جایگاه یک سحرگاه و زیارت بقیع در آن را تصور کرد.

۱۱. معرفی شیعه

سفر حـج و عمره جلوه‌ای از رفتـار مردمـان، بـا فرهنـگ و مـذاهب گوناگون است. در این میان شـیعیان بیش از دیگران مورد توجه هستند. ازاین‌رو رفتار هر یک از زنان و مردان، دختران و پسران شیعه می‌تواند معرف مذهب شیعه باشد. بنابراین شایسته است در

ص: ۱۸۵

همه لحظه‌های حضور در اماکن عبادی، بازار و ... مواظب رفتار و حرکات خود باشیم و نمونه زیبای اخلاق اسلامی شیعه و تقوا و همچنین عبادت درست را آشکار سازیم.

۱۲. رعایت حجاب

مناسب نیست آنان که با شیعیان میانه خوبی ندارنـد، بر ما انتقاد کنند و گاهی رعایت نکردن حجاب کامل اسلامی بانوان، بهانه به دست آنـان دهـد. بلکه خانم‌هـایی که حضـرت زهرا (س) الگوی آنان است بایـد در هر زمان و مکانی در برابر نامحرمان با عفت و زینت حجاب ظاهر شوند و از حضور به تنهایی در مغازه‌ها و بازارهای خلوت بد چشمان پرهیز کنند.

۱۳. لباس پوشیدن مردان

همچنین به جا است که جوانان ایرانی در مجامع عمومی مکه و مدینه لباس‌های مناسب بپوشـند و از پوشیدن لباس‌های آستین کوتاه یا دارای نوشته‌های غربی بپرهیزند.

۱۴. خرید و بازار

بسیاری از کالاهایی که زائران خریداری می‌کنند، از نظر قیمت با بازارهای ایران برابر است، و چه بسا با در نظر گرفتن

ص: ۱۸۶

هزینه، وقت، حمل و نقل و خروج سرمایه از کشور، این خریدها به صرفه نباشد. بنابراین مناسب است وقت خویش را به اندازه متعارف صرف خرید نماییم و از گذراندن فرصت کم این سفر در جاهای غیر لازم که بعدها از آن پشیمان می‌شویم، دوری کنیم.

۱۵. حضور در نماز جماعت اهل سنت

از نظر برخی مذاهب اهل سنت، خروج از مسجد بعد از گفتن اذان و یا در هنگام نماز حرام است. بنابراین بر ما لازم است تا جایی که ممکن است و ضرورتی پیش نیامده، از مسجد خارج نشویم. زیرا آنان بر ما ایراد می‌گیرند که به نماز اهمیت نمی‌دهیم. بنابراین مناسب است زائران- به ویژه جوانان- به شکل منظم در نمازهای جماعت آنان شرکت نمایند. همان‌طور که نماز خواندن با ایشان، دستور پیشوایان معصوم (علیهم السلام) است.

مقام معظم رهبری در پاسخ به پرسشی درباره خروج از مسجدالحرام و مسجد النبی (ص) در وقت نماز می‌فرماید:

این گونه برخورد با نماز جماعت مسلمین بسیار زشت و ناپسند است و اگر موجب هتک نماز و وهن مذهب و تحریک دیگران به اعتراض و عیب‌جویی باشد حرام است.

ص: ۱۸۷

۱۶. پرهیز از انجام بعضی کارها

انجـام بعضـی کارهـا گرچه از دیـدگاه شـیعیان اشـکالی نـدارد، امـا سـبب توهین و برخورد زشت مأموران وهابی عربسـتان می‌شود. بنابراین مناسب است این‌گونه اعمال، همچون نماز در پشت دیوار بقیع، برداشـتن خاک از آنجا و فیلم برداری با گوشـی همراه و ... را انجام ندهیم.

۱۷. حرکت در صف جماعت

سعی کنیم در صف‌های جماعت از مقابل نمازگزاران حرکت ننماییم. زیرا حرکت از جلوی نمازگزار در نزد آنان ناپسند است.

۱۸. بعد از نماز

بعد از تمام شدن نماز هم نباید سریع از جای خود بلند شویم، بلکه باید کمی صبر کنیم.

۱۹. نماز در هتل

چنانچه نماز را در هتل به جا می‌آوریم، هنگام سـجده بایـد سـر را بر چیزی بگـذاریم که سـجده بر آن جایز است و سـجده بر فرش جایز نیست.

ص: ۱۸۸

۲۰. ایام عذر بانوان

دختران و بانوان گرامی در ایام عادت نمی‌توانند به مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام وارد شوند.

۲۱. دخیل بستن

از بستن پارچه (دخیل بستن) به درختان، نرده‌ها، بقیع، احد و ... به طور جد خودداری نمایید.

۲۲. تک‌روی

گرچه چند بار به حج یا عمره آمده‌اید، اما باز هم سعی کنید از تک‌روی خودداری نمایید و اعمال عمره و حج خود را همراه جمع و زیر نظر روحانی کاروان انجام دهید تا هم از برکات عبادت در جمع بهره‌مند شوید و هم از اشتباه احتمالی در اعمال جلوگیری نمایید.

نویسنده خود به یاد دارد افرادی را که با اعتماد به دانسته‌های خود، به تنهایی اعمال و مناسک را انجام داده‌اند و بعد متوجه بطلان آن شده‌اند.

۲۳. نماز روبروی امام جماعت

در مسجد الحرام سعی کنیم برای انجام نماز، محلی را که

ص: ۱۸۹

روبروی امام جماعت قرار دارد انتخاب نکنیم، زیرا از نظر بسیاری از مراجع این نماز باطل است.

۲۴. اولین نگاه به کعبه

ارزش اولین نگاه به کعبه را بدانید و با هماهنگی روحانی کاروان آن را به خاطره‌ای ماندگار تبدیل کنید.

غلام امام باقر (ع) می گوید:

با حضـرت باقر (ع) به زیارت حج مشـرف شدیم. هنگامی که امام وارد مسـجد الحرام شد تا چشم ایشان به کعبه افتاد با صدای بلند گریستند. گفتم: پدر و مادرم فدای شما باد، مردم شما را نگاه می کنند، بهتر است صدایتان آهسته باشد. امام فرمود: وای بر تو، چرا گریه نکنم، شایـد که خداوند با نظر رحمت به من بنگرد تا فردای قیامت در پیشـگاه او رسـتگارم شوم ... (۱) مناسب است ابتدا سر خود را به زیر افکنیم و به فکر گناهان، توبه و بازگشت به سوی خدا باشـیم. هنگام دیدن کعبه هم سـجده کنیم و با اشک و آه از او بخواهیم که این مهمان گناهکار را نیز بپذیرد.

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۰.

ص: ۱۹۰

۲۵. لحظه‌های حضور در مکه را غنیمت بشمارید

اشاره

مکه، سرزمینی است که همانند ندارد و مسجد الحرام در فضیلت و شرافت یگانه است. عبادت در آن بی‌نظیر است و از سویی زمان سفر کوتاه. بنابراین از همه زائران کعبه عشق می‌خواهیم که فرصت را از دست ندهند و لحظه لحظه آن را غنیمت شمرند.

ارزش نماز در مسجد الحرام

پس از انجام مناسک، تا می‌توانید نمازهای واجب، قضا، مستحبی را در مسجد الحرام به جا آورید.
امام صادق (ع) می‌فرماید:
مکه حرم خداوند و حرم رسول الله (ص) و حرم امیر مؤمنان علی (ع) است. یک نماز در آن مساوی صد هزار نماز و یک درهم صدقه در آن برابر صد هزار درهم صدقه در مکان‌های دیگر است. (۱) امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «کسی که دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم بخواند، معادل آزاد کردن شش بنده ثواب برده است». (۲)

۱- کامل الزیارات، ص ۲۹.
۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۵۹.

ص: ۱۹۱

شایسته است برای بستگان فوت شده، نماز بخوانیم. اگر پدر و مادرمان زنده هستند دو رکعت نماز مستحبی بخوانیم و ثواب آن را به ایشان هدیه کنیم و اگر از دنیا رفته‌اند برایشان نماز قضا و نماز مستحبی به جا آوریم.

ارزش قرائت قرآن

امام سجاد (ع) فرمود:

مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَکَّهَ لَمْ یَمُتْ حَتَّی یَرَی رَسُولَ اللهِ وَ یَرَی مَنْزِلَهُ فِی الْجَنَّهْ. (۱)

کسی که در مکه قرآن را ختم کند، نمی‌میرد تا اینکه رسول خدا (ص) را ببیند و جایگاه خویش را در بهشت مشاهده نماید.

و امام باقر (ع) فرمود:

کسی که قرآن را از یک جمعه تا جمعه دیگر یا کمتر از آن یا بیشتر از آن، ختم کند، خداوند پاداش و ثواب از اولین جمعه عمرش تا آخرین جمعه آن را می‌نویسد، همچنین است اگر در روزهای دیگر ختم کند. (۲) بنابراین، زائر خدا، با یک ختم قرآن در مکه و مسجد الحرام،

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۸۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۲.

ص: ۱۹۲

ارزش وقت خویش را می‌داند و خود را در مسیر فیض و رحمت الهی قرار می‌دهد.

نگاه به کعبه

بنا به فرموده رسول خدا (ص): «نگاه کردن به کعبه عبادت است و سبب آمرزش گناهان می‌شود. یکی از زمان‌هایی که درهای آسمان گشوده می‌شود و دعا مستجاب می‌گردد، هنگام دیدن و نظر به کعبه است».(۱) امیرمؤمنان علی (ع) نیز می‌فرماید:

زیاد به کعبه نگاه کنید زیرا خداوند صد و بیست رحمت خویش را نزد کعبه قرار داده که شصت عدد آن برای طواف‌کنندگان، چهل تای آن برای نمازگزاران و بیست عدد آن برای تماشا کنندگان کعبه است.(۲) و امام صادق (ع) می‌فرماید:

کسی که به کعبه نگاه کند پیوسته برایش ثواب نوشته می‌شود و گناهانش محو می‌گردد تا هنگامی که نگاه خویش را از کعبه بردارد. (۳)

۱- السنن الکبری، ج ۳، ص ۵۰۲.

۲- الخصال، ص ۶۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۴.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۵؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

ص: ۱۹۳

بنابراین در جایی که نگاه کردنش تا این اندازه پاداش دارد، شایسته است قدر زمان را در آن بدانیم و عمر خویش را بیهوده صرف نکنیم.

ارزش طواف

طبق فرموده رسول مهربانی (ص): «طواف» زینت کعبه است(۱) و خداوند به طواف‌کنندگان کعبه مباهات می‌کند (۲)و هر روز برایشان شصت رحمت می‌فرستد. (۳) در هر قدمی که برمی‌دارند پاداشی نوشته می‌شود و گناهی را محو می‌کند. او را درجه‌ای بالا می‌برد و هر قدم ارزش آزاد کردن بنده‌ای را دارد. (۴) باید توجه داشت، هنگام شلوغی می‌توان طواف مستحب را در خارج از مطاف نیز انجام داد. نماز آن را هم در هر جای مسجد بخوانند درست است. منظور از «طواف» یعنی هفت بار گرد خانه خداوند چرخیدن. بنابراین هر هفت دور یک طواف است و آن را می‌توان به نیت دیگران انجام داد، یا به نیت امامان (علیهم السلام) به خصوص

۱- «زین الکعبه الطواف» جامع الاحادیث قمی، ص ۸۵.

۲- «ان الله یباهی بالطائفین» تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۶۹.

۳- «ینزل الله کل یوم عشرین و مأة رحمة، ستّون منها للطائفین و اربعون للعاکفین حول البیت و عشرون منها للناظرین الی البیت» الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

۴- السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۷۶.

ص: ۱۹۴

امام زمان (عج) طواف کرد.

موسی بن قاسم می‌گوید به امام محمد تقی (ع) گفتم:

من برای هر یک از پدران شما طواف کردم و گاه و بیگاه هم از طرف مادرت فاطمه (س) طواف می‌کنم. حضرت فرمود: از این‌گونه طواف بسیار به جای آور که با فضیلت‌ترین اعمال است.

یک طواف و نماز به نیت همه

باید توجه داشت شریک کردن دیگران در عبادت، نه تنها هیچ ثوابی از انسان کم نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید. می‌توان یک طواف و نماز از طرف همه خویشان و مؤمنان به جا آورد. شخصی به امام موسی کاظم (ع) عرض کرد:

هنگامی که عازم مکه بودم، فردی به من گفت یک طواف و دو رکعت نماز از جانب او به جا آورم و من فراموش کرده‌ام. اکنون که برگشته‌ام نمی‌دانم جواب او را چه بگویم؟

حضرت فرمود:

همین که وارد مکه شدی و اعمالت را انجام دادی، یک طواف و دو رکعت نماز انجام بده و بگو: خدایا این طواف و نماز را از طرف پدر، مادر، همسر، فرزندان و اطرافیان و تمام همشهری‌های خودم انجام دادم. پس هنگامی که برگشتی به آن مرد بگو من از

ص: ۱۹۵

طرف تو طواف کردم و نماز خواندم و راست گفته‌ای.

و وقتی که به زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) رفتی و آنچه را به عهده داشتی انجام دادی، دو رکعت نماز بخوان، سپس کنار قبر پیامبر (ص) بایست و بگو: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ الله» از جانب پدر، مادر، همسر، فرزند و همه اطرافیان و اهل سرزمینم. آن‌گاه وقتی برگشتی، اگر به آن شخص بگویی سلام تو را به پیامبر (ص) عرضه داشتم، دروغ نگفته‌ای.

۲۶. احتیاط در عبور و مرور

بی احتیاطی برخی از شهروندان سعودی، به خصوص جوانان این کشور در رانندگی می‌تواند خطر آفرین باشد. بنابراین ضروری است در عبور از خیابان‌ها احتیاط کنیم تا از حوادث تلخ جلوگیری شود.

۲۷. وسایل قیمتی

از گذاشتن اشیای قیمتی در اتاق‌های هتل خودداری کنید.

۲۸. مراقبت از کودکان

از تنها گذاشتن کودکان در اتاق‌های هتل، بپرهیزید، زیرا گاهی خطرآفرین خواهد بود.

ص: ۱۹۶

۲۹. دوری از جدل

از بحث و جدل با مأموران سعودی به طور جد بپرهیزید که این کار نه تنها هیچ فایده‌ای ندارد، بلکه باعث لجاجت و سخت‌گیری بیشتر آنان می‌شود.

۳۰. توزیع کتاب توسط عوامل سعودی

توزیع کتب به وسیله عوامل سعودی با نوسان در شدت و ضعف ادامه دارد، ضروری است زائران گرامی از گرفتن کتاب از آنان خودداری کنند.

۳۱. پاشیدن گندم

پاشیدن گندم برای کبوتران، انداختن عریضه داخل بقیع، عکس‌برداری، فیلم برداری و برداشتن خاک از قبرستان از عواملی است که موجب وهن مذهب تشیع می‌شود. بنابراین از این رفتارها پرهیز کنید.

۳۲. زیارت دوره

در رفتن به زیارت دوره کوتاهی نکنید، زیرا افزون بر بازدید مکان‌های تاریخی و یادگار صدر اسلام، ترک آنها سزاوار نیست.
به عنوان مثال رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس مرا زیارت کند

ص: ۱۹۷

و عمویم حمزه را زیارت نکنـد، به من جفا کرده است».(۱) همچنین نماز خواندن در بسـیاری از مساجد مورد بازدید، ثواب بسیاری دارد. ازاین‌رو تأکید می‌کنیم که در زیارت دوره شرکت کنید و از آن بهره کامل ببرید.

۳۳. استعمال دخانیات

کشیدن سیگار در تمام قسمت‌های ساختمان و اتاق‌ها ممنوع است. بنابراین در صورت ناتوانی در ترک سیگار باید از محوطه خارج هتل و فضاهای باز و غیر عمومی استفاده کرد.

۳۴. غذا خوردن

در خوردن و آشامیدن خود مدیریت کنید و از پرخوری و درهم‌خوری پرهیز نمایید تا دچار مشکلاتی همچون بیماری نشوید. برای آشامیدن آب هم از آب معدنی استفاده کنید.

۳۵. برخورد با مسئولین

شایسته است در همه مراحل برخوردی شایسته و همراه با آرامش با مسئولین کاروان و هتل‌داران داشته باشید و اگر پیشنهاد و

۱- مستدرك الوسایل، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

ص: ۱۹۸

تذکری دارید آن را به صورت خصوصی و دوستانه مطرح کنید و از پیش داوری بپرهیزید.

۳۶. مسائل شرعی

مسائل شرعی و مشکلات احتمالی و سؤال‌های دینی خود را تنها از روحانی کاروان بپرسید و به دانسته‌های خود یا دیگران اکتفا نکنید.

۳۷. مسائل اجرایی

مسائل اجرایی، تاریخ حرکت، زمان‌ها، بازدیدها و زیارت دوره را از مدیر و معاون کاروان بپرسید و سر وقت برای رفتن حاضر شوید.

۳۸. جلسه‌های معنوی

مهم‌ترین بخش معنوی این سفر، جلسات مناسک است که توسط روحانی کاروان اداره می‌شود. این نشست‌ها افزون بر اطلاعات و آموزش مناسک حج و عمره، به معنویت و حالت دعا و توسل شما کمک می‌کند. شایسته است با خوش‌بینی، علاقه و اخلاص در این جلسه‌ها شرکت کنید.

ص: ۱۹۹

۳۹. انتظارات نابه‌جا

واقع‌بین باشیم و از توقعات و انتظارات رؤیایی پرهیز کنیم. خود را جای مسؤلین قرار دهیم. آنان را درک کنیم و بدانیم نمی‌توان کاروان را با سلیقه فردی رهبری کرد.

۴۰. هنگام انجام اعمال

هنگام عزیمت به میقات‌ها، حرمین و مشاعر شریفه، حواسمان به سخنان روحانی کاروان باشد تا در صورت برخورد با مشکل، نسبت به رفع آن اقدام شود.

۴۱. کمک به دیگران

تلاش کنید با هماهنگی مسؤلین کاروان تا آنجا که می‌توانید به هم کاروانیان خود کمک کنید که این کار پاداشی غیر قابل تصور دارد.

۴۲. صبوری در مشکلات

سعی کنید در همه زمان‌های سفر صبور و آرام باشید. بخصوص در دشواری‌های غیر قابل پیش بینی مثل گم شدن افراد، تأخیرهای غیر قابل پیش بینی، تأخیر در غذا و ...

ص: ۲۰۰

۴۳. آدرس و شماره تلفن هتل

در مکه و مدینه همواره کارت هتل را همراه خود داشته باشید و آدرس دقیق هتل را به خاطر بسپارید. در صورت لزوم از مسؤلین هتل‌های ایرانیان کمک بگیرید.

۴۴. حفاظت از مدارک هویت

در حفاظت از گذرنامه‌تان که به شما سپرده می‌شود، تلاش کنید. زیرا گم شدن یا ربوده شدن و جاگذاشتن آن مشکلات فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

۴۵. وقت‌های آزاد

برای زمان‌هایی که در اختیار خودتان قرار داده می‌شود برنامه‌ریزی کنید و نسبت به زیارت، استراحت و بازار و ... با برنامه عمل کنید تا به همه آنها برسید.

۴۶. روحیه قدردانی

نسبت به کسانی که برای شما کاری انجام می‌دهند روحیه تشکر و قدرشناسی داشته باشید و نپندارید همه کارهایی که دیگران انجام می‌دهند وظیفه آنان است، بلکه چه بسا بیشتر از وظیفه خود تلاش می‌کنند. علاوه بر این مقابل انجام وظیفه درست نیز باید تشکر کرد.

ص: ۲۰۱

۴۷. نظم و نظافت

در نظم بخشیدن و پاکیزگی اتاق و محل زندگی چند روزه خویش بکوشید و دقت کنید که وسائل شما در هتل جا نماند. اگر چنین چیزی رخ داد آن را به اطلاع مدیر کاروان برسانید.

۴۸. نگه‌داشتن دوستان سفر

آنچه از رفاقت مهم‌تر است، حفظ و نگهداری دوستان این سفر معنوی است. ازاین‌رو به‌جاست شماره تلفن دوستان، روحانی کاروان و مدیران کاروان را داشته باشید و دوستی خود را با آنان ادامه دهید.

۴۹. نماز اول وقت

در طول سفر، نماز اول وقت را فراموش نکنید بخصوص هنگام بازگشت از این سفر معنوی، اگر به وقت نماز برخورد کردید، نماز خود را متناسب با شرایط سفر در اولین وقت ممکن بخوانید.

۵۰. زیارت وداع

برخی از مردم می‌پندارند شرکت در زیارت وداع موجب می‌شود که دیگر به این سفر دعوت نشوند. در حالی که دقیقاً برعکس است و در این زیارت از خداوند و اولیای الهی درخواست

ص: ۲۰۲

می‌کنیم که این سفر را آخرین سفر ما قرار ندهد و بار دیگر این توفیق را نصیب ما گرداند. بنابراین در زیارت و طواف وداع شرکت کنید و قدر لحظه‌های پایانی سفر را بدانید.

۵۱. آخرین ساعت‌های سفر

شایسته است هنگام بازگشت از این سفر معنوی، کمی در فرودگاه منتظر بمانیم تا با دوستان و مسؤلین کاروان خداحافظی کنیم. زیرا چند دقیقه صبر، نشانگر شخصیت و وفاداری انسان است.

۵۲. در بدو ورود به هتل، وجوه نقد، ارز و وسایل قیمتی خود را تحویل صندوق امانات نموده، رسید دریافت دارید.

۵۳. کارت شناسایی زائر را که دربردارنده آدرس، شماره تلفن هتل و مشخصات شماست، در همه حال همراه داشته باشید.

۵۴. از ورود نیروهای خدماتی ناشناس و بدون کارت به درون اتاق جلوگیری کرده و به مدیر کاروان یا مدیر ثابت هتل اطلاع دهید.

۵۵. هنگام استراحت در اتاق در را از داخل قفل نمایید و از ورود افراد غریبه جلوگیری کنید.

۵۶. در وقت خروج از اتاق از قفل بودن در و پنجره‌ها مطمئن شوید.

ص: ۲۰۳

۵۷. هنگام ترک حرم، بازار، سرویس‌های بهداشتی، وسایل نقلیه و سالن غذاخوری، وسایل و لوازم شخصی خود را جا نگذارید.

۵۸. موقع تردد و عبور از عرض خیابان مواظب خود باشید، اگر رانندگان احتیاط نمی‌کنند، شما مراقب باشید و به صورت جمعی از عرض خیابان عبور کنید.

۵۹. از انداختن لباس روی آباژور خودداری فرمایید.

نکاتی که باید در مسجد الحرام رعایت شوند

۶۰. پشت به حرم مطهر ننشینید.

۶۱. هنگام خواندن قرآن و دعا، پاهای خود را دراز نکنید.

۶۲. از نوشتن یادگاری یا هر مطلب دیگر، روی دیوارها، درها، قرآن‌ها و ... پرهیز کنید.

۶۳. برادران از بر تن کردن لباس‌های نامناسب بخصوص پیژامه خودداری کنند.

۶۴. خانم‌ها از پوشیدن لباس احرام که با عرق کردن به بدن‌شان می‌چسبد و آن را نمایان می‌سازد، خودداری کنند.

۶۵. روی دمپایی، نام و نام خانوادگی خود را که به اسم خداوند و ائمه (علیهم السلام) شباهت دارد، ننویسید.

۶۶. قرآن را با دست چپ حمل نکنید.

۶۷. هیچ‌گاه قرآن را روی زمین یا فرش، نگذارید.

ص: ۲۰۴

۶۸. موقع اذان و نماز با هم صحبت نکنید.

۶۹. زن و مرد در صف جماعت کنار هم ننشینند.

۷۰. در هنگام برگزاری نماز جماعت از خواندن نماز به صورت انفرادی اجتناب نمایید.

۷۱. ذکر رکوع و سجده را آهسته بگویید و با صدای بلند صلوات نفرستید.

۷۲. کفش خود را در کیسه‌ای مخصوص قرار دهید و در جای مطمئن بگذارید و شماره جا کفشی را به خاطر بسپارید.

۷۳. با پای کثیف و جوراب بدبو داخل حرم نشوید.

۷۴. بردن وسایل حجیم به داخل حرم ممنوع است. بنابراین، وقت خرید خود را به گونه‌ای تنظیم کنید که با وقت نماز هم‌زمان نشود.

۷۵. هرگز در حرم سیگار نکشید.

۷۶. از کارهایی که موجب تفرقه می‌شود، بپرهیزید و با مأموران و مسؤلان حرم مشاجره نکنید.

۷۷. از خواندن قنوت در نمازهای جماعت با اهل سنت اجتناب کنید.

توصیه‌های بهداشتی و پزشکی

۷۸. دست‌ها را به طور مرتب با آب و صابون بشویید.

۷۹. از نوشابه‌های سرد و آب سرد کمتر استفاده کنید.

ص: ۲۰۵

۸۰. هنگام خروج از هتل، کولرها را روشن و هنگام ورود خاموش نمایید تا در مقابل باد مستقیم کولر قرار نگیرید.

۸۱. از ظروف، لیوان و وسایل تمیز و بهداشتی استفاده کنید.

۸۲. از سوپ و مایعات گرم بیشتر استفاده کنید.

۸۳. در صورت بروز بیماری، استراحت کامل نمایید تا زودتر بهبودی یافته و از بقیه زمان سفر استفاده نمایید.

۸۴. در صورت لزوم از ماسک استفاده کنید.

توصیه به خواهران گرامی

۸۵. حجاب و چادر هویت زن مسلمان ایرانی است. ازاین‌رو خواهران گرامی در حفظ حجاب و شأن زن مسلمان ایرانی دقت لازم را بفرمایند.

۸۶. تنها و بدون همسر یا همراه دیگر از کاروان به بازار بخصوص در اماکن خلوت و دور نروید.

۸۷. از آرایش کردن و پوشیدن لباس‌های نامناسب، خودداری کنید.

۸۸. هنگام خرید از صحبت زیاد، خندیدن و کارهایی که در شأن یک زن با حجاب نیست، خودداری نمایید.

۸۹. موقع پرداخت پول، مواظب باشید کم یا زیاد نپردازید.

۹۰. در وقت خرید و سوار شدن به اتوبوس‌ها از هیاهو و

ص: ۲۰۶

هیجان‌زدگی خودداری کنید.

۹۱. تنهایی از سوار شدن به تاکسی و خودروهای متفرقه برای رفتن به حرم، بازار و سایر اماکن جداً خودداری نمایید.

۹۲. در صورت بروز هرگونه حادثه‌ای از قبیل توهین و تعرض، درگیری، سرقت، تصادف و غیره در کم‌ترین زمان مراتب را از طریق مدیر کاروان به مدیر ثابت هتل و ستاد مدینه یا مکه اطلاع دهید.

۹۳. مواظب پول‌های خود باشید تا سرقت نشوند.

۹۴. بدون حضور مدیر یا معاون کاروان یا یکی از مردان و عوامل ایرانی هتل، از خدمه بومی نخواهید که اتاق شما را نظافت کنند.

در همه مراحل سفر رعایت کنید

۹۵. از شتاب و عجله در همه مراحل سفر بخصوص هنگام سوار شدن به آسانسور، اتوبوس و هواپیما بپرهیزید.

۹۶. ناملایمات و مشکلات سفر، قسمتی از آن است و صبر و شکیبایی مقابل آنها، دارای ثواب و اجر فراوانی است. پس با صبر و حوصله با آنها برخورد کنیم.

۹۷. رعایت نوبت و حقوق دیگران به ویژه کهنسالان را بنمایید.

۹۸. در هنگام حرکت و بازگشت در وقت تعیین شده حاضر

ص: ۲۰۷

باشیم و به حقوق دیگران احترام بگذاریم.

۹۹. با حضور به موقع در سالن غذاخوری و هنگام نشستن روی صندلی جهت صرف غذا به راهنمایی‌های مسؤلین غذاخوری توجه فرمایید.

توصیه‌های قبل از خرید

۱۰۰. پیش از خرید به طور کامل بیاندیشید، بعد تصمیم به خرید بگیرید.

۱۰۱. در تهیه جنس مورد نظر عجله نکنید، چون پس دادن یا تعویض آن با مشکلات بسیاری همراه است.

۱۰۲. وقتی را برای خرید انتخاب کنید که با نماز یکی نباشد.

۱۰۳. هنگام شنیدن اذان، خرید را ترک کنید و به صف نمازگزاران بپیوندید.

۱۰۴. در وقت نماز، از جمع شدن در برابر هتل و مغازه‌ها خودداری کنید.

۱۰۵. به تفاوت ارزشی میان پول عربستان و ایران و یا دلار، دقت فرمایید تا کم و یا زیاد نپردازید.

۱۰۶. در بازار و خیابان دست در دست همسر خود حرکت نکنید.

۱۰۷. در معامله اظهار فقر و نداری نکنید، زیرا این کار در شأن

ص: ۲۰۸

مسلمان ایرانی نیست.

۱۰۸. از چانه زدن بی‌مورد و قسم خوردن پرهیز کنید.

۱۰۹. فروشنده یا راننده تاکسی ممکن است فارسی بدانند، پس حرف‌هایی نزنید که شنیدن آن برای دیگران مناسب نیست.

۱۱۰. کالاهای هم‌قیمت با کشورمان و یا کالاهای چینی و معیوب را خریداری نکنید.

ص: ۲۰۹

کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، تحقیق الشیخ محمد عبده، بیروت، دار المعرفة، بی‌تا.

۱. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، چاپ چهارم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۰ ه. ش.

۲. احکام القرآن، ابی بکر احمد بن علی الرازی الجصاص، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ه. ق.

۳. اخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار، محمد بن عبدالله الأزرقی، مکة، محقق، ۱۴۲۴ ه. ق.

۴. ادوار فقه، محمود شهابی، چاپ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ه. ش.

۵. اصول کافی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، قم دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ه. ق.

۶. الامامة و السیاسة، ابی محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة الدینوری، تحقیق علی شیری، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۳ ه. ق.

۷. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۸.

ص: ۲۱۰

تاریخ المدینهٔ المنورهٔ، عمر بن شبه النمیری، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دار الفکر، بی‌تا.

۹. تاریخ فقه و فقهاء، ابوالقاسم گرجی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ ه. ش.

۱۰. تاریخ مدینهٔ دمشق، علی بن حسن بن عساکر، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۱۱. تحریر الاحکام، حسین بن یوسف حلّی، مشهد، مؤسسهٔ آل البیت:، بی‌تا.

۱۲. تفسیر الثعالبی، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف ابی زید الثعالبی المالکی، تحقیق عبدالفتاح ابوسنهٔ و ...، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه. ق.

۱۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ه. ش.

۱۴. تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن طوسی، قم، دار الکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۶۵ ه. ش.

۱۵. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ابی جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.

۱۶. الجامع الصغیر، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.

۱۷. الجامع لاحکام القرآن، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری قرطبی، بیروت، مؤسسهٔ التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.

۱۸.

ص: ۲۱۱

الجهاد، عبدالله بن مبارک، تحقیق دکتر نزید حماد، جدهٔ، دارالمطبوعات الحدیث، بی‌تا.

۱۹. جواهر الفقه، قاضی ابن براج، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۱۱ ه. ق.

۲۰. الحدائق الناظره، یوسف بحرانی، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم، جامعه المدرسین، بی‌تا.

۲۱. خصـائص الوحی المبین، شـمس الـدین یحیی بن الحسن الاسـدی الربعی الحلی بن البطریق، تحقیق شـیخ مالک المحمودی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷ ه. ق.

۲۲. الخصال، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، بی‌تا.

۲۳. الخلاف، ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه. ق.

۲۴. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، چاپ اول، جدهٔ، دار المعرفه، ۱۳۶۵ ه. ق.

۲۵. ره توشه حج، جمعی از نویسندگان، چاپ دوم، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۲ ه. ش.

۲۶. السجود علی الارض، چاپ چهارم، بی‌جا، مرکز الجواد، ۱۴۱۴ ه. ق.

۲۷. سنن ابن ماجهٔ، محمد بن یزید القزوینی، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الفکر.

۲۸.

ص: ۲۱۲

سنن ابی داود، سلیمان بن الأشعث سجستانی، تحقیق محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ه. ق.

۲۹. سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ه. ق.

۳۰. السنن الکبری، احمد بن الحسین بن علی بیهقی، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.

۳۱. سنن النسائی، احمد بن شعیب نسائی، بیروت، دار الفکر، ۱۳۴۸ ه. ق.

۳۲. شرایع الاسلام، جعفر بن الحسن حلی، تحقیق صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ه. ق.

۳۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۳۴. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت، دار الملایین، ۱۴۰۷ ه. ق.

۳۵. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری بیروت، دار الفکر، افست از طبعة دار الطباعة العامرة باستانبول، ۱۴۰۱ ه. ق.

۳۶. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیسابوری، بیروت، دار الفکر (مجلدات، ۸).

۳۷. الصحیفة العلویة، عبدالله بن صالح السماهیجی، بیروت، دار التعارف، بی‌تا.

۳۸. صلاة المؤمن، سعید بن علی قحطانی، ریاض، مؤسسة الجریسی للتوزیع و الاعلان، ۱۴۲۳ ه. ق.

۳۹.

ص: ۲۱۳

الصواعق المحرقة، احمد بن حجر الهیتمی المالکی.

۴۰. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۴۱. العروة الوثقی، کاظم یزدی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ ه. ق.

۴۲. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه صدوق، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۶ ه. ق.

۴۳. عیون اخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ه. ق.

۴۴. الغدیر، عبدالحسین امینی، چاپ چهارم، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۳۹۷ ه. ق.

۴۵. فتح الباری شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، چاپ دوم، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، بی‌تا.

۴۶. فرهنگ‌نامه اسرار و معارف حج، معاونت امور روحانیون، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۵ ه. ش.

۴۷. الفقه علی المذاهب الأربعة.

۴۸. کتاب الدعاء، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ه. ق.

۴۹. کتاب الطهارة، مرتضی انصاری، تحقیق لجنة التحقیق، قم: مؤسسة الهادی، ۱۴۱۸ ه. ق.

۵۰. کشف الغطاء، جعفر الغطاء، چاپ سنگی، اصفهان، مهدوی، بی‌تا.

۵۱.

ص: ۲۱۴

کنز العمال، علاء الدین علی المتقی الهندی، تحقیق بکری حیانی و صنوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، بی‌تا.

۵۲. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدین هیثمی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵۳. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، تحقیق سید جلال الدین حسینی، قم، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۵۴. المدونة الکبری، مالک بن انس، مصر، السعادة، بی‌تا.

۵۵. مستدرک الحاکم، محمد بن محمد الحاکم نیسابوری، تحقیق دکتر یوسف مرعشلی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ ه. ق.

۵۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری، قم، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵۷. مستدرک الوسائل، علی نمازی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ه. ق.

۵۸. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۵۹. المسند، محمد بن ادریس شافعی، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی‌تا.

۶۰. مصباح الشریعة، الامام جعفر الصادق، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۰ ه. ق.

۶۱. المصنف، عبدالله بن محمد بن ابی شیبة الکوفی، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ه. ق.

۶۲. معجم البلدان، یاقوت الحموی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۶۳. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی، چاپ دوم، قاهره، مکتبة ابن تیمیة، بی‌تا.

۶۴.

ص: ۲۱۵

مغنی اللبیب، جمال الدین بن هشام الانصاری، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قم، مکتبهٔ آیت الله العظمی المرعشـی، ۱۴۰۵ ه. ق.

۶۵. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، قم، جاویدان، ۱۳۷۳ ه. ش.

۶۶. مکارم الاخلاق، حسن بن الفضل طبرسی، چاپ ششم، قم، منشورات الرضی، ۱۳۹۲ ه. ق.

۶۷. من حیاهٔ الخلیفهٔ عمر بن الخطاب، عبدالرحمن احمد البکری، بیروت، الارشاد، بی‌تا.

۶۸. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعهٔ المدرسین، ۱۴۰۴ ه. ق.

۶۹. مناقب آل ابی‌طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف، مطبعهٔ الحدریهٔ، ۱۳۷۶ ه. ق.

۷۰. میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، قم، دار الحدیث، بی‌تا.

۷۱. نظم درر السمطین، جمال الدین محمد بن یوسف الزرندی الحنفی، نسخه خطی مکتبهٔ الامام امیر المؤمنین، ۱۳۷۷ ه. ق.

۷۲. النهایهٔ فی غریب الحدیث، المبارک بن محمد بن اثیر، قم، مؤسسهٔ اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ه. ش.

۷۳. وسائل الشیعه، محمد بن حسن الحر العاملی، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹